

سنن النبی صلی الله علیه و آله: آداب و سنن پیامبر (ص) – آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام

مشخصات کتاب

- سرشناسه: طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰.
- عنوان قرارداد: سنن النبی صلی الله علیه و آله. فارسی
- عنوان و نام پدیدآور: سنن النبی: آداب و سنن پیامبر (ص) / تالیف محمد طباطبائی؛ ترجمه حسین استادولی.
- وضعیت ویراست: [ویراست ۲]
- مشخصات نشر: تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۹.
- مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص.
- شابک: ۸۰۰۰ ریال ۹۶۴-۳۰۲-۴۲۴-۵؛ ۹۰۰۰ ریال (چاپ دوم)؛ ۹۰۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ پنجم)؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ دوازدهم)؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ سیزدهم)
- یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۰.
- یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۱.
- یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۸۳.
- یادداشت: چاپ دوازدهم: مهر ۱۳۸۵.
- یادداشت: چاپ سیزدهم: آبان ۱۳۸۵.
- یادداشت: عنوان روی جلد: سنن النبی (ص): آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام.
- یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
- موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- احادیث -- احادیث

موضوع : Muhammad, Prophet -- Hadiths

موضوع : سنت نبوی

موضوع : مستحب (فقه)

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افزوده : استادولی، حسین، ۱۳۳۱ -، مترجم

رده بندی کنگره : BP/۲۴/۴۶/ط۲س ۹۰۴۱ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی : ۹۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۹-۱۴۸۸۳

سخن مترجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بشر در زندگی خود همواره به یک سلسله آداب و رسوم پایبند بوده و شیوه‌ای را برای خویش برگزیده و زندگی خود را بر اساس همین آداب و رسوم ادامه می‌دهد، خواه آنها را خود اختراع کرده و یا از دیگران اقتباس نموده باشد. اما از آن رو که انسان آفریده خداست، بی‌تردید بهترین برنامه برای کمال جسم و روح او برنامه‌ای است که از سوی خداوند تنظیم یافته باشد، و این برنامه در آداب و رسوم پیامبران بزرگ خدا و اوصیای گرامی ایشان متجلی است، و کامل‌ترین آنها همان راه و روش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، چنان که در سوره مبارکه احزاب، آیه ۲۱، راه و روش آن حضرت، بهترین الگو و سرمشق زندگی برای هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد معرفی گردیده است.

از این رو، هر مسلمانی شائق است که از رفتار پیامبر خویش آگاه باشد. می‌خواهد بداند سیمای پیامبر او چگونه بوده؛ آداب شخصی آن حضرت از قبیل خوردن و آشامیدن، خوابیدن و بیدار شدن، رفت و آمد، نشست و برخاست، نظافت، سفر، لباس

و مسکن، معالجه و درمان و ... و آداب عبادی ایشان مانند نماز و روزه، حج و صدقه، دعا و قرآن خواندن و ... و آداب خانوادگی او همچون ازدواج، همسررداری و تربیت فرزند و ... و آداب اجتماعی و معاشرت حضرتش با مردم و دوستان و یاران، و دهها آداب

و آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸، سننی که آن بزرگوار رعایت می کرده، چه بوده است. به همین دلیل گردآوری آنها از لابلائی کتب اخبار و تاریخ و سیره، و نگارش کتاب در این زمینه بسیار ضروری می نماید، آن هم از سوی کسانی که با علم حدیث آشناوند و طریق استنباط احکام را به خوبی می دانند. این کتاب باید دانست که آداب و سنن و رفتار و رسوم پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله مجموعه ای از اعمال واجب و مستحب است که قسمت اعظم فقه و اخلاق اسلام را تشکیل می دهد.

مرحوم آیه الله، استاد علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) سالها قبل، به انگیزه استفاده عملی خود و دیگران، بخش مهمی از این آداب و سنن را در کتابی به نام سنن النبی صلی الله علیه و آله گرد آورد. اهمیت این کتاب در آن است که به همت و دقت عالمی جامع، مجتهدی کامل و محدثی متتبع تألیف یافته که می تواند رساله عملیه ای باشد برای همه کسانی که می خواهند به شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله زندگی کنند و برنامه آن حضرت را حتی المقدور دستور العمل زندگی فردی و اجتماعی خویش قرار دهند. پس از آنکه استاد علامه، این کتاب را برای ترجمه به دانشمند گرامی، آقای محمد هادی فقهی سپرد، مترجم گرانقدر هنگام ترجمه هر باب، به احادیث بسیار دیگری برخورد نمود که از اعتبار لازم نیز برخوردار بود و از قلم شریف علامه افتاده بود. لذا آنها را گردآوری نموده، از مؤلف اجازه گرفت و آنها را به عنوان ملحقات به اصل کتاب افزود و بدین وسیله کتاب را کامل ساخت.

این کتاب با همه فخامت و اعتباری که دارد کمتر در دسترس علاقمندان قرار داشت، به همین جهت به پیشنهاد ناشر موفق و با سابقه اسلامی، مدیر محترم انتشارات پیام آزادی، به ترجمه آن اقدام شد. در این ترجمه، امور زیر انجام گرفته که لازم است خوانندگان گرامی در جریان آن قرار گیرند:

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹

(۱) به جهت استفاده عموم از این کتاب، آوردن متن عربی روایات ضروری نمی‌نمود، لذا به ترجمه آنها اکتفا گردید.

(۲) مؤلف گرامی نام منابع خود را ذکر نموده تا هم اعتبار کتاب محفوظ بماند و هم راه برای مراجعه محققان هموار باشد، اما در این ترجمه نام منابع حذف شد، زیرا اعتماد خوانندگان عزیز بر نوشتار مرحوم علامه است.

(۳) یک مورد در اصل کتاب، و حدود ده- دوازده مورد در ملحقات یا عینا تکراری بود و یا مضمون آنها تکرار شده بود که آنها حذف شد، ولی شماره‌ها در متن به جای نهاده شد تا برای کسانی که بخواهند به اصل عربی کتاب مراجعه کنند اشکالی پدید نیاید.

(۴) تعداد ۲۳ روایت (۳۷۷-۳۹۹) از ملحقات آداب دعا حذف شد، زیرا اولاً دعاهای آن حضرت منحصر به دعاهای مذکور نیست و اگر بنا بر تتبع باشد باید همه دعاهای ذکر شود و گر نه همان اندازه که نقل شده کافی است و نقل این دعاهای بر حجم کتاب می‌افزود و کتاب را به صورت کتاب دعا در می‌آورد. ثانیاً خود گردآورنده محترم نیز ترجمه آنها را ضروری ندیده و در چاپ خود به آن اقدام ننموده است.

(۵) بیشتر بیانات مؤلف رحمه الله به پاورقی برده شده و با امضای مؤلف از سایر پاورقیها مشخص گردیده است.

(۶) در این ترجمه، ترجمه قبل مورد توجه قرار گرفته و در بسیاری موارد از الفاظ و تعابیر آنکه زیبا و رسا به نظر می‌رسید استفاده گردیده است. همچنین اشکالاتی که در آن ترجمه رخ داده بود- و اندک هم نبود- بر طرف گردید.

مثلا در باب آداب معاشرت، روایت ۶۱، عبارت آن این است: و اذا جلس لم يحلّ حبوته حتى يقوم جليسه، و چنین ترجمه شده: «وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی می نشست تا او حضور داشت، حضرت لباس و زینت خود را از تن خارج نمی ساخت.» در صورتی که معنای صحیح آن چنین است: «وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی می نشست تا او از مجلس بر نمی خاست آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰» آن حضرت هم بر نمی خاست و مجلس را ترک نمی کرد (چنان که وقتی حضرتش با کسی دست می داد تا طرف مقابل دست خود را نمی کشید آن حضرت دست خود را نمی کشید).»

در پایان، امید است نشر این کتاب، مردم عزیز کشور اسلامی و ایمانی ما را هر چه بیشتر با راه و روش و آداب و سنن پیامبر عظیم الشان خود آشنا سازد تا بتوانند برنامه زندگی خویش را بر اساس آن تنظیم کنند و از این رهگذر جامعه‌ای آداب‌دان و متخلق به اخلاق الهی داشته باشیم.

حسین استاد ولی آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱ (۱)

مقدمه مؤلف

(۲) به نام خداوند بخشنده مهربان سپاس و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است، و سلام و درود بر سرور و سالارمان محمد مصطفی، و همه خاندان پاکش باد. این کتاب محصول امکاناتی است که خدای سبحان در اختیار ما نهاد و فرصتی که به ما بخشید تا بتوانیم بخشی از روایاتی را که محدثان مسلمان از آداب و سنن سرورمان رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند به اندازه‌ای که وقت اندک اجازه داده و دست

کوتاه پژوهش بدان رسیده گرد آوریم، و از خدای سبحان می‌خواهیم که به فضل خویش ما را در عمل به بیش و کم و سخت و آسان و مهم و غیر مهم آن موفق بدارد. خدای سبحان فرموده: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ «۱» «همانا برای شما در روش رسول خدا سرمشقی نیکوست».

پیامبر صلی الله علیه و آله در ضمن سفارشات خود به علی علیه السلام فرمود: ... ششم آنکه از روش من در نماز و روزه و صدقه پیروی کنی. علی علیه السلام فرمود: هر که به آداب الهی آراسته گردد، این کار او را به رستگاری

(۱) احزاب / ۲۱.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲. همیشه می‌رساند.

(۱) امام صادق علیه السلام فرمود: من برای فرد مسلمان خوش ندارم که بمیرد در حالی که هنوز برخی از آداب پیامبر صلی الله علیه و آله را به جا نیاورده باشد. بی‌شک خو گرفتن با آداب پیامبر صلی الله علیه و آله و آراستگی به اخلاق و سنن ظاهری و باطنی آن حضرت، کمال نهایی و آخرین هدف زندگی است و سعادت دنیا و آخرت را به همراه دارد.

ما در این کتاب به ایراد مکروهات نپرداختیم، زیرا مذهب شیعه بر این پایه نهاده است که هیچ مکروه و مباحی از آن جهت که مکروه و مباح است از آن حضرت سر نزده [مگر آنکه آن عمل مکروه یا مباح به دلیل خاصی از این عنوان بیرون آمده باشد]، و عقل و نقل نیز گواه این مطلب‌اند.

و با خود شرط کردیم که به جهت رعایت اختصار، سند روایات را حذف کنیم، ولی نام کتابهایی را که از آنها نقل کرده‌ایم و نام مؤلفان آنها را آورده و میان روایاتی که سند داشته و روایاتی که سند آنها مذکور نبوده فرق نهادیم تا کسی که جویای اصل آنهاست

بتواند به آسانی به مدارک و منابع آنها مراجعه نماید «۱».

و نیز شمایل آن حضرت را- با اینکه از موضوع کتاب خارج است- آوردیم هم به جهت تبرک و تیمن و هم بدان جهت که ذکر بسیاری از اخلاق حضرتش در ضمن آنها نهفته است. همچنین وقایع جزئی را نیاوردیم و تنها به جوامع و کلیات اخلاق آن حضرت بسنده کردیم. و تنها خداست که باید از او یاری جست.

(۱) در ترجمه، به جهت اختصار و عدم فایده برای خوانندگان محترم پارسی زبان، نام مدارک نیز آورده نشد و طالبین می‌توانند به اصل عربی کتاب مراجعه فرمایند. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳

(۱)

۱ شمایل و کلیات اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

(۲) ۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار بزرگ و گرانقدر بود. در دیدگان عظیم و موقر می‌نمود و در دلها عزیز و گرامی بود. چهره مبارکش مانند ماه شب چهارده می‌تابید و درخشان و نورانی بود. رنگ چهره‌اش سفید مایل به سرخی بود. نه از لاغری در دیده‌ها حقیر می‌نمود، و نه از فربهی انگشت‌نما بود. چهره‌ای سپید و نورانی، دیدگانی درشت و سیاه، ابروانی باریک و کمانی، جمجمه‌ای بزرگ و قامتی معتدل و میانه داشت. پیشانی مبارکش بلند، و بینی‌اش باریک و کشیده بود. در سفیدی چشمانش اندکی سرخی دیده می‌شد. ابروانی پیوسته و گونه‌هایی صاف و هموار داشت. میچه‌های درشت، ساقهای دستش بلند بود. مفصل شانه‌ها بزرگ و خود شانه‌ها پهن بود. کفهای دست و پایش کلفت و پر گوشت بود. برآمدگی‌های دو طرف سینه‌اش مو نداشت، گودی کف پایش بیش از حد متعارف [...]

مژه‌هایش بلند، محاسنش پر پشت و افتاده و شاربش پر پشت بود. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴، موهای سفید چندی که در سر و رویش پیدا شده بود به واسطه خضاب، سبز به نظر می‌رسید. دهانش فراخ «۱» و شیرین، میان بینی‌اش بر آمده، دندانهایش سپید و از هم باز، و مویش آویخته بود، از میان سینه تا ناف خطی باریک از مو داشت. تمام اندامهایش معتدل بود. شکمش با سینه برابر بود، سینه‌اش پهن و گردنش در زیبایی چون بتی نگارین و به سپیدی نقره بود.

(۱) دستها و پاهایش کشیده، و ساقها و پاشنه‌هایش کم گوشت بود. چانه‌ای کوتاه و پیشانی بر آمده داشت. رانهایش خیلی کلفت نبود، لگن خاصره‌اش [مانند دلاوران] پهن بود، بندهایش قرص و محکم بود. نه بسیار بلند قد و بی‌قواره، و نه خیلی کوتاه و زننده بود. موی سرش نه مجعد و پیچیده و نه لخت و افتاده بود. چهره‌اش نه کم گوشت بود و نه پر گوشت و نه سپید زننده. استخوانهای مفصلش درشت و سر استخوانهایش پهن و بینی‌اش کشیده بود. شکم و سینه‌اش مویی نداشت جز خط باریکی از مو که از سینه تا نافش کشیده شده بود. چهار شانه بود، بدنی بی‌مو داشت جز همان مویی که از سینه تا ناف کشیده بود. بیشتر موهای سپیدی که نشان پیری است در دو طرف سر او به چشم می‌خورد.

کف دستهایش مانند کف دست عطر فروشان معطر بود. کف دستش گشاده، استخوانهای قلم دست و پایش بلند بود. هنگام رضا و شادی چهره‌اش چون آینه‌ای رنگارنگ درخشان و جذاب بود. کشیده گام بر می‌داشت و آرام و با وقار راه می‌رفت. در کارهای خیر از همه پیشقدم بود. هنگام راه رفتن چنان گام می‌زد گویی از سرایشی فرود می‌آید. در حین تبسم دندانهایش بسان دانه‌های تگرگ نمایان می‌شد، و در هنگام خنده دندانهایش چون برق جهنده می‌درخشید.

اندامی زیبا و خویی پسندیده داشت. خوش برخورد و خوش مجلس بود.

هنگامی که با مردم رو به رو می شد پیشانی‌ش چون چراغی فروزان نظر آنان را جلب

(۱) فراخی دهان در عرب از کمالات به حساب می آید.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵ می کرد. دانه‌های عرق مانند مروارید بر چهره‌اش می غلتید و بوی عرقش خوشبوتر از مشک بود. مهر نبوت در میان شانه‌هایش نمایان بود.

(۱) ۲. ابو هریره گوید: آن حضرت هنگامی که می خواست به سوی جلو یا پشت سر خود بنگرد با تمام بدن بر می گشت.

(۲) ۳. جابر بن سمره گوید: ساقهای پای آن حضرت باریک و لطیف بود.

(۳) ۴. ابو جحیفه گوید: موهای گونه آن حضرت جو گندمی و موی بالای زنخدانش سپید بود.

(۴) ۵. امّ هانی گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که چهار گیسوی بافته داشت.

ابن شهر آشوب گوید: درست آن است که آن حضرت دو گیسو داشت و آن رسمی بود از هاشم جدّ اعلای آن حضرت.

(۵) ۶. انس گوید: در سر و صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله بیش از چهارده تار موی سفید نشمردم.

(۶) ۷. و گویند: هفده تار موی سفید داشت.

(۷) ۸. عبد الله بن عمر گوید: موی سفید آن حضرت نزدیک به بیست تار مو بود.

(۸) ۹. براء بن عازب گوید: بلندی موی سر آن حضرت به قدری بود که به دوشها می رسید.

(۹) ۱۰. انس گوید: موی سر آن حضرت به بنا گوش می رسید.

(۱۰) ۱۱. عایشه گوید: بلندی موی سر آن حضرت از بنا گوش می گذشت ولی به دوشها

نمی‌رسید «۱».

(۱۱) ۱۲. پیامبر صلی الله علیه و آله از راهی نمی‌گذشت مگر اینکه هر که از آنجا عبور می‌کرد

(۱) شاید اختلاف روایت ۱۱ با ۹ بدان جهت است که آرایش موی سر آن حضرت یکسان نبوده، گاه موی سرش بلند می‌شد و بر دوشها می‌ریخت، و گاه کوتاه می‌کرد و تا بنا گوش می‌رسید، و گاه در حج از نه می‌تراشید. و نیز گفته‌اند: هر گاه موی سر را رها می‌کرد تا بنا گوش می‌رسید و هر گاه شانه می‌زد و فرق باز می‌گرد از بنا گوش می‌گذشت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶

عطر عرق آن حضرت پی می‌برد که ایشان از آنجا گذشته است. و به هر سنگ و درختی می‌گذشت بر آن حضرت سجده می‌کردند.

(۱) ۱۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ما گروه پیامبران دیده‌هایمان می‌خواهد ولی دل‌هایمان نمی‌خواهد، و از پشت سر می‌بینیم چنان که از پیش رو می‌بینیم.

(۲) ۱۴. یکی از معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله که اخبار متواتر بر آن دلالت دارد و کافر و مؤمن به آن اعتراف نموده‌اند مهر نبوت است که بر موهای متراکم میان دو کتف آن حضرت نمایان بود.

(۳) ۱۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله سایه‌اش بر زمین نمی‌افتاد (سایه نداشت).

(۴) ۱۶. نوفلی گوید: در نزد حضرت امام هادی علیه السلام از صدا و آهنگ خوش گفتگو کردم، فرمود: امام سجاد علیه السلام قرآن تلاوت می‌کرد و گاهی مردم از صدای زیبای او بیهوش می‌شدند، و اگر امام اندکی از صدای زیبای خود را ظاهر کند مردم طاقت شنیدن آن صوت زیبا را ندارند. گفتم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم نماز نمی‌خواند و صدای خود را به تلاوت قرآن بلند نمی‌ساخت [پس چرا مردم بیهوش

نمی شدند]؟

فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به اندازه طاقت مردمی که پشت سر او بودند صدای خود را آشکار می ساخت. مؤلف: این اخبار به سندهای بسیار دیگری نیز روایت شده است. (۵) ۱۷. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: از دایی خود هند بن ابی هاله که از وصف کنندگان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بود خواستم و دوست داشتم که مقداری از اوصاف آن حضرت را برایم بیان کند تا بدان در آویزم و به سهم خود از آن پیروی نمایم،

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در دل و دیده هر کس موقر و با عظمت می نمود، روی نکویش چون ماه شب چهارده می درخشید، از میان قامت، بلندتر و از دراز قامت، کوتاه تر بود. سری نسبتا بزرگ و موهایی نه پیچیده و نه لخت و افتاده داشت. اگر آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷ موی سرش ژولیده می شد فرق باز می کرد و هر گاه آن را بلند می نمود از نرمه گوش تجاوز نمی کرد. چهره ای درخشان، پیشانی بلند، ابروانی بلند و کشیده و پر پشت و ناپیوسته داشت. میان ابروانش رگی بود که به هنگام خشم برجسته می شد. هاله ای از نور بر چهره اش پرتو افکنده بود به طوری که اگر کسی دقت نمی کرد می پنداشت که میان بینی اش برآمدگی دارد.

(۱) محاسنش کوتاه و پر پشت، گونه هایش صاف، دهانش اندکی بزرگ، میان دندانهایش باز و شیرین دهان بود، از سینه تا نافش خطی باریک از مو کشیده شده بود، گردنش گویی گردن نگارینی است از نقره سپید و درخشان. اندامهایش متناسب بود. تنومند و عضله هایش محکم بود. سینه و شکمش برابر بود. چهارشانه و درشت استخوان بود. پهن سینه و سفید پوست بود و برآمدگی های دو طرف سینه و شکم او مو نداشت. ساقهای دست و شانه ها و بالای سینه اش پر مو بود. مچها بزرگ، کف دستها پهن و کف

دستها و پاهایش کلفت و پرگوشت بود. اندامهایش میانه و به اندازه بود، استخوانهای دست و پایش کشیده، گودی کف پاها بیشتر از معمول و پاشنه‌های پایش صاف و نرم بود به طوری که آب از آن می‌چکید. استوار قدم بر می‌داشت و آرام و با وقار راه می‌رفت و گامهای بلند بر می‌داشت. چنان راه می‌رفت که گویی از سرازیری فرود می‌آید. چون به کسی رو می‌کرد با تمام بدن رو می‌کرد. دیدگانش را فرو می‌افکند. به زمین بیش از آسمان نگاه می‌کرد. به کسی خیره نمی‌شد، بلکه کوتاه نظر می‌کرد. با هر کس روبرو می‌شد در سلام کردن بر او پیشی می‌گرفت. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: گفتم از سخن گفتنش برایم بگو. گفت: آن حضرت پیوسته اندوهگین و در تفکر بود. آسایش نداشت. پیوسته خموش بود و جز به هنگام نیاز سخن نمی‌گفت. لب به سخن می‌گشود و آن را به نحوی بلیغ به پایان می‌برد. سخنان کوتاه و جامع می‌گفت و کم و زیاد در جملات او نبود. خویی نرم آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸ داشت. نه خشن بود، نه خوار و زیر دست. (۱) هر نعمتی در نظرش بزرگ می‌نمود گر چه اندک باشد و هرگز نعمتی را مذمت نمی‌کرد؛ آری از هیچ طعامی بد نمی‌گفت و تعریف هم نمی‌کرد. دنیا و ناملایماتش او را به خشم نمی‌آورد ولی هنگامی که پای حق در میان بود از شدت خشم کسی او را نمی‌شناخت و چیزی مانع او نبود تا آنکه حق را بازستاند. با تمام دست اشاره می‌کرد [نه با انگشت] و به هنگام تعجب دست را پشت و رو می‌کرد. زمانی که سخن می‌گفت دستها را به هم می‌چسباند و شست دست چپ را به کف دست راست می‌زد. چون خشم می‌گرفت روی خود را بر می‌گرداند و چشم را فرو می‌خواباند. بیشتر خنده‌اش تبسم بود و چون می‌خندید دندانهایش مانند دانه‌های تگرگ نمایان می‌شد. امام مجتبی علیه السلام فرمود: مدتی این مطالب را از حسین علیه السلام پنهان کردم سپس برای او بازگفتم، دیدم او پیش از من از آنها آگاه بوده است! در این باره از او

پرسیدم، دیدم او از پدر بزرگوارش از وضع داخلی و خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله و از چگونگی مجلس و شکل و شمایل آن حضرت پرسیده بود و همه را باز گفت و چیزی را فرو نگذاشت.

وضع داخلی آن حضرت

(۲) امام حسین علیه السلام فرمود: از پدرم از وضع داخلی رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم، فرمود: به منزل رفتنش به اختیار خود بود و چون به منزل می‌رفت اوقات خویش را سه قسمت می‌کرد: قسمتی برای عبادت خداوند، قسمتی برای خانواده و قسمتی برای خود. اما قسمت خودش را باز میان خود و مردم قسمت می‌کرد و پس از فراغت از کار خواص به کارهای عموم می‌پرداخت و چیزی از آن وقت را برای آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹ خود باقی نمی‌نهاد. و از جمله روش آن حضرت در رابطه با امت این بود که اهل فضل را به عنایت خود ویژه می‌داشت، و هر کس را به مقدار فضیلتی که در دین داشت احترام می‌کرد. برخی یک حاجت، برخی دو حاجت و برخی چندین حاجت داشتند و حضرت به رسیدگی آنها می‌پرداخت و آنان را سرگرم اصلاح کار خودشان و مردم می‌کرد، از کار و بارشان می‌پرسید و آنچه را لازم بود به آنان خبر می‌داد و می‌فرمود: «باید حاضران به غایبان برسانند، و حاجت کسانی را که به من دسترسی ندارند به من برسانید، زیرا هر که حاجت کسانی را که دسترسی به سلطان ندارند به گوش سلطان برساند خداوند قدمهای او را در روز قیامت ثابت و استوار سازد.» در مجلس آن حضرت جز این گونه مطالب گفته نمی‌شد و از کسی غیر آن را نمی‌پذیرفت. آنان برای درک فیض و طلب علم خدمت حضرتش شرفیاب می‌شدند و بی آنکه چیزی فرا گیرند پراکنده نمی‌شدند، و چون از آن مجلس باز می‌گشتند خود رهنمایانی بودند.

وضع خارج از منزل پیامبر صلی الله علیه و آله

(۱) و از پدرم امیر مؤمنان علیه السلام از وضع رسول خدا صلی الله علیه و آله در خارج از منزل پرسیدم که چگونه رفتار می کرد؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله زبان خود را از سخنان غیر لازم باز می داشت. با مردم انس می گرفت و آنان را از خود ریمده نمی ساخت.

بزرگ هر قومی را گرامی می داشت و او را بر آنان می گماشت. از مردم می پرهیخت و خود را از آنان می پایید بدون آنکه از آنان روی گرداند یا با آنان بد خلقی کند. از یاران خود سراغ می گرفت و از مردم از آنچه در میان آنان می گذشت پرسش می نمود. هر کار نیکی را تحسین و تقویت می کرد و هر کار زشتی را تقبیح می کرد و خوار می شمرد. در کارها میانه رو بود و افراط و تفریط نداشت. از آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰ مردم غافل نمی شد مبادا آنان غفلت ورزند و به انحراف گرایند. در باره حق نه کوتاهی داشت و نه از آن تجاوز می کرد. اطرافیان آن حضرت نیکان مردم بودند، و برترین آنان در نظر او کسانی بودند که نسبت به مسلمانان خیرخواه و دلسوزتر بودند، و بزرگترین آنان کسانی بودند که با برادران دینی خود بهتر همدردی و همکاری داشته باشند.

وضع مجلس آن حضرت

(۱) امام حسین علیه السلام فرمود: از پدرم از وضع مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم، فرمود: آن حضرت در هیچ مجلسی نمی نشست و بر نمی خاست مگر به یاد خدا. در مجالس جای مخصوصی برای خود انتخاب نمی کرد و از این کار نیز نهی می نمود. هر گاه به گروهی می پیوست هر جا که خالی بود می نشست و دیگران را نیز دستور می داد که چنین کنند.

حق هر یک از اهل مجلس را ادا می کرد و کسی از آنان نمی پنداشت که دیگری نزد آن حضرت از او گرامی تر است. با هر کس می نشست به قدری صبر می کرد تا خود آن

شخص بر خیزد و برود. هر کس از او حاجتی می خواست باز نمی گشت مگر آنکه یا به حاجت خود رسیده بود یا به بیان خوشی از آن حضرت دلخوش گشته بود. خوی نیکش شامل همه بود به حدی که مردم او را پدری مهربان می دانستند و همه در حق، نزد او برابر بودند. مجلس او مجلس حلم و حیا و صداقت و امانت بود. در آن آوازه‌ها بلند نمی شد و عرض و آبروی کسی نمی ریخت و اگر از کسی لغزشی سر می زد جای دیگر بازگو نمی شد. اهل مجلس با یک دگر عادلانه رفتار می کردند و بر اساس تقوا با هم رفاقت و دوستی می نمودند. با یک دگر فروتن بودند، مهتران را احترام می کردند و با کهتران مهربان بودند و نیازمندان را بر خود مقدم آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۱ می داشتند و از غریبان نگهداری می کردند.

(۱) گفتم: روش رسول خدا صلی الله علیه و آله با همنشینان چگونه بود؟ فرمود: همیشه خوشرو و خوش خلق و نرمخو بود. خشن و درشت خو و پر خنده و سبکسر و بدزبان و عیبجو و چاپلوس نبود. از آنچه به آن میل و رغبت نداشت غفلت می ورزید. طوری بود که آرزومندان از او مأیوس و نومید نمی شدند. خود را از سه چیز به سختی دور می داشت: «جدال و کشمکش، پرحرفی و ذکر مطالب بی فایده». نسبت به مردم نیز از سه چیز پرهیز داشت: «کسی را نکوهش و سرزنش نمی کرد. لغزشهای کسی را جستجو نمی نمود و عیب کسی را نمی گرفت».

سخن نمی گفت مگر در جایی که امید ثواب در آن می داشت. هنگام سخن گفتن چنان اهل مجلس را جذب می کرد که همه سر به زیر افکنده، گویی پرنده بر سرشان نشسته، آرام و بی حرکت می ماندند، و چون ساکت می شد آنان سخن می گفتند و نزد آن حضرت بر سر سخنی نزاع نمی کردند. هر که سخن می گفت همه ساکت به سخنانش گوش می دادند تا سخنش پایان یابد. و در محضر حضرتش به نوبت سخن می گفتند. از چیزی که اهل مجلس می خندیدند می خندید و از آنچه آنان تعجب می کردند تعجب

می‌کرد. بر بی‌ادبی غریبان در خواسته‌ها و گفتارشان صبر می‌کرد تا جایی که اصحاب در صدد جلب اشخاص مزاحم برمی‌آمدند. می‌فرمود: چون حاجتمندی را دیدید او را کمک کنید. مدح و ثنای کسی را نمی‌پذیرفت مگر از کسی که بخواهد تشکر نماید. سخن کسی را نمی‌برید مگر آنکه از حد می‌گذشت که در آن صورت با نهی او یا برخاستن، سخن او را قطع می‌کرد. امام حسین علیه السلام فرمود: سپس از سکوت رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم، پدرم

سکوت آن حضرت بر چهار پایه استوار بود: حلم، حذر، تقدیر و تفکر. سکوتش در تقدیر و اندازه‌گیری در این بود که همه مردم را به یک چشم ببیند و به گفتار همه یکسان گوش دهد. و سکوتش در تفکر آن بود که در چیزهای فناپذیر و فناپذیر آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۲ اندیشه می‌کرد. و سکوتش در حلم آن بود که حلم و صبر را با هم داشت، به طوری که چیزی او را به خشم نمی‌آورد و از کوره به در نمی‌برد. و سکوتش در حذر در چهار مورد بود: به کارهای نیک می‌پرداخت تا دیگران نیز از او پیروی کنند. کارهای زشت را ترک می‌کرد تا دیگران نیز از آن پرهیزند. کوشش خود را به کار می‌برد تا برای اصلاح امت خود نظری درست ارائه دهد. و به آنچه خیر دنیا و آخرت در آن بود اقدام می‌نمود.

(۱) ۱۸. انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چهره‌ای درخشان داشت و رنگش مانند مروارید سپید بود. هنگام راه رفتن اندکی به جلو متمایل می‌شد. من هرگز مشک و عنبری را نبویدم که از عطر بدن آن حضرت خوشبوتر باشد و هیچ دیا و ابریشمی را دست نکشیدم که از کف دست آن حضرت نرم‌تر باشد ...

(۲) ۱۹. کعب بن مالک گوید: هر گاه چیزی رسول خدا صلی الله علیه و آله را خوشحال می‌کرد چهره مبارکش چون قرص قمر روشن می‌شد.

(۳) ۲۰. غزالی گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه شیوا گفتارتر و شیرین سخن تر بود و خود می فرمود: من شیواترین مردم عرب هستم و بهشتیان با لغت محمد سخن می گویند ... آن حضرت با کوتاه ترین و در عین حال پرمعنی ترین جملات سخن می گفت و زیاد و کم در سخنانش نبود. قطعات گفتارش به یک دیگر پیوسته بود و سخن را به طوری شمرده ادا می کرد که شنونده آن را به خوبی در می یافت و به حافظه می سپرد. جوهره صدایش بلند و آهنگ صدایش از همه مردم زیباتر بود.

(۴) ۲۱. عایشه گوید: به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: یا رسول الله، شما که به بیت الخلاء می روید و بیرون می آید من بی درنگ به آنجا می روم ولی چیزی جز بوی مشک نمی یابم؟! فرمود: ما گروه پیامبران بدنهای ما بر نسیم های بهشتی می روید و خوشبوست، از این رو چیزی از آن خارج نمی شود مگر آنکه زمین آن را در خود فرو می برد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۳

اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله

(۱) ۲۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عقل را آفرید و به او گفت: عقب برو، عقب رفت. سپس فرمود: پیش بیا، پیش آمد. آن گاه فرمود: مخلوقی را نیافریدم که نزد من محبوبتر از تو باشد. پس نود و نه جزء از آن را به [من] محمد بخشید، و یک جزء دیگر را میان همه بندگان قسمت نمود.

(۲) ۲۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: من به اخلاق نیک و پسندیده برانگیخته شده ام.

(۳) ۲۴. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند رسول خویش را به اخلاق نیک و پسندیده مخصوص گردانید، شما هم خود را بیازمایید، اگر آن اخلاق نیک در شما بود خدای را سپاس گفته و از او بخواهید تا آن را در شما بیفزاید. سپس امام علیه السلام آنها را بدین

ترتیب ده خصلت شمرد: یقین، قناعت، صبر، شکر، بردباری، خوش خلقی، سخاوت، غیرت، شجاعت و جوانمردی.

(۴) ۲۵. انس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله شجاع‌ترین، نیکوترین و سخی‌ترین مردم بود.

شب‌ی صدای هولناکی به گوش مردم مدینه رسید که همه وحشتزده به سوی آن صدا شتافتند. در این میان دیدند رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از همه بیرون آمده در حالی که سوار بر اسب ابو طلحه شده و شمشیر بر گردن انداخته و به مردم می‌فرماید: نترسید، چیزی نیست، عجب اسب تیز تکی است!

(۵) ۲۶. علی علیه السلام فرمود: چون تنور جنگ گرم می‌شد و دو لشکر به هم می‌رسیدند ما به رسول خدا صلی الله علیه و آله پناه‌ده می‌شدیم و هیچ کس به دشمن نزدیکتر از آن حضرت نبود.

(۶) ۲۷. ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از دختران پرده‌نشین باحیاطر بود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۴ و هر گاه چیزی را دوست نمی‌داشت از قیافه آن حضرت درمی‌یافتیم.

(۱) ۲۸. امام صادق علیه السلام به حفص بن غیاث فرمود: ای حفص، هر که صبر کند اندکی صبر کرده و هر که بی‌تابی کند اندکی بی‌تابی کرده است. سپس فرمود: در همه کارهای صبر پیشه‌ساز، زیرا خدای بزرگ محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت و او را امر به صبر و مدارا نمود و فرمود: «بر آنچه می‌گویند صبر کن و به طوری شایسته از آنان دوری‌گزین، و مرا با تکذیب‌کنندگان توانگر و مرفه واگذار» (۱)، و نیز فرمود: «بدی دیگران را با بهترین روش دور کن، تا آن که میان تو و او دشمنی است گویی دوست گرم و صمیمی است. و از این خصلت برنخورند جز کسانی که صبر پیشه کنند و کسی که دارای بهره‌ای بزرگ [از اندیشه و خرد] است» (۲) رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هُمْ صَبْرٌ نَمُودَ تَا أَوْ رَا بَه چيزه‌ای بزرگ متهم کردند. از این رو دل‌تنگ شد و خداوند این آیه را نازل نمود: «و ما به خوبی می‌دانیم که تو سینه‌ات از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود. پس به همراه ستایش پروردگارت تسبیح‌گوی و از سجده‌گزاران باش (۳)». باز هم او را تکذیب کردند و متهم نمودند و حضرت غمگین شد و خداوند این آیه را فرستاد: «ما به خوبی می‌دانیم که آنچه می‌گویند تو را غمگین می‌کند. اما آنان تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه این ستمگران آیات خدا را تکذیب می‌کنند. البته پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند و بر تکذیب شدن صبر کردند، و آزارها دیدند تا آنکه یاری ما به آنان رسید (۴)».

پس پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خود را به صبر ملزم ساخت، تا آنکه آنها پا را فراتر نهاده و نام خدا را بر زبان آورده، او را تکذیب نمودند. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: در باره خودم و خاندان و آبرویم صبر کردم ولی در باره بدگفتن به معبودم صبر ندارم. خداوند آن‌گاه

۱۱	و	۱۰	مزمل /	(۱)
۳۵	و	۳۴	فصلت /	(۲)
۹۸	و	۹۷	حجر /	(۳)
۳۴	و	۳۳	انعام /	(۴)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۵

این آیه را نازل کرد: «ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفریدیم و هیچ خستگی به ما نرسید، پس [تو هم خسته نشو و] بر آنچه می‌گویند صبر کن (۱)».

(۱) پس پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در همه احوال صبر کرد تا او را به امامان از عترتش مژده دادند و آنان به داشتن صبر معرفی گردیدند. خداوند والامقام فرمود: «و از آنان پیشوایانی ساختیم که به امر ما هدایت کنند، چون صبر کردند و به آیات ما یقین داشتند

«(۲)»

اینجا بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «صبر نسبت به ایمان مانند سر است نسبت به بدن.» خداوند هم از صبر او قدردانی کرد و این آیه را نازل فرمود: «کلمه نیکوی پروردگارت [و وعده‌های نجات و پیروزی او] در باره بنی اسرائیل انجام یافت به پاداش صبوری که کردند، و آنچه را فرعون و قومش می‌ساختند و آنچه را برمی‌افراشتند واژگون نمودیم» (۳). پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این هم بشارت است و هم انتقام.» آن‌گاه خداوند پیکار با مشرکان را برای او روا دانست و این آیه را نازل کرد: «هر کجا مشرکان را یافتید بکشید و آنان را بگیرید و محاصره کنید و در هر کمینگاهی بر سر راهشان بنشینید» (۴). و هر کجا بر آنان دست یافتید بکشیدشان» (۵). پس خداوند آنان را به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله و دوستانش به قتل رساند و پاداش صبر آن حضرت را به او عنایت فرمود، علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره کرده است. پس هر که صبر کند و به حساب خدا گذارد، از دنیا بیرون نرود تا آنکه خداوند چشم او را در باره دشمنانش روشن کند، علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره خواهد نمود. (۲) ۲۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل نزد او آمد و گفت: یا رسول الله، خداوند مرا با هدیه‌ای به سوی تو فرستاده که چنین هدیه‌ای را پیش از شما به هیچ کس عطا

۳۹	و	۳۸	ق /	(۱)
۲۴		سجده /		(۲)
۱۳۷		اعراف /		(۳)
۶		توبه /		(۴)
۱۹۱		بقره /		(۵)
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۶				

نکرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن هدیه چیست؟ گفت: صبر، و نیکوتر
از صبر.

فرمود: آن چیست؟ گفت: رضا، و نیکوتر از آن. فرمود: آن چیست؟ گفت: زهد، و بهتر از آن. فرمود: آن چیست؟ گفت: اخلاص، و بهتر از آن. فرمود: آن چیست؟ گفت: یقین، و بهتر از آن. فرمود: گفتم: آن چیست ای جبرئیل؟ گفت: نردبان آن توکل بر خداست. گفتم: توکل بر خدا چیست؟ گفت: دانستن آنکه مخلوق [بدون خواست خدا] نه زبانی تواند زد و نه سودی تواند رساند. نه می تواند عطا کند و نه منع نماید. و نیز نومید بودن از مخلوق. هر گاه بنده چنین باشد دیگر برای هیچ کس جز خدا عملی انجام نمی دهد و جز خدا به کسی امید نمی بندد و از کسی نمی ترسد و به هیچ کس جز خدا چشم طمع نمی دوزد؛ این است توکل.

(۱) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: گفتم: ای جبرئیل، تفسیر صبر چیست؟ گفت: آن است که آدمی در سختی شکیبایی کند همان گونه که در شادی شکیبایی می کند، و در هنگام نیازمندی شکیبایی کند چنان که در وقت بی نیازی شکیبایی می کند، و در بلا و گرفتاری شکیبایی کند چنان که در عافیت و سلامتی شکیبایی می کند. بنا بر این از حال خود از بلایی که به او می رسد نزد کسی شکایت نکند. گفتم: تفسیر قناعت چیست؟ گفت: آن است که به آنچه از دنیا به او می رسد قناعت ورزد؛ با چیز کم بسازد و بر عطای اندک سپاس گزارد. گفتم: تفسیر رضا چیست؟ گفت: کسی که از آقای خود راضی است بر او خشم نمی گیرد، چه به نعمتهای دنیا برسد چه نرسد. و هیچ گاه به عمل اندک خود راضی نمی گردد.

گفتم: تفسیر زهد چیست؟ گفت: زاهد دوست می دارد کسی را که خالقش را دوست می دارد، و دشمن می دارد کسی را که خالقش را دشمن می دارد. از حلال دنیا احتیاط و دوری می کند و به حرام آن اعتنا نمی نماید، زیرا حلال آن حساب دارد و حرامش عقاب.

بر همه مسلمانان مهر می‌ورزد چنان که به خود مهر می‌ورزد. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۷ از سخن [بیهوده] خودداری می‌کند چنان که از مرداری که بوی گندش بلند شده دوری می‌کند. از کالای بی‌ارزش دنیا و زرق و برق آن دوری می‌کند چنان که از آتش دوری می‌نماید که مبادا شعله‌اش او را فرا گیرد. آرزوی خود را کوتاه می‌سازد و مرگ او پیش چشمش مجسم است.

گفتم: ای جبرئیل، تفسیر اخلاص چیست؟ گفت: با اخلاص کسی است که از مردم چیزی نخواهد تا خود بدان دست یابد، و هر گاه به دست آورد بدان راضی می‌شود، و اگر چیزی در دستش باقی ماند در راه خدا می‌بخشد. و چون از مردم درخواستی نکرد به بندگی خود در برابر خداوند اقرار نموده، و اگر به چیزی دست یافت و بدان راضی شد پس از خداوند راضی شده و خدای بزرگ نیز از او راضی است. و اگر چیزی در راه خدا بخشید در حدّ وثوق و اعتماد به خدای خود قرار دارد. گفتم: تفسیر یقین چیست؟ گفت: مؤمن چنان برای خدا کار می‌کند که گویی خدا را می‌بیند، و اگر او خدا را نمی‌بیند. خدا او را می‌بیند و به طور یقین می‌داند که آنچه به او رسیده نمی‌توانست از او خطا برود، و آنچه از او خطا رفته نمی‌توانست به او برسد. اینها که گفته شد شاخه‌های توکل و نردبان زهد است.

(۱) ۳۰. امام باقر علیه السلام می‌فرمود: فرشته‌ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد، خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید: اگر بخواهی همه ریگهای مکه را برایت طلا سازم! آن حضرت سر به سوی آسمان برداشت و گفت: پروردگارا، می‌خواهم روزی سیر باشم و سپاس تو گویم، و روزی گرسنه باشم و از تو درخواست نمایم.

(۲) ۳۱. امام باقر علیه السلام می‌فرمود: فرشته‌ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت:

خداوند تو را مختار فرموده که بنده‌ای فروتن و رسول باشی یا پادشاه و رسول! آن حضرت به جبرئیل علیه السلام نگاه کرد و او با دست اشاره کرد که فروتنی اختیار کن. پس حضرت فرمود: می‌خواهم بنده‌ای فروتن و رسول باشم. آن فرشته در حالی که آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۸، کلیدهای خزائن زمین را در دست داشت گفت: اگر پادشاهی را هم بپذیری از مقامی که نزد خدا داری نخواهد کاست.

(۱) ۳۲. علی علیه السلام در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله و تأسی به آن حضرت فرمود: پیامبر پاک و پاکیزه خود را سرمشق گیر ... که از دنیا نیم لقمه‌ای برگرفت و چشمی بدان ندوخت.

از همه کس پهلویش از دنیا لاغرتر و شکمش از دنیا خالی‌تر بود. دنیا بر او عرضه شد ولی نپذیرفت. و هر گاه دانست که خداوند چیزی را دشمن دارد او نیز آن را دشمن داشت و چیزی را که خدا حقیر دانست او نیز حقیر شمرد. و اگر خصلتی جز این در ما نبود که دوست می‌داریم آنچه را خدا دشمن داشته، و بزرگ می‌داریم چیزی را که خدا کوچک شمرد، همین در مخالفت و دشمنی ما با خدا و سرپیچی از فرمان او بس بود! همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله بر روی زمین غذا می‌خورد. چون بندگان می‌نشست. کفش خود را به دست خویش پینه می‌زد و لباسش را وصله می‌دوخت. بر الاغ بی‌پالان سوار می‌شد و دیگری را هم در ردیف خود سوار می‌کرد. و چون دید پرنده‌ای با نقش و نگار بر در اتاقش آویخته، به یکی از زنان خود فرمود: ای فلانی، این پرده را از نظرم دور دار، که هر گاه به آن می‌نگرم به یاد دنیا و زرق و برق آن می‌افتم! پیامبر صلی الله علیه و آله قلبا از دنیا روی گرداند و یاد آن را در درون خود بکشت. او دوست داشت زینتهای دنیا از نظرش پنهان باشد تا مبادا جامه‌ای زیبا و فاخر از آن برگردد و آن را خانه همیشگی خود پندارد و امید اقامت در آن را در سر پروراند. پس دنیا را به کلی از جان خود بیرون کرد و یاد آن را از دل براند و آن را از نظر پنهان

داشت. آری هر که چیزی را دشمن دارد نگاه به آن را نیز دشمن دارد و خوش ندارد نامی از آن در نزد او به میان آید.

(۲) ۳۳. امام صادق علیه السلام فرمود: چیزی از دنیا برای رسول خدا صلی الله علیه و آله خوشتر از آن نبود که در دنیا گرسنه و ترسناک [از خدا و نگران از اوضاع] باشد. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۹.

(۱) ۳۴. حضرت حسین بن علی علیه السلام ضمن خبری طولانی در شرح حال رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن حضرت از ترس خدا چندان می‌گریست که جای نمازش تر می‌شد، با آنکه گناهی نداشت.

(۲) ۳۵. روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چندان می‌گریست که بیهوش می‌گشت.

به آن حضرت عرض شد: مگر خداوند گناهان گذشته و آینده شما را نبخشوده است؟ فرمود: آیا بنده شکرگزار خدا نباشم؟ ... بیهوشی‌های علی بن ابی طالب علیه السلام نیز در مقامات عبادت و بندگی چنین بود.

(۳) ۳۶. روایت است که ابراهیم خلیل علیه السلام هنگامی که به نماز می‌ایستاد از ترس خدا صدایی مانند صدای جوشش دیگ از او شنیده می‌شد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز آله چنین بود.

(۴) ۳۷. ابو سعید خدری گوید: چون آیه شریفه اذکروا الله ذکرا کثیرا «۱» (خدا را فراوان یاد کنید) نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن قدر به ذکر خدا مشغول شد که کفار گفتند: او جن زده و دیوانه گشته است.

(۵) ۳۸. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی هفتاد بار به درگاه خدا توبه می‌کرد. راوی گوید: گفتم: آیا آن حضرت می‌گفت: «استغفر الله و اتوب الیه»؟ فرمود: نه، بلکه می‌گفت:

«أتوب» الی الله»
 . گفتم: رسول خدا صلی الله علیه و آله توبه می کرد و هیچ گاه بر نمی گشت ولی ما توبه می کنیم و باز به گناه برمی گردیم! امام علیه السلام فرمود: باید از خدا کمک خواست.
 (۶) ۳۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از هیچ مجلسی - گرچه کوتاه - بر نمی خاست مگر اینکه بیست و پنج بار استغفار می کرد.
 (۷) ۴۰. امیر مؤمنان علیه السلام هر گاه به وصف رسول خدا صلی الله علیه و آله می پرداخت
 رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه مردم بخشنده تر، دلیرتر، راستگوتر، باوفاتر، نرمخوتر و

(۱) احزاب / ۴۱
 آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۰
 خوش معاشرت تر بود. هر که در ابتدا او را می دید هیبتش او را می گرفت، و هر که با حضرتش آمیزش می نمود و شناخت پیدا می کرد به او علاقمند می گردید. من که پیش از او و بعد از او ماندش را ندیده ام.
 (۱) ۴۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به اخلاق نیک آراسته گردید، که خداوند مرا به اخلاق نیک برانگیخته است. و از اخلاقهای نیک آن است که آدمی گذشت کند از کسی که به او ستم کرده، و بخشش کند به کسی که او را محروم ساخته، و بیوندد با کسی که از او بریده، و عیادت کند از کسی که او را عیادت نمی کند.
 (۲) ۴۲. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: از سوگندهای رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که
 «لا، و استغفر الله»
 نه، و از خدا آمرزش می خواهم «۱».

(۳) ۴۳. عبد الله بن عمر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که خشنودی و خشم از چهره‌اش شناخته می‌شد. به هنگامی که خشنود می‌شد چهره‌اش چون آینه می‌درخشید به حدی که می‌توان گفت نقش دیوار در چهره‌اش می‌افتاد. و چون خشم می‌گرفت رنگ مبارکش گرفته و تیره می‌گشت.

(۴) ۴۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا به شما خبر ندهم که کدامتان بیشتر به من شباهت دارید؟ گفتند: چرا، ای رسول خدا. فرمود: کسی که خلقش نیکوتر، و برخوردش با مردم ملایم‌تر، و با خویشانش نیکوکارتر باشد، و برادران دینیش را بیش از همه دوست داشته، و بر حق صبورتر، و خشم خود را فروخورنده‌تر، و گذشتش از همه بهتر، و در حال خشنودی و خشم از همه باانصاف‌تر باشد.

(۵) ۴۵. غزالی گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که خیلی خوشحال می‌شد محاسن خویش را زیاد دست می‌کشید.

(۱) در عرب رسم است که هنگام سوگند کلمه «لا» می‌گویند سپس سوگند می‌خورند مانند: «لا» و «ربک».

و در اینجا مراد این است که آن حضرت پس از گفتن «لا» سوگند نمی‌خورد و به جای آن استغفار می‌کرد. (اقتباس از مرآة العقول علامه مجلسی).

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۱

(۱) ۴۶. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشنده‌ترین مردم بود، هرگز شبی نمی‌گذشت که درهم و دیناری نزد او بماند، و اگر چیزی زیاد می‌آمد و تا شب کسی را نمی‌یافت که به او ببخشد، به خانه نمی‌رفت تا آن را به مستحقش برساند. از آنچه خداوند روزیش کرده بود بیش از آذوقه همان سال بر نمی‌داشت، آن هم از میسورترین چیزی که می‌یافت از خرما و جو، و بقیه را در راه خدا مصرف می‌کرد. هر چه از او می‌خواستند عطا می‌کرد، آنگاه سراغ آذوقه سال خود می‌رفت و از آن هم

ایثار می نمود، و بسا پیش از تمام شدن سال اگر چیزی به دستش نمی رسید خودش نیازمند آذوقه می شد ... حق را جاری می کرد گرچه برای او یا برای یارانش زیان داشته باشد ... در میان دشمنان بدون نگهبان آمد و شد می کرد ... هرگز چیزی از امور دنیا او را به ترس و وحشت نمی افکند ... با فقرا می نشست و با تهیدستان هم غذا می شد. اهل فضل را به خاطر اخلاقتان احترام می کرد، و با نیکی کردن به اشخاص آبرومند با آنان خو می گرفت. با خویشانش پیوند و رفت و آمد داشت بدون آنکه آنان را بر کسانی که از آنان برتر بودند، مقدم بدارد. به هیچ کس ستم نمی کرد، و پوزش عذرخواهان را می پذیرفت ... آن حضرت غلامان و کنیزانی داشت ولی در خوراک و پوشاک بر آنان برتری نداشت. ساعتی از وقت او در غیر بندگی خدا و غیر کار لازمی که صلاح او در آن بود نمی گذشت. گاه به باغ و بستان یاران خود سر می زد. هیچ گاه مسکینی را به خاطر تهیدستی یا بیماریش کوچک نمی شمرد، و از هیچ پادشاهی به خاطر ملک و سلطنتش نمی ترسید. فقیر و پادشاه را یکسان به سوی خدا دعوت می فرمود.

(۲) ۴۷. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه کس دیرتر به خشم می آمد و زودتر خشنود می شد. وی مهربانترین و خیرخواهترین و سودمندترین کس برای مردم بود.

(۳) ۴۸. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خوشحال و خشنود می شد خشنودیش از همه کس نیکوتر بود. در پند و موعظه جدی بود. هنگام خشم - که جز برای

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۲، خشم نمی گرفت - چیزی تاب مقاومت در برابر خشم او را نداشت. آن حضرت در همه کارهایش این چنین جدی بود. چون مصیبتی به او می رسید کارش را به خداوند واگذار می کرد و از حول و قوت خویش بیزاری می جست و از خداوند راه چاره طلب می کرد.

(۱) ۴۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدانید که هر عبادتی در آغاز افراطی

دارد، سپس به فترت و سستی می‌گراید. هر که افراط در عبادتش به سنت من بینجامد راه را یافته است، و هر که با سنت من مخالفت ورزد گمراه گشته و عملش تباه خواهد شد. بدانید که من هم نماز می‌خوانم و هم می‌خوابم، هم روزه می‌گیرم و هم افطار می‌کنم، هم می‌خندم و هم می‌گریم. پس هر که از راه روشن و سنت من روی گرداند از من نیست.

مؤلف: اخبار در مطالب گذشته بیش از حد شمار است، و ما از هر بابی یک یا دو خبر آوردیم. اما جزئیات زندگانی آن حضرت بسیار است «۱».

(۱) به ملحقات شمایل پیامبر صلی الله علیه و آله در آخر کتاب مراجعه فرمایید. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۳ (۱)

۲ آداب معاشرت پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

(۲) ۵۰. امام صادق علیه السلام به بحر سقاء فرمود: ای بحر، خوش خلقی مایه آسانی امور و شادی‌زاست ... سپس حدیثی نقل فرمود که می‌رساند رسول خدا صلی الله علیه و آله خوش خلق بود.

(۳) ۵۱. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که از نیکی‌هایش قدردانی نمی‌شد، در صورتی که نیکی‌های آن حضرت بر قرشی و بر عرب و عجم جاری بود. کیست که بیش از رسول خدا صلی الله علیه و آله به این مردم نیکی کرده باشد؟! ما اهل بیت نیز از نیکی‌های ما قدردانی نمی‌شود، همچنین مؤمنان بر گزیده نیز از نیکی‌هایشان قدردانی نمی‌گردد (بنا بر این نباید دل‌سرد شد و دست از نیکی به دیگران کشید).

(۴) ۵۲. به روایت دیلمی، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لباس خود را وصله می‌زد، کفش خود را می‌دوخت، گوسفندان خود را می‌دوشید، با بردگان غذا می‌خورد، بر زمین می‌نشست، بر دراز گوش سوار می‌شد و دیگری را نیز ترک خود سوار می‌کرد. حیا آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۴، مانع نمی‌شد که شخصا نیازمندیهای خود را از بازار تهیه کند و خود به خانه برد. با ثروتمند و فقیر دست می‌داد و دست خود را نمی‌کشید تا طرف مقابل دست خود را بکشد. با هر کس روبرو می‌شد از ثروتمند و فقیر و بزرگ و کوچک سلام می‌کرد. چیزی را که به آن دعوت می‌شد کوچک نمی‌شمرد گرچه پست‌ترین نوع خرما بود. آن حضرت کم خرج، بلند طبع، خوش معاشرت و خوشرو بود. همیشه لبخند بر لب داشت ولی بلند نمی‌خندید، و غمگین به نظر می‌رسید اما عبوس و دژم نبود. فروتن بود اما خود را کوچک نمی‌نمود، بخشنده بود اما اسراف نمی‌ورزید، و نازکدل و مهربان با همه مسلمانان بود. هرگز از روی سیری باد گلو نزد، و هرگز دست طمع به سوی کسی نگشود.

(۱) ۵۳. به روایت طبرسی، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در آینه نگاه می‌کرد و موی سر را صاف می‌کرد و شانه می‌زد، و بسا به آب نگاه می‌کرد و موی سر را مرتب می‌ساخت. نه تنها برای خانواده خود که برای یارانش نیز خود را می‌آراست، و می‌فرمود: خداوند دوست دارد که بنده‌اش هنگامی که برای دیدن برادران از خانه بیرون می‌رود خود را آماده و آراسته نماید.

(۲) ۵۴. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: پنج چیز است که تا دم مرگ از آنها دست بر نمی‌دارم: روی زمین با بردگان غذا خوردن، بر الاغ پالاندار سوار شدن، شیر بز را با دست خود دوشیدن، لباس پشمینه پوشیدن و به کودکان سلام کردن، تا آنکه پس از من سنت شود.

(۳) ۵۵. به روایت قطب راوندی، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر کوچک و بزرگ

سلام
 (۴) ۵۶. امیر مؤمنان علیه السلام به مردی از قبیله سعد فرمود: ... صبح یکی از روزها رسول خدا صلی الله علیه و آله به سراغ من و فاطمه آمد و ما هنوز در بستر خواب بودیم، فرمود:

سلام بر شما. ما در آن شرایط شرم کرده، جواب نگفتیم. بار دیگر فرمود: سلام بر آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۵ شما. باز جواب ندادیم. بار سوم فرمود: سلام بر شما. ما ترسیدیم که اگر جواب نگوییم آن حضرت باز گردد، زیرا عادت حضرتش چنین بود که سه بار سلام می کرد، اگر جواب می شنید داخل می شد و گرنه باز می گشت. پس گفتیم: و سلام بر شما ای رسول خدا، بفرمایید، و حضرت داخل شد ...

(۱) ۵۷. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به زنان سلام می کرد و آنان نیز پاسخ می گفتند. و امیر مؤمنان علیه السلام به زنان سلام می کرد ولی کراهت داشت که به زنان جوان سلام کند و می فرمود: می ترسم از آهنگ صدای آنان خوشم آید، آن گاه زیان این کار بیش از اجری که در نظر دارم بر من وارد شود.

(۲) ۵۸. به روایت عبد العظیم حسنی رحمه الله، رسول خدا صلی الله علیه و آله سه گونه می نشست: گاه [کف پاها را زمین نهاده] ساقهای پاها را بلند می کرد و دو دست خود را جلو آن قرار می داد و ساق دست را در کف دست دیگر می گرفت (چنک می زد)، و گاه دو زانو می نشست، و گاه یک پا را تا کرده زیر ران می نهاد و پای دیگر را روی آن می خواباند، و هرگز دیده نشد که آن حضرت [مانند متکبران] چهار زانو بنشیند.

(۳) ۵۹. علی علیه السلام فرمود: هرگز نشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی دست دهد و زودتر از او دستش را بکشد، بلکه درنگ می کرد تا او دستش را بیرون کشد. و هرگز کسی با آن حضرت در کاری یا سخنی مشارکت نکرد که حضرت زودتر از او دست از کار کشد بلکه صبر می کرد تا وی دست از کار بکشد. و نشد کسی با آن

حضرت گفتگو را آغاز کند و حضرت پیش از او سکوت کند. و هرگز دیده نشد که نزد کسی پای خود را دراز کند. و هرگز میان دو کار مخیر نشد مگر اینکه دشوارترین آنها را اختیار می فرمود. و در ستمی که به او می شد در صدد انتقام بر نمی آمد مگر آنکه محارم خدا هتک شود، که در این صورت به خاطر خدا خشم می گرفت. و هرگز در حال تکیه دادن چیزی نخورد تا از دنیا رحلت فرمود. و چیزی از آن جناب درخواست نشد که «نه» بگوید. و هرگز حاجتمندی را آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۶، رد نکرد جز آنکه یا حاجت او را بر می آورد، یا او را با سخنی نرم و دلنواز خرسند می ساخت. نمازش در عین تمامیت از نماز همه مردم سبکتر، و خطبه اش از همه کوتاه تر و از بیهوده گویی بر کنار بود. و چون از راه می رسید از بوی خوشش شناخته می شد. و چون با دیگران بر سر یک سفره می نشست اول کسی بود که شروع به غذا خوردن می کرد و آخرین کسی بود که از غذا دست می کشید، و هنگام غذا خوردن از جلو خود میل می فرمود، و تنها هنگام خوردن رطب و خرما دست به سوی دیگر هم می برد. (۱) آشامیدنی را با سه نفس می آشامید، و آب را می مکید و یکباره سر نمی کشید. دست راستش به خوردن و آشامیدن و گرفتن و دادن اختصاص داشت و جز با دست راست چیزی نمی گرفت و نمی داد، و دست چپش برای سایر اعضای بدنش بود «(۱)». در همه کارها چون لباس پوشیدن، کفش پوشیدن و از مرکب پیاده شدن شروع با دست یا پای راست را دوست داشت.

چون کسی را صدا می زد سه بار تکرار می کرد، ولی در سخن گفتن یک بار بیشتر نمی گفت. و اگر اذن دخول می گرفت سه بار تکرار می فرمود. کلامش روشن بود و هر شنونده ای آن را می فهمید. به هنگام سخن گفتن سفیدی دندانش برق می زد، و اگر او را می دیدی می گفתי دندانهای پیش او فاصله دارد ولی فاصله نداشت. نگاه کردنش کوتاه بود و به کسی خیره نمی شد. با کسی سخنی را که او خوش

نمی داشت نمی گفت. هنگام راه رفتن مانند کسی که از سرایشی فرود می آید قدم بر می داشت. می فرمود: بهترین شما خوشخوترین شماست. هیچ خوراکی را نکوهش یا ستایش نمی کرد. یاران آن حضرت در حضور او کشمکش و بگو مگو نمی کردند. هر کس از او سخن می گفت، می گفت: هیچ کس را مانند آن جناب صلی الله علیه و آله پیش از آن و

(۱)	در	روایت	است	که
الیمین	للوچه،	و	اليسار	للفرج

«دست راست برای صورت و بالاتنه است، و دست چپ برای پایین تنه».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۷ بعد از آن ندیده و نخواهم دید.

(۱) ۶۰. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهش را میان یارانش تقسیم می کرد و به این و آن یک نواخت می نگریست. آن حضرت در میان یاران هرگز پای خود را دراز نکرد. و اگر مردی با آن حضرت دست می داد حضرت دست او را رها نمی کرد تا او دست خود را عقب بکشد، و چون مردم این نکته را فهمیدند چون با آن حضرت دست می دادند فوراً دست خود را از دست حضرتش بیرون می کشیدند. به روایتی دیگر: رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز سائلی را رد نکرد، اگر چیزی داشت می داد، و گر نه می فرمود: خدا برساند.

(۲) ۶۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه با کسی می نشست از جا بر نمی خاست تا همنشین او از جا برخیزد.

(۳) ۶۲. به روایت طبرسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام سخن گفتن لبخند می زد.

(۴) ۶۳. یونس شبیانی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: شما با یک دیگر چگونه

شوخی می کنید؟ گفتم: خیلی کم! فرمود: چرا شوخی نمی کنید؟! شوخی از خوشخویی است. و با شوخی می توانی برادر دینی خود را شاد سازی. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردم شوخی می کرد و می خواست بدین وسیله آنان را شاد سازد. (۵) ۶۴. امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنی نیست مگر آنکه از شوخی بهره ای دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز شوخی می کرد ولی جز سخن حق چیزی نمی گفت. (۶) ۶۵. معمر بن خلّاد گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم و گفتم: قربانت گردم، آدمی در میان گروهی قرار دارد، سخنی به میان می آید که همه شوخی می کنند و می خندند، این چه صورت دارد؟ فرمود: مانعی نیست، اگر نباشد- و من یقین کردم منظور آن حضرت آن است که فحش و ناسزایی در میان نباشد- سپس فرمود: مردی از اعراب بادیه نشین نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمد و برای آن حضرت هدیه می آورد و همان جا می گفت: پول هدیه مرا مرحمت کن! و رسول خدا صلی الله علیه و آله از این سخن

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۸، می خندید. و هر گاه غمگین می شد می فرمود: اعرابی چه می کند؟ کاش نزد ما می آمد [و با سخنانش ما را می خندانید]. (۱) ۶۶. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر اوقات رو به قبله می نشست.

(۲) ۶۷. به روایت طبرسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که کودک را برای دعای برکت یا نامگذاری حضور انورش می آوردند و آن حضرت به احترام کسانش او را در دامن خود می نشاند، و گاه می شد که کودک در دامن آن حضرت ادرار می کرد، برخی از کسانی که ناظر بودند به روی کودک فریاد می زدند، پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: با تندی از ادرار کودک جلوگیری نکنید، او را رها کنید تا کاملاً ادرار کند. آن گاه به دعا و نامگذاری وی می پرداخت و کسان کودک نیز خوشحال می شدند و

آزردگی و ملالت خاطری از این حادثه در پیامبر صلی الله علیه و آله نمی دیدند، و چون از نزد آن حضرت باز می گشتند ایشان لباس خود را آب می کشید. (۳) ۶۸. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که سواره بود نمی گذاشت کسی پیاده همراه او حرکت کند، یا او را با خود سوار می کرد، و اگر وی نمی پذیرفت حضرت می فرمود: جلوتر برو و هر جا در نظر داری منتظر من بمان. (۴) ۶۹. در اخبار آمده: رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ گاه برای خود از کسی انتقام نگرفت، بلکه آزار دهندگان را می بخشید و از آنان گذشت می فرمود. (۵) ۷۰. به روایت طبرسی: ... (مانند روایت ۶۱ است)

(۶) ۷۱. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر یکی از یارانش را سه روز پیایی نمی دید از حال وی جو یا می شد، اگر در سفر بود برایش دعا می کرد، اگر در شهر بود به دیدارش می رفت، و اگر بیمار بود از او عیادت می فرمود. (۷) ۷۲. انس گوید: نه سال خدمتگزاری پیامبر صلی الله علیه و آله کردم، هرگز یاد ندارم که در این مدت به من فرموده باشد: چرا فلان کار را نکردی؟! و هرگز در کاری بر من ایراد نگرفت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۹

(۱) ۷۳. انس گوید: به خدایی که پیامبر را به حق مبعوث کرد، هرگز نشد که آن حضرت در کاری که خوشایندش نبود به من فرموده باشد: چرا چنین کردی؟! و هیچ گاه همسرانش مرا ملامت نکردند جز آنکه می فرمود: کاری به او نداشته باشید، تقدیر و سرنوشت چنین بوده است.

(۲) ۷۴. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله را کسی از یاران یا دیگران صدا نمی زد جز آنکه در جواب می فرمود: لیبک.

(۳) ۷۵. و نیز گوید: آن حضرت برای احترام و به دست آوردن دلهای یاران خود آنان را به کنیه صدا می زد «ا»، و برای کسانی که کنیه نداشتند کنیه قرار می داد و مردم نیز او

را به همان کنیه می خواندند. همچنین برای زنان فرزندان و بی فرزندان و حتی بچه ها کنیه قرار می داد و بدین وسیله دل های آنان را به دست می آورد. (۴) ۷۶. هر گاه کسی بر آن حضرت وارد می شد حضرت تشکچه اش را به او می داد، و اگر شخص تازه وارد نمی خواست قبول کند او را سوگند می داد تا بپذیرد. (۵) ۷۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماه مبارک رمضان مانند باد تند و سریع بود که چیزی در دستش قرار نمی گرفت و هر چه داشت انفاق می کرد. (۶) ۷۸. عجلان گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که سائلی آمد، امام برخاست و از سبدی که در آن خرما بود دست خود را پر کرد و به سائل داد. سائلی دیگر آمد، امام دوباره برخاست و مشتی خرما برداشت و به او داد. سائل سومی آمد، باز برخاست و مشتی خرما برداشت و به او داد. بار چهارم سائل دیگر آمد، امام فرمود: خداوند روزی رسان ما و شماست! سپس فرمود: کسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی از دنیا نمی خواست مگر اینکه عطا می فرمود، تا آنکه زنی پسر خود را نزد آن حضرت فرستاد و به او گفت: نزد حضرت برو و از او چیزی بخواه، اگر فرمود: فعلا چیزی نداریم، بگو: پیراهن خود را به من بده. امام فرمود: آن حضرت پیراهن خویش را

(۱) به پاورقی صفحه ۸۶ رجوع شود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۰ در آورد و نزد پسر افکند (و به او عطا فرمود)، آن گاه خداوند آن حضرت را به میانه روی ادب فرمود و این آیه را فرستاد: «لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک» (۱) «دست خود را به گردنت مبنده (بخل موز) و نیز به طور کلی باز مکن (هر چه داری مده) که در غیر این صورت ملول و دلتنگ خواهی نشست».

(۱) ۷۹. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از هدیه میل می کرد و از صدقه میل نمی فرمود.

(۲) ۸۰. موسی بن عمران بن بزیع گوید: به امام رضا علیه السّلام عرض کردم: قربانت گردم، مردم روایت کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه از راهی می‌رفت، در هنگام مراجعت از راهی دیگر بازمی‌گشت، آیا چنین است؟ فرمود: آری، من هم بسیاری از اوقات چنین می‌کنم، تو نیز چنین کن، و آگاه باش که این کار برای تو روزی آورتر است.

(۳) ۸۱. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از طلوع آفتاب از خانه بیرون می‌رفت.

(۴) ۸۲. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه داخل منزلی (یا مجلسی) می‌شد در نزدیکترین جا به محل ورود خود می‌نشست.

(۵) ۸۳. در کتاب «عوالی الثالی» گوید: نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله خوش نمی‌داشت کسی پیش پای وی برخیزد، و مردم نیز از این جهت پیش پای حضرتش بر نمی‌خاستند، ولی هنگامی که حضرت برای رفتن بر می‌خواست آنان نیز با او بر می‌خاستند و تا در منزل بدرقه‌اش می‌کردند.

(۶) ۸۴. اسحاق بن عمّار گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه اراده جنگ می‌کرد زنان خود را فرا می‌خواند و با آنان مشورت می‌کرد، سپس خلاف نظر آنان عمل می‌نمود.

(۱) اسراء / ۲۹

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۱
 (۱) ۸۵. در «مناقب» گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در وقت نیم روز در اتاق امّ سلمه می‌خوابید، و او عرق آن حضرت را جمع می‌کرد و داخل عطر می‌نمود.

- (۲) (۱) امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با بندگان خدا به اندازه عقل خود سخن نگفت. خود آن حضرت فرموده است: ما گروه پیامبران مأموریم با مردم به اندازه عقل آنان سخن گوئیم.
- (۳) (۲) و نیز فرمود: ما گروه پیامبران همان گونه که مأموریم واجبات را بر پا داریم مأموریم با مردم به مدارا رفتار کنیم.
- (۴) (۳) (تکرار روایت ۲ است).
- (۵) (۴) سعد بن هشام گوید: نزد عایشه رفتم و از وی در باره اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم، گفت: آیا قرآن نمی خوانی؟ گفتم: چرا، گفت: اخلاق رسول خدا [همان دستورات اخلاقی] قرآن است.
- (۶) (۵) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مردانگی و جوانمردی ما خاندان، در گذشتن از کسانی است که به ما ستم کرده اند و بخشش به کسانی است که ما را محروم ساخته اند.
- (۷) (۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم مرا دستور داده که مسلمانان فقیر را دوست بدارم.
- (۸) (۷) امام صادق علیه السلام فرمود: صبر، راستگویی، بردباری و خوش خلقی از اخلاق پیامبران علیهم السلام است.
- (۹) (۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار به درگاه خدا تضرع و زاری می نمود و همیشه از خداوند درخواست می کرد که او را به آداب پسندیده و اخلاق نیک زینت بخشد، از این رو در دعای خود می گفت: خدایا اخلاق مرا نیکو ساز ... خدایا مرا از اخلاق آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۲ ناپسند دور ساز.
- (۱) (۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرشته روح الامین - جبرئیل - از سوی پروردگار جهانیان بر من نازل شد و گفت: «ای محمد، بر تو باد به اخلاق خوش، زیرا -

بدخلقی خیر دنیا و آخرت را از بین می برد.» آگاه باشید که شبیه ترین شما به من کسانی هستند که اخلاقشان از همه نیکوتر باشد.

(۲) (۱۰) حسین بن زید گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم، آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز با کسی شوخی می کرد؟ فرمود: خداوند او را به داشتن خلقی بزرگ ستوده است، در همه پیامبرانی که خداوند برانگیخت نوعی خشونت و گرفتگی وجود داشت، ولی محمد صلی الله علیه و آله را با مهر و رأفت آن حضرت به امتش این بود که با آنان شوخی می کرد تا مبادا عظمتش چندان در آنان تأثیر کند که نتوانند به او نگاه کنند! جدم علی علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از یارانش را غمگین می دید با شوخی کردن دل او را شاد می ساخت. آن حضرت می فرمود: خداوند کسی را که با ترش رویی با برادرانش دیدار کند دشمن می دارد.

(۳) (۱۱) زید بن ثابت گوید: چون با رسول خدا صلی الله علیه و آله می نشستیم، اگر از آخرت شروع به سخن گفتن می کردیم او نیز با ما همسخن می شد، و اگر از دنیا سخن می گفتیم باز هم با ما همسخن می شد، و اگر از خوردنیها و آشامیدنیها سخن می گفتیم باز هم با ما در آن زمینه سخن می گفت.

(۴) (۱۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله با چشم و ابرو و دست اشاره نمی کرد.

(۵) (۱۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از زنان خود فرمود: آیا تو را نهی نکردم که چیزی را برای فردا ذخیره نکنی؟! زیرا خداوند روزی هر فردایی را خواهد رساند.

(۶) (۱۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین و گرامی ترین خوی پیامبران و راستان و شهدا و صالحان، به دیدار یک دیگر رفتن برای خداست.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۳

(۱) (۱۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از اخلاق پیامبران و راستان خوشرویی به هنگام دیدار و دست دادن به هنگام ملاقات است.

(۲) (۱۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه با مسلمانی دیدار می کرد نخست با او دست می داد.

(۳) (۱۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: هیچ یک از شما یارانم از دیگری نزد من بدگویی نکنند، زیرا من دوست دارم که با دلی صاف و پاک نزد شما بیایم (و از کسی دلگیر نباشم).

(۴) (۱۸) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ما گروه پیامبران و امینان و پرهیزگاران از تکلف و زحمت بی جا به خود دادن بری هستیم.

(۵) (۱۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من برانگیخته شده‌ام تا مرکز حلم و معدن علم و مسکن صبر باشم.

(۶) (۲۰) ابو ذر رحمه الله گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بدون امتیاز در میان اصحاب خود می نشست به گونه‌ای که هر گاه شخص غریبی وارد می شد نمی دانست پیامبر کدام است تا آنکه پرسد. ما از پیامبر صلی الله علیه و آله خواهش کردیم که برای خود جای خاصی قرار دهد تا شخص تازه وارد آن حضرت را بشناسد. پس برایش سکویی از گل ساختیم و حضرت بر آن می نشست و ما در دو طرف او می نشستیم.

(۷) (۲۱) روایت شده که از سنن پیامبر صلی الله علیه و آله آن است که چون با گروهی سخن می گویی در میان آنان فقط به یک فرد معین رو نکنی، بلکه همگان را مورد توجه قرار دهی.

(۸) (۲۲) و نیز روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله لباس خود را می دوخت و کفش خود را پینه می زد، و بیشتر کاری که در خانه انجام می داد خیاطی بود.

(۹) (۲۳) و نیز روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز غلام و کنیز و غیر آنان را نزد مگر در راه خدا، و هرگز برای شخص خود از کسی انتقام نگرفت و انتقام او تنها

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۴

برای آن بود که خواسته باشد یکی از مجازاتهای الهی را در باره کسی اجرا کند. (۱) (۲۴) امام صادق علیه السلام فرمود: خدای متعال هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر به راستگویی و ادای امانت به صاحبش، نیکوکار باشد یا بدکار. (۲) (۲۵) امام صادق علیه السلام فرمود: امانت را به صاحبش بازگردانید، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله حتی نخ و سوزنی را که به او سپرده بودند به صاحبش باز می گرداند. (۳) (۲۶) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردی وعده نهاد که در کنار فلان صخره در انتظار او بماند تا بیاید. پیامبر در آنجا ماند و شدت گرمی آفتاب در آن مکان حضرت را رنج می داد، یارانش گفتند: یا رسول الله، خوب است زیر سایه بروید! فرمود: من در اینجا با او وعده نهاده‌ام، و اگر نیامد خلف وعده از او خواهد بود.

(۴) (۲۷) امیر مؤمنان علیه السلام می فرمود: ما خاندان پیامبر دستور داریم بینوایان را طعام دهیم، گرفتاران را در سختی‌ها پناه دهیم و آن گاه که مردم در خوابند به نماز برخیزیم. (۵) (۲۸) در روایت آمده: برای حضرت رضا علیه السلام مهمانی رسید، امام مقداری از شب را با او نشسته و گفتگو می کرد، در این میان نور چراغ تغییر کرد و کم سو شد، مهمان دست دراز کرد تا چراغ را اصلاح کند، حضرت رضا علیه السلام جلو دست او را گرفت و پیشدستی نموده، خود به اصلاح چراغ پرداخت، سپس فرمود: ما مردمی هستیم که مهمانان خود را به کار نمی گیریم. (۶) (۲۹) حریر بن عبد الله گوید: گروهی از قبیله جهینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدند و آن حضرت از آنان پذیرایی کرد. چون خواستند از حضورش مرخص شوند امام توشه راه برایشان فراهم ساخت و به آنان صله داد و بخشش نمود، سپس به غلامان خود فرمود: از آنان دور شوید و در بستن بارهاشان کمک نکنید. چون مهمانان از بستن بار و بنه فارغ شدند و برای خداحافظی خدمت آن حضرت آمدند آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۵

گفتند: یا بن رسول الله، ما را به مهمانی پذیرفتی و خوب هم پذیرایی فرمودی، اما در آخر به غلامان خود دستور دادی که در بستن بارها به ما کمک نکنند؟! فرمود: ما خاندان پیامبر مهمانان را برای رفتن از نزد خود کمک نمی‌کنیم.

(۱) (۳۰) موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هنگامی که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله مهمان می‌رسید حضرت با او هم غذا می‌شد، و تا مهمان از غذا خوردن دست نمی‌کشید آن حضرت نیز دست نمی‌کشید.

(۲) (۳۱) غزالی گوید: از سنن پیامبر صلی الله علیه و آله در باره مهمان آن است که او را تا دم درب خانه مشایعت کنند.

(۳) (۳۲) یکی از یاران امام صادق علیه السلام گوید: بسا اتفاق می‌افتاد که امام صادق علیه السلام از ما با نان روغنی و حلوی روغن و خرما پذیرایی می‌کرد و سپس نان و زیتون به ما می‌خورانید. به آن حضرت عرض شد: بهتر است حساب شده‌تر کار کنید تا اعتدال رعایت شود! فرمود: ما به حساب و تدبیر خدا کار می‌کنیم؛ وقتی خدا به ما گشایش دهد ما نیز در زندگی گشایش می‌دهیم، و هر گاه تنگ گیرد ما نیز جمع و جورتر خرج می‌کنیم.

(۴) (۳۳) امام صادق علیه السلام به یارانش می‌فرمود: کسی که به شما اظهار دوستی می‌کند با ذکر عیبهایش به او طعنه نزنید و خوی زشتی را که گرفتار آن است به رخ او نکشید، زیرا این کار نه از اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله و نه از اخلاق اولیای خداست.

(۵) (۳۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مرا برای خوردن پاچه گوسفندی هم دعوت کنند می‌پذیرم، و چنانچه آن را به من هدیه دهند قبول می‌کنم.

(۶) (۳۵) معمر بن خلاد گوید: یکی از غلامان حضرت رضا علیه السلام به نام سعد از دنیا رفت، حضرت فرمود: مردی صاحب فضل و امانت را به من معرفی کن. عرض کردم: من به شما معرفی کنم؟! امام بسان مردی خشمگین فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله

- آله با یاران خود مشورت می کرد، سپس به آنچه تصمیم می گرفت عمل می کرد. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۶
- (۱) (۳۶) امام عسکری علیه السلام فرمود: به پدر بزرگوارم عرض کردم: هنگامی که یهود و مشرکان با رسول خدا صلی الله علیه و آله عناد و لجاجت می ورزیدند، آیا آن حضرت با آنان مناظره و احتجاج می کرد؟ فرمود: آری، بارها و بارها این اتفاق افتاد.
- (۲) (۳۷) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از نخستین چیزهایی که خداوند مرا از آنها نهی کرد نزاع و کشمکش با مردم بود.
- (۳) (۳۸) امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: وقتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی می خواستند، اگر می خواست آن را انجام دهد می فرمود: آری (به چشم)، و اگر نمی خواست انجام دهد سکوت می کرد، و هرگز در باره چیزی «نه» نمی گفت.
- (۴) (۳۹) انس گوید: هر گاه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می رسیدیم حلقه وار دور هم می نشستیم.
- (۵) (۴۰) جابر گوید: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون می شد یارانش پیشاپیش آن حضرت راه می رفتند و پشت سر او را برای فرشتگان می گذاشتند.
- (۶) (۴۱) جابر بن عبد الله انصاری در حدیثی که برخی از آداب جنگ رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر شمرده گوید: آن حضرت در جنگها آخر همه مردم حرکت می کرد، و اگر شخص ناتوانی از رفتن باز مانده بود او را به نرمی و آرامی ردیف خود سوار می کرد؛ و برای شرکت کنندگان دعا می نمود.
- (۷) (۴۲) روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله از کالای دنیا به آنچه در نظر دیگران نیکو و فریبنده بود نگاه نمی کرد.
- (۸) (۴۳) و نیز روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از چیزی ناراحت و غمگین می شد به نماز و عبادت خدا پناه می برد.
- (۹) (۴۴) و نیز روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله با خوی خوش خود با مردم

معاشرت می کرد ولی دلش از آنان جدا بود؛ ظاهرش با خلق خدا و باطنش با حق تعالی بود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۷، (۱) (۴۵) و نیز روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله تنهایی و خلوت با خدا را دوست داشت.

(۲) (۴۶) امّ سلمه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در اواخر عمر همواره در حال برخاستن و نشستن و رفتن و آمدن می گفت: «سبحان الله و بحمده، استغفر الله و اتوب الیه» . چون علت آن را پرسیدیم، فرمود: از سوی خداوند دستور دارم؛ سپس سوره إذا جاء نصر الله را می خواند [که در آن دستور به تسبیح گفتن و استغفار کردن به آن حضرت داده شده است].

(۳) (۴۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگرم مرا به هفت چیز دستور فرموده است: مرا سفارش کرده که در تمام کارهای پنهان و آشکارم اخلاص ورزم، و از کسی که بر من ستم نماید در گذرم، و به هر که مرا محروم سازد بخشش کنم، و با هر که با من قطع رابطه کرد رابطه برقرار سازم، و سکوتم برای تفکر، و نگاهم برای پند و عبرت باشد. (۴) (۴۸) در روایت آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله کفش خود را پینه می زد، و لباسش را وصله می کرد، و خود در خانه را باز می کرد، و شیر گوسفندان را می دوشید، و شتر را می بست سپس شیر آن را می دوشید، و چون خادمش از آسیاب کردن خسته می شد به او کمک می کرد و خود آسیاب می نمود. آب وضوی شبش را خود تهیه می کرد؛ هیچ کس در شرم و حیا بر او پیشی نداشت؛ هنگام نشستن تکیه نمی کرد در کارها به اهل خانه کمک می نمود و با دست خود گوشت خرد می کرد.

چون بر سر سفره غذا حاضر می شد مانند بندگان می نشست؛ بعد از غذا انگشتان خود را

می‌لیسید، و هرگز در اثر پرخوری باد گلو نزد. دعوت هر کسی را- آزاد باشد یا بنده- می‌پذیرفت اگر چه برای خوردن دست و پاچه گوسفندی بود. هدیه را قبول می‌کرد گرچه جرعه‌ای شیر بود و از غذای هدیه می‌خورد ولی از غذای صدقه نمی‌خورد. به چهره کسی خیره نمی‌شد. برای آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۸، خدا خشم می‌گرفت اما برای خویش خشم نمی‌گرفت. گاهی از گرسنگی سنگ بر شکم می‌بست. هر طعمی که حاضر می‌شد میل می‌کرد، و هر غذایی که می‌یافت رد نمی‌کرد.

(۱) دو لباس روی هم نمی‌پوشید، گاه یک نوع برد راه راه یمانی به تن می‌کرد، گاه عبایی پشمینه روی دوش می‌افکند، و گاه لباسهای کلفت از پنبه و کتان می‌پوشید، و بیشترین لباسهای حضرتش سفید بود. زیر عمامه شبکلاه به سر می‌گذاشت. پیراهن را از سمت راست آن می‌پوشید. یک لباس مخصوص روز جمعه داشت. هر گاه پیراهن نو می‌پوشید پیراهن کهنه خود را به فقیری می‌داد. عبایی داشت که هر جا می‌رفت آن را برایش دو تا می‌کردند و بر روی آن می‌نشست. انگشتری نقره در انگشت کوچک دست راست می‌کرد. هندوانه و خربزه را دوست می‌داشت، و از بوهای ناخوش بدش می‌آمد. هنگام وضو گرفتن مسواک می‌کرد. موقع سوار شدن، غلام خود و یا کس دیگری را ردیف خود سوار می‌کرد، هر حیوانی که برایش میسر بود سوار می‌شد: اسب، استر، الاغ. بر الاغ بی‌پالان که تنها لگامی بر آن بود نیز سوار می‌شد. گاهی پیاده نیز و پابرهنه و بدون پوشیدن عبا و عمامه و عرقچین راه می‌رفت. تشیع جنازه می‌کرد، و در دورترین نقاط شهر از بیماران عیادت می‌فرمود. با فقرا می‌نشست، و با تهیدستان هم‌غذا می‌شد و با دست خود برای آنان لقمه می‌گرفت. به اهل فضیلت احترام می‌گذاشت، و با نیکویی کردن به اشخاص آبرومند با آنان انس

می گرفت. با خویشاوندان خود صله رحم می کرد بدون آنکه آنان را بر دیگران مقدم دارد مگر به آنچه خدا امر فرموده باشد. بر کسی ستم و درشتی نمی کرد. پوزش عذرخواهان را می پذیرفت. بیش از همه کس لبخند بر لب داشت مگر زمانی که قرآن بر او نازل می شد و یا مردم را موعظه می کرد. و خنده اش بدون قهقهه بود. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۹ (۱) در خوراک و پوشاک از غلامان و کنیزان خود برتری نمی جست. هرگز به کسی فحش و ناسزا نگفت، و هیچ گاه زن یا خادمی را لعن و نفرین نکرد، و هیچ گاه کسی را در حضور آن حضرت سرزنش نکردند جز آنکه می فرمود: رهایش کنید و به او کار نداشته باشید.

کسی نزد او نمی آمد - آزاد باشد یا غلام یا کنیز - جز آنکه در پی حاجت او بر می خاست. خشن و درشتخو نبود، و در بازارها جار نمی زد. در مقابل بدی دیگران بدی نمی کرد، بلکه بدی آنان را نادیده می گرفت و از آنان در می گذشت. به هر کس می رسید آغاز به سلام می کرد.

هر کس برای کاری نزد او می آمد با وی همکاری می کرد تا آنکه خود آن شخص منصرف گردد. هرگز نشد کسی دست آن حضرت را بگیرد و ایشان پیش از وی دستش را از دست او بیرون کشد. و چون به مرد مسلمانی می رسید نخست با او دست می داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر نمی خاست و نمی نشست جز به یاد خدا. و هنگامی که در نماز بود کسی نزد او نمی نشست جز آنکه نمازش را کوتاه می کرد و به وی رو نموده می فرمود: آیا حاجتی داری؟

در نشستن اکثرا کف پاها را بر زمین می گذاشت و زانوهای او در بغل می گرفت. هنگام ورود به مجلس در نزدیکترین جایی که خالی بود می نشست، و بیشتر اوقات رو به قبله می نشست.

هر کس را که بر او وارد می شد احترام می کرد و بسا لباس خود را زیر او می گسترد و شخص تازه وارد را بر خود ترجیح داده، بر تشکچه اش می نشاند. در حال خشنودی و خشم جز به حق سخن نمی گفت. آن حضرت خیار را گاه با خرما و گاه با نمک میل می کرد. در میان میوه های تازه هندوانه و خربزه و انگور را بیش از همه دوست می داشت. بیشتر خوراک آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۰. آن حضرت آب و خرما بود. شیر را با خرما میل می کرد و آن را دو غذای پاکیزه می نامید. گوشت را بیش از غذاهای دیگر دوست داشت، و ترید را با گوشت تناول می کرد. کدو را دوست داشت. از گوشت شکار می خورد ولی خود شکار نمی کرد. نان و روغن میل می کرد. از گوشت گوسفند، ماهیچه و سردست را دوست داشت، و از پختنی ها «کدو حلوایی»، از خورش ها «سرکه»، از خرما «عجوه» (که نوعی خرمای پرگوشت است)، و از سبزی ها «کاسنی و ریحان کوهی و کلم» را دوست داشت. (۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله در دعای خود می گفت: خدایا، مرا مسکین و تهیدست زنده بدار، و مسکین و تهیدست بمیران، و در زمره مسکینان و تهیدستان محشور فرما ...

(۲) عبد الله بن ابی اوفی گوید: هر گاه کسی زکاتی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آورد، آن حضرت قوم و قبیله او را دعا می کرد و می گفت: خداوندا، بر آل فلان درود فرست.

(۳) در روایت آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فال نیک را دوست داشت و از فال بد بدش می آمد (یعنی دوست نداشت کسی فال بد بزند).

(۴) علی علیه السلام فرمود: هر گاه کسی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن دروغی می گفت، آن حضرت لبخند می زد و می فرمود: او یک حرفی می زند!

(۵) روایت است که هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله سخنی می گفت یا چیزی

از او می‌پرسیدند سه مرتبه تکرار می‌کرد تا هم حرف طرف کاملاً روشن شود و هم دیگران فرمایش او را درست بفهمند.

(۶) (۵۴) روایت است که چون یاران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَدَمَتِ اِيشَانِ می‌رسیدند [به جای سلام] می‌گفتند: «صبح به خیر و شب به خیر» و این سلام و تحیت مردم زمان جاهلیت بود، پس خداوند این آیه را فرستاد: «و هنگامی که نزد تو می‌آیند تو را

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۱ چیزی تحیت گویند که خداوند تو را با آن تحیت نگفته است (۱)». آن‌گاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِهِ مَا ارزانی داشته و آن «السلام» است.

(۱) (۵۵) هر گاه یکی از مسلمانان به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌کرد و می‌گفت: «سلام عليك» در پاسخ می‌فرمود:

«و عليك السلام و رحمة الله»

، و چون می‌گفت: «السلام عليك و رحمة الله» پیامبر می‌فرمود:

«و عليك السلام و رحمة الله و برکاته»

، و آن حضرت بدین گونه در پاسخ سلام سلام‌کنندگان می‌افزود.

(۲) (۵۶) علی علیه السلام فرمود: هر گاه تولد دختری را به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و

آله مژده می‌دادند می‌فرمود: شاخه گلی است و روزیش بر خداست.

(۳) (۵۷) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: من مأمورم که زکات را از ثروتمندان

بگیرم و به نیازمندان برسانم.

(۴) (۵۸) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روستاییان

را میان روستاییان، و زکات شهریان را میان شهریان تقسیم می‌کرد ...
 (۵) (۵۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من تربیت شده خدا هستم، و علی تربیت شده من است؛ پروردگارم مرا به بخشش و نیکی کردن دستور داده، و از بخل و جفا کردن نهی فرموده است.
 (۶) (۶۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که از ما چیزی بخواهد، اگر آن را داشته باشیم از وی دریغ نمی‌کنیم.
 (۷) (۶۱) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه چیزی را فراموش می‌کرد پیشانی خود را در میان کف دستش می‌گذاشت و می‌گفت: «بار الها، سپاس و ستایش ویژه توست، ای به یادآورنده هر چیز و انجام دهنده آن، آنچه را فراموشم شده به یادم آر».

(۱) مجادله / ۸

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۲

(۱) (۶۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تبارک و تعالی شش خصلت را برای من خوش نداشت و من نیز آنها را برای جانشینان پس از خود از فرزندانم و پیروانشان خوش نمی‌دارم: بازی کردن در نماز [با اعضای بدن یا لباس]، بدزبانی در حال روزه، منت نهادن پس از صدقه دادن، با جنابت به مسجد رفتن، سرکشی در خانه‌های مردم، و خندیدن در گورستان.

(۲) (۶۳) امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز از اخلاق پیامبران است: نیکی، بخشش، صبر بر پیشامد ناگوار، و اقدام به ادای حق مؤمن.

(۳) (۶۴) علی علیه السلام فرمود: بسیاری از اوقات، رسول خدا صلی الله علیه و آله نگین انگشتریش را در کف دست قرار می‌داد و به آن می‌نگریست.

(۴) (۶۵) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چیدن خرما و درو

کردن زراعت را در شب کراهت داشت [زیرا نمی‌خواست فقرا و تهیدستان بی‌بهره بمانند].

(۵) (۶۶) روایت است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله هنگامی که میوه‌ها می‌رسید دستور می‌داد در دیوار باغ شکافی ایجاد کنند [تا دیگران نیز بتوانند از میوه‌های آن استفاده کنند].

(۶) (۶۷) علی علیه السلام فرمود: کسانی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسیدند و گرد او جمع می‌شدند که چیزی نداشتند؛ انصار [که اهل مدینه بودند] گفتند: خوب است از هر نخلستانی یک خوشه از خرما به اینان اختصاص دهیم. و این سنت جاری شد و تا امروز ادامه یافته است.

(۷) (۶۸) نقل است که جبرئیل علیه السلام گفت: در روی زمین خانواده‌ای نماند جز اینکه آنها را زیر و رو و بررسی نمودم و کسی را بخشنده‌تر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به مال دنیا نیافتم.

(۸) (۶۹) علی علیه السلام فرمود: هر گاه سائلی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آمد [و درخواستی می‌کرد] آن حضرت می‌فرمود: مانعی نیست، مانعی نیست ... آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۳

(۱) (۷۰) جابر گوید: هرگز نشد که چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست شود و آن حضرت «نه» بگوید. ابن عتیبه گوید: اگر چیزی حاضر نداشت وعده آن را می‌داد.

(۲) (۷۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می‌خواست لشکری به سویی بفرستد اول روز اعزام می‌کرد.

(۳) (۷۲) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون لشکری را روانه می‌ساخت برای آنها دعا می‌کرد.

(۴) (۷۳) حضرت رضا علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله لشکری

را به، سویی می فرستاد و فرماندهی بر آنان پیشوایی می کرد، آن حضرت یک نفر از معتمدین خود را با وی می فرستاد تا اخبار او را گزارش دهد. (۵) (۷۴) امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرماندهی را با لشکری گسیل می داشت، نخست او را به رعایت تقوای الهی در باره خود و عموم یارانش سفارش می کرد، سپس می فرمود: به نام خدا و در راه خدا پیکار کن، با منکران خدا بجنگید، مکر نکنید، خیانت نکنید، کشتگان را مثله نکنید (گوش و بینی و انگشتان آنان را نبرید) کودکان و کسانی را که در سر کوهی به عبادت مشغولند (راهبان را) نکشید، درختان خرما را آتش نزنید و در آب غرق نسازید، هیچ درخت میوه‌داری را نبرید و زراعتی را آتش نزنید، زیرا شما نمی دانید، شاید به آن نیازمند شوید. و از چهارپایان حلال گوشت غیر آن را که ناچار از خوردن آنید پی نکنید، و چون با دشمن مسلمانان روبرو شدید آنان را به یکی از سه چیز (مسلمان شدن، جزیه دادن، ترک جنگ) فراخوانید، پس اگر در مورد هر یک از آنها پاسخ مثبت دادند از آنان بپذیرید و دست از سر آنان بردارید.

(۶) (۷۵) علی علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با دشمن روبرو می شد پیادگان و سوارگان و شتر سواران را آماده می کرد، آن گاه می گفت: خداوندا، تو پناه و یاور و حافظ من از خطرهایی؛ خداوندا، به یاری تو حمله می کنم و می جنگم. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۴

(۱) (۷۶) قتاده گوید: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله در میدان جنگ حضور می یافت می گفت: خداوندا، به حق حکم فرما!

(۲) (۷۷) در یکی از نامه‌های علی علیه السلام به معاویه آمده است: هر گاه تنور جنگ گرم می شد و مردم از ترس عقب‌نشینی می کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل بیت خود را پیشاپیش لشکر قرار می داد و یارانش را به وسیله خویشان خود از سوز شمشیرها و نیزه‌ها نگاه می داشت ...

(۳) ۷۸ حضرت رضا علیه السلام در هنگام بیعت با مردم بر ولایتعهدی خویش فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردم این چنین بیعت می کرد؛ آن گاه خود آن حضرت از مردم بیعت گرفت در حالی که دست مبارکش بالای دست آنان قرار داشت.

(۴) ۷۹ علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با زنان دست نمی داد و هر گاه می خواست از آنان بیعت بگیرد ظرف آبی را می آوردند، آن حضرت دست خود را در آب فرو می برد سپس بیرون می آورد، آن گاه می فرمود: شما هم دستهایتان را در آب فرو برید، که من با شما بیعت کردم.

(۵) ۸۰ از جمله اموری که رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیعت با زنان شرط می فرمود این بود که جز با مردان محرم با مردان دیگر سخن نگویند.

(۶) ۸۱ ابن عباس گوید: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی می نگریست و از او خوشش می آمد، می پرسید: آیا او شغلی دارد؟ اگر می گفتند: نه، می فرمود: از چشم افتاد! می گفتند: یا رسول الله، چرا از چشمتان افتاد؟ می فرمود: زیرا وقتی مؤمن بیکار بود دین خود را سرمایه زندگانش قرار می دهد.

(۷) ۸۲ امام صادق علیه السلام فرمود: قرض و عاریه و پذیرایی مهمان از سنن رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

(۸) ۸۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام قرض اگر درهمهای فاسد می گرفت، در هنگام پرداخت درهمهای صحیح و سالم می داد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۵

(۱) ۸۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به من وحی کرد که چهار کس را دوست بدارم: علی، ابا ذر، سلمان و مقداد را ...

(۲) ۸۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: خداوند تو را امر می کند که علی را دوست بداری، و دیگران را نیز به دوستی و ولایت او امر نمایی.

(۳) ۸۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم مرا به هفت خصلت دستور

فرموده:

دوست داشتن مساکین و تهیدستان و نزدیک شدن به آنان، و اینکه فراوان ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله» بگویم، و با خویشان خود صله رحم کنم اگر چه آنان با من قطع رابطه کرده باشند، و [در امور مادی] به کسانی که پایین تر از من قرار دارند بنگرم و به بالاتر از خود نگاه نکنم، و در راه خدا سرزنش سرزنش کننده مرا دلسرد نکند، و حق را بگویم اگر چه تلخ باشد، و از کسی چیزی درخواست نکنم. (۴) (۸۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر توانستی که در تمام روز و شب خود حقد و کینه‌ای از کسی به دل نداشته باشی چنین کن، زیرا این از سنت من است، و هر که سنت مرا زنده کند مرا زنده کرده، و هر که مرا زنده کند در بهشت با من خواهد بود. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۶، (۱)

۳ آداب و سنن آن حضرت در نظافت و آرایش و مانند آن

اشاره

(۲) ۸۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می‌خواست موی سر و محاسن خود را بشوید با سدر می‌شست.
 (۳) ۸۷. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله موی خود را شانه می‌زد و بیشتر اوقات آن را با آب صاف و مرتب می‌کرد، و می‌فرمود: آب برای خوشبو کردن مؤمن کافی است.
 (۴) ۸۸. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه: «نزد هر مسجدی زینت کنید (۱)» فرمود:

مراد از زینت شانه‌زدن است؛ زیرا شانه‌زدن روزی را جلب می‌کند، موی را نیکو و حاجت

را بر آورده می‌سازد؛ بر قوت مردانگی می‌افزاید و بلغم را برطرف می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله زیر محاسن خود را چهل بار و روی آن را هفت بار شانه می‌زد، و

(۱) اعراف / ۳۱

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۷. می‌فرمود: این کار حافظه را زیاد می‌کند و بلغم را از بین می‌برد. (۱) ۸۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گرفتن از موی شارب به حدی که خط لب آشکار شود از سنت است. (۲) ۹۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مجوس (زرتشتیان) ریش خود را می‌تراشند و سبیل را پر پشت می‌گذارند، و ما سبیل خود را می‌زنیم و ریش خود را بلند می‌گذاریم.

(۳) ۹۱. روایت است که دفن کردن مو و ناخن و خون از سنت است.

(۴) ۹۲. امام صادق علیه السلام فرمود: گرفتن ناخن‌ها از سنت است.

(۵) ۹۳. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام از خضاب کردن (رنگ کردن موی سر

و صورت) پرسید، آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خضاب می‌کرد،

و اکنون موی خضاب شده آن حضرت نزد ماست.

(۶) ۹۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله و حسین بن علی و امام باقر علیهم السلام با رنگ

مخصوصی به نام «کتَم» (برگ نیل، وسمه) خضاب می‌کردند، و امام سجاد علیه السلام

با حنا و کتَم خضاب می‌نمود.

(۷) ۹۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله نوره می‌کشید، و تا حدی که لنگ به کمر بسته

بود دیگری برای آن حضرت نوره می‌مالید و آن مقدار را که زیر لنگ پوشیده بود خود

نوره می‌کشید.

(۸) ۹۶. امام صادق علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله موهای زیر ناف و میان پاها را در هر جمعه نوره می کشید.
 (۹) ۹۷. امام صادق علیه السلام فرمود: نوره کشیدن در هر پانزده روز یک بار سنت است. و اگر کسی بیست روز بر او بگذرد و پول نداشته باشد، به ضمانت خداوند قرض کند و نوره بکشد. و هر که چهل روز بر او بگذرد و نوره نکشد نه مؤمن است و نه کافر، و ارج و قربی ندارد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۸
 (۱) ۹۸. علی علیه السلام فرمود: زدن موی زیر بغل، بوی گند را از انسان دور می کند، و آن نظافت و سنتی است که پیامبر پاک صلی الله علیه و آله به آن دستور داده است.
 (۲) ۹۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به بستر خواب می رفت با «سنگ سرمه» سرمه می کشید و عدد آن را طاق قرار می داد (سه یا پنج یا هفت بار).

(۳) ۱۰۰. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از خواب سرمه می کشید، چهار بار به چشم راست و سه بار به چشم چپ.
 (۴) ۱۰۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله سه بار به چشم راست و دو بار به چشم چپ سرمه می کشید... و آن حضرت سرمه دانی داشت که هر شب با آن سرمه می کشید، و سرمه اش سنگ سرمه بود (که آن را نرم کنند و به چشم کشند).
 (۵) ۱۰۲. امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله سرمه دانی داشت که هر شب هنگام خواب سه میله از آن به هر یک از چشمهای خود می کشید.
 «۱»

(۶) ۱۰۳. امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز از اخلاق پیامبران است: عطر زدن، تراشیدن موی سر با تیغ، ازاله موی بدن با نوره، و کثرت آمیزش جنسی. «۲»
 (۷) ۱۰۴. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مشکدانی داشت

که بلافاصله پس از وضو با همان دست تر آن را می‌گرفت و خود را خوشبو می‌ساخت، و چون از خانه بیرون می‌شد مردم از بوی خوش آن می‌دانستند که آن حضرت آمده است.

(۸) ۱۰۵. طبرسی گوید: هیچ گاه عطری به آن حضرت تعارف نمی‌شد مگر آنکه خود را به آن معطر می‌ساخت و می‌فرمود: بویش خوش و حمل کردنش آسان است. و اگر [به جهت عذری] از آن عطر استفاده نمی‌کرد انگشت مبارک را در ظرف عطر می‌کرد و سر انگشت را به آن می‌آمیخت.

(۱) اختلاف اخبار در تعداد سرمه کشیدن آن حضرت نشان می‌دهد که در هر وقتی به گونه‌ای عمل می‌کرده است. بنا بر این اصل سرمه کشیدن در هنگام خواب سنت است نه تعداد خاص آن. (مؤلف ره)

(۲) روایات در این باره فراوان است، پاره‌ای در گذشته ذکر شد، و پاره‌ای هم در آینده ذکر خواهد شد. (مؤلف ره)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۹

(۱) ۱۰۶. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله با «عود قماری» خود را بخور می‌داد.

(۲) ۱۰۷. در ذخیره المعاد گوید: محبوبترین عطرها نزد آن حضرت مشک بود.

(۳) ۱۰۸. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بیش از مقداری که خرج خوراک می‌کرد خرج عطر می‌نمود.

(۴) ۱۰۹. امام صادق علیه السلام فرمود: عطر زدن به شارب از اخلاق پیامبران و احترام به فرشتگان نویسنده اعمال است.

(۵) ۱۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود: بر هر مکلفی لازم است که در هر جمعه شارب و ناخنهای خود را بگیرد و مقداری عطر مصرف کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله

چون جمعه فرا می‌رسید و عطری نزد او نبود برخی از روسری‌های زنان خود را [که معطر بود] می‌گرفت و با آب نم می‌زد و به صورت خود می‌گذاشت. (۶) ۱۱۱. شیخ صدوق گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون روز جمعه فرا می‌رسید و عطری پیدا نمی‌کرد، لباسی را که با زعفران رنگ شده بود می‌خواست و بر آن آب می‌پاشید، آن‌گاه آن را به دست و صورت خود می‌کشید. (۷) ۱۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود: چون در روز عید فطر برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و اول به زنان خود می‌داد. (۸) ۱۱۳. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه عطر و حلوا را رد نمی‌کرد.

(۹) ۱۱۴. غزالی در شمار اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله گوید: آن حضرت عطریات را دوست داشت، و از بوی‌های ناخوش بدش می‌آمد «۱». (۱۰) ۱۱۵. طبرسی گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله روغن زدن به مو را دوست می‌داشت، و از ژولیدگی بدش می‌آمد، و می‌فرمود: روغن زدن غم و پریشانی را بر طرف می‌کند.

(۱۱) ۱۱۶. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از انواع روغن‌ها استفاده می‌کرد و پیش از محاسن، سر را روغن می‌زد، و می‌فرمود: باید سر پیش از محاسن روغن زده شود.

(۱) از محتوای این اخبار به دست آمد که آن حضرت از انواع عطر استفاده می‌کرده است (مؤلف).

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۰
 (۱) ۱۱۷. و نیز گوید: آن حضرت بیشتر با «روغن بنفشه» روغن می‌زد، و می‌فرمود: این روغن بهترین روغن‌هاست.

(۲) ۱۱۸. و نیز گوید: آن حضرت اول ابروان خود را روغن می‌زد و بعد شارب را، آن‌گاه روغن را به داخل بینی می‌برد و می‌بوید، سپس موی سر را روغن می‌زد. (۳) ۱۱۹. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای رفع سر درد، ابروان خود را روغن می‌زد، و شارب خویش را با غیر روغنی که به محاسن مالیده بود روغن می‌مالید.

ملحقات

(۴) ۸۸ حضرت رضا علیه السلام فرمود: یکی از اخلاق پیامبران نظافت کردن است. (۵) ۸۹ امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز از سنن پیامبران است: عطر زدن، مسواک کردن، آمیزش با همسران و با حنا رنگ کردن. (۶) ۹۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله فراوان عطر مصرف می‌نمود تا آنجا که عطر، رنگ محاسن و موی سر آن حضرت را به زردی تغییر می‌داد. (۷) ۹۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله شانه می‌زد و سر خود را با شانه مرتب می‌کرد، ... و بسا در روز دو بار محاسن خود را شانه می‌زد، و پس از شانه زدن شانه را زیر تشک خود می‌نهاد.

(۸) ۹۲ عمرو بن ثابت گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم چنین روایت کنند که فرق باز کردن در موی سر از سنت است. امام با تعجب فرمود: از سنت است؟! گفتم: گمان مردم آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرق باز می‌کرد. حضرت فرمود: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرق باز نکرد و پیامبران هم موی سرشان را چندان بلند نمی‌کردند [که محتاج فرق باز کردن باشند]. (۹) ۹۳ ایوب بن هارون گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله از آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۱ میان موی سر خود فرق باز می‌کرد؟ فرمود: نه، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله هر

گاه موی سرش بلند می شد تا نرمه گوش می رسید [و چندان بلند نبود که بخواهد فرق باز کند].

(۱) (۹۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام تراشیدن موی سر از جلو سر شروع می کرد، زیرا این از سنن پیامبران علیهم السلام است.
(۲) (۹۵) ابو بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فرق باز کردن در موی سر از سنت است؟ فرمود: نه، گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز فرق سر را باز کرد؟

آری، گفتم: چگونه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرق باز می کرد در حالی که از سنت نیست؟! فرمود: هر که در شرایطی که رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت قرار گیرد و مانند آن حضرت فرق باز کند به سنت او عمل کرده است و آلا نه. گفتم: چگونه؟ فرمود: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله [در سال ششم هجرت] برای عمره احرام بست و قربانی همراه برد ولی توسط کفار مکه از رفتن به مکه باز داشته شد، خداوند رؤیایی را به او نمود که در قرآن کریم از آن یاد کرده و فرموده: «همانا خداوند رؤیای رسول خود را به حق راست آورد که به خواست خدا با امنیت کامل به مسجد الحرام در خواهید آمد در حالی که سر تراشنده و ناخن گیرنده باشید و هیچ بیمی نداشته باشید.»
(۱) از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله دانست که خداوند به آنچه به او نموده وفا خواهد کرد [و در آینده نزدیک به سلامت وارد مکه معظمه خواهد شد]. به همین دلیل از زمانی که احرام بسته بود موی سرش را نزد و آن را بلند نمود تا در مکه هنگام عمره بتراشد چنان که خداوند وعده فرموده بود، [لذا به ناچار به خاطر بلندی موی سر را باز می کرد]. اما پس از انجام عمره که آن را تراشید دیگر موی سرش را بلند نکرد و نه پیش از آن زمان موی سر خود را بلند می گذاشت [تا محتاج به باز کردن فرق باشد].
(۳) (۹۶) حفص اعور گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا خضاب کردن محاسن و سر از سنت است؟ فرمود: بلی ...

- (۱) فتح / ۲۷.
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۲،
- (۱) ۹۷) عایشه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور می داد هفت چیز از اجزاء بدن انسان را دفن کنند: مو، ناخن، خون، چیزی که ایام حیض از زن خارج می شود، بچه دان، دندان و خون بسته شده هنگام سقط جنین.
- (۲) ۹۸) عبد الله بن ابی یعفر گوید: ما در مدینه بودیم که زراره با من در باره کردن یا تراشیدن موی زیر بغل به بحث پرداخت. من گفتم: تراشیدن آن بهتر است و زراره گفت: کردن آن بهتر است. با هم به در خانه امام صادق علیه السلام رفته، اجازه ورود خواستیم و حضرت به ما اجازه داد. پس از ورود دیدیم که حضرت در حمام است و زیر بغلهايش نوره کشیده است. به زراره گفتم: همین [عمل امام] تو را کافی است؟ گفت: نه، شاید این عمل مخصوص آن حضرت باشد و برای من جایز نباشد. حضرت فرمود: چه بحثی دارید؟ گفتم: زراره با من در باره کردن یا تراشیدن موی زیر بغل به بحث پرداخته است، من گویم: تراشیدن آن بهتر است و او گوید: کردن آن بهتر است. حضرت فرمود: سخن تو مطابق سنت است و زراره از راه سنت به خطا رفته؛ تراشیدن آن از کردن بهتر است، و ازاله آن با نوره از تراشیدن بهتر ...
- (۳) ۹۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حبیبم جبرئیل به من گفت: یک روز در میان خود را معطر ساز، و در روزهای جمعه هرگز آن را ترک مکن.
- (۴) ۱۰۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی، بر تو باد که هر جمعه خود را خوشبو کنی، زیرا که این از سنت من است و تا زمانی که بوی آن از تو شنیده شود برای تو حسنه می نویسند.
- (۵) ۱۰۱) انس گوید: هر گاه به رسول خدا صلی الله علیه و آله گیاه خوشبویی تقدیم می شد آن را می بوید و به صاحبش باز می گرداند، مگر مرزنجوش (۱) را که پس از

بویدن

باز

نمی گرداند.

- (۱) مرزنجوش: گیاهی است خوشبو، دارای شاخه‌های بلند، برگهای آن باریک و شبیه گوش موش است و خط و خال معشوق را به آن تشبیه کنند. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۳
- (۱) (۱۰۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جمعه پیش از خارج شدن برای نماز، ناخنهای خود را می‌گرفت و شاربش را کوتاه می‌کرد.
- (۲) (۱۰۳) مردی نصرانی گوید: از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: کدام هدیه نزد آن حضرت از همه محبوبتر است؟ گفتند: عطر نزد آن حضرت از همه چیز محبوبتر است و رغبت زیادی به آن دارد.
- (۳) (۱۰۴) امام کاظم علیه السلام فرمود: پنج چیز در سر و پنج چیز در بدن از سنت است. اما آنچه در سر است مسواک کردن، گرفتن شارب، فرق باز کردن در موی سر، مضمضه و استنشاق است «۱». اما آنچه در بدن است عبارت است از: ختنه کردن، زدودن موی زیر شکم، زدودن موی زیر بغل‌ها، گرفتن ناخنها و طهارت گرفتن.
- (۴) (۱۰۵) حضرت رضا علیه السلام فرمود: بر شما باد به سنتهای روز جمعه و آن هفت چیز است: آمیزش با همسران، شستن سر و محاسن با گل ختمی، گرفتن شارب، گرفتن ناخن‌ها، عطر زدن «۲».

(۵) (۱۰۶) تکرار روایت (۱۰۲) است.

(۶) (۱۰۷) تکرار روایت (۹۹) است.

(۷) (۱۰۸) امام صادق علیه السلام فرمود: صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد در روز

جمعه هزار مرتبه، و در غیر روز جمعه صد مرتبه از سنت است ...

(۱) مضمضه: شستن دهان. استنشاق: شستن بینی.

(۲) در اینجا پنج چیز شمرده شده، و در کتاب فقه الرضا علیه السلام تغییر لباس (لباس تمیز پوشیدن) و غسل هم ذکر شده است. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۴، (۱)

۴ آداب و سنن آن حضرت در سفر و لواحق آن

اشاره

(۲) ۱۲۰. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روز پنجشنبه مسافرت می کرد «۱».

(۳) ۱۲۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام سفر پنج چیز را با خود برمی داشت: آینه، سرمه دان، شانه، مسواک و قیچی.

(۴) ۱۲۲. ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان راه می رفت که ناتوان و کسل به نظر نمی رسید «۲».

(۵) ۱۲۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار شدن بر درازگوشی را که فقط پالانی روی آن انداخته باشند دوست داشت.

(۶) ۱۲۴. حضرت رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر حج خود صبحگاهان که از منی حرکت فرمود از راه «ضب» آمد و هنگام بازگشت از راه میان مشعر و

(۱) احادیث در این معنی فراوان است. (مؤلف)

(۲) در احادیث چندی گذشت که آن حضرت هنگام راه رفتن کمی به جلو تمایل داشت گویی از سرایشی فرود می آید. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۵،

عرفه برگشت. و به طور کلی آن حضرت از راهی که می‌رفت از همان راه باز نمی‌گشت.

(۱) ۱۲۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می‌خواست به جنگ رود، مقصد خود را طوری بیان می‌داشت که کسی به آن پی نبرد.

(۲) ۱۲۶. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر هر گاه از بلندی سرازیر می‌شد «سبحان الله» می‌گفت، و چون به بلندی بالا می‌رفت «الله اکبر» می‌گفت.

(۳) ۱۲۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر از منزلی به منزل دیگر کوچ نمی‌کرد جز آنکه در آن منزل دو رکعت نماز می‌گزارد و می‌فرمود: می‌خواهم این مکان برایم به نماز خواندن گواهی دهد.

(۴) ۱۲۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام وداع با مؤمنانی که عازم سفر بودند می‌فرمودند:

خداوند تقوا را توشه شما کند، شما را با هر خیری مواجه سازد، همه حاجاتتان را برآورد، دین و دنیای شما را برایتان سالم بدارد و شما را سالم به من باز گرداند.

(۵) ۱۲۹. امام صادق علیه السلام با مردی خداحافظی کرد و در حق وی چنین دعا فرمود: «دین و امانت را به خدا سپردم، خداوند تقوا را توشه تو کند، و هر جا رو کنی با خیرت مواجه سازد.» سپس رو به حاضران کرد و فرمود: این بود وداع رسول خدا صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام هر گاه که وی را به جایی روانه می‌ساخت «۱».

(۶) ۱۳۰. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به کسانی که از سفر مکه بازمی‌گشتند می‌فرمود: «خداوند اعمال حجّ تو را قبول کند، گناهت را بیامزد، و آنچه به خرج کرده‌ای به تو باز گرداند.»

(۱) روایات در دعا‌های آن حضرت در هنگام وداع مختلف است و اختلافات زیادی دارند، ولی در همه آنها دعا به سلامتی و غنیمت نهفته است. (مؤلف) آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۶

ملحقات

- (۱۰۹) (این شماره در متن از قلم افتاده).
- (۱) (۱۱۰) امام صادق علیه السلام به محمد بن ابی الکرّام فرمود: من دوست دارم که روز پنجشنبه برای سفر بیرون شوی، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که می‌خواست به جنگ دشمن رود در این روز بیرون می‌شد.
- (۲) (۱۱۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که می‌خواست سفر کند میان زنان خود قرعه می‌کشید [و به قید قرعه یکی از آنان را با خود همراه می‌برد].
- (۳) (۱۱۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست نداشت کسی بدون همسفر مسافرت کند.
- (۴) (۱۱۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از سنت است که چون گروهی به سفر روند زاد و توشه خویش را با خود بردارند، زیرا این کار سبب دلخوشی و دلگرمی و خوش خلقی آنان خواهد بود.
- (۵) (۱۱۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسافرتها چند چیز از او جدا نبود: شیشه روغن (که سر و موی خود را روغن زند)، سرمه‌دان، قیچی، مسواک، شانه، نخ و سوزن خیاطی، درفش کفاشی، بند چرمی کفش. و آن حضرت در سفر لباسش را می‌دوخت و کفش خود را پینه می‌زد.
- (۶) (۱۱۵) انس بن مالک گوید: هیچ گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد سفر نمی‌کرد جز آنکه هنگام برخاستن از جا می‌گفت: «خدایا به یاری تو سفر می‌کنم، و به

سوی تو روی می آورم، و به دامن رحمت تو چنگ می زنم، تو پشتیبان و نقطه امید منی. خداوندا، مرا در آنچه برایم مهم است و آنچه مهم نمی شمارم و آنچه که تو خود بهتر از من می دانی کفایت کن. خدایا، تقوا را توشه من کن و گناهم را بیامرز، و به هر سو رو کنم مرا با خیر مواجه ساز». این دعا را می خواند و برای سفر بیرون می شد. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۷

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسافرت ها سریع راه می پیمود و چون به راه پهنآوری می رسید بر سرعت خود می افزود.

(۲) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون می خواست با مسافری وداع کند دست او را می گرفت (سپس به آنچه در نظر داشت در حق او دعا می کرد).

(۳) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله عصایی داشت که ته آن آهن نوک تیزی قرار داشت، بر آن تکیه می کرد و روزهای عید [فطر و قربان] و در سفرها آن را همراه می برد و در نماز جلو خود می نهاد [تا حریم نمازش باشد].

(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عصا برداشتن نشانه مؤمن و سنت پیامبران است «۱».

(۵) بر عصا تکیه کردن از اخلاق پیامبران علیهم السلام است.

(۶) کعب بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از سفر باز نمی گشت مگر هنگامی که روز بر آمده باشد.

(۷) سنت آن است که مسافر برای استراحت فرود نیاید مگر هنگامی که هوا مقداری گرم شده باشد؛ و باید بیشتر سیرش در شب باشد.

(۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفرها هر گاه اول شب می خوابید دستش را دراز می کرد و ساق دست را زیر سر می نهاد. و هر گاه در آخر شب می خوابید دستش را بلند می کرد و سر مبارکش را روی کف دست می نهاد.

(۹) (۱۲۴) سنت آن است که از منازل صبح زود حرکت کنند و آغاز سفر روز پنجشنبه باشد.

(۱۰) (۱۲۵) در سفرها همراه بردن مشک آب و امثال آن از سنت است.

(۱) گفته‌اند: عصا به دست گرفتن نشانه سفر رفتن است، و عصا به دست گرفتن مؤمن نشانه آن است که وی آماده سفر آخرت است و زاد و توشه آن را تهیه دیده است. یا آنکه عصا داشتن نشانه ضعف است و به دست گرفتن عصا برای اظهار تواضع و فرو کاستن تکبر است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۸
(۱) (۱۲۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از جنگ یا سفر حج بازمی گشت به هر

بلندی از زمین می رسید سه بار
«الله اکبر»

می گفت و این دعا را می خواند:
لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد، یحیی و یمیت، و هو علی کل شیء قدير.

آبون عابدون ساجدون ربنا حامدون. صدق الله وعده، و نصر عبده، و هزم الاحزاب وحده.

«معبودی جز الله نیست که یگانه و بی شریک است، فرمانروایی و ستایش ویژه اوست، زنده می کند و می میراند و بر هر چیزی تواناست. ما باز گردنده به سوی پروردگاران، و پرستشگر و سجده کننده و ستاینده پروردگاران هستیم. خداوند به وعده اش وفا کرد، بنده اش را یاری داد و خود به تنهایی احزاب کفر را درهم شکست.»

(۲) (۱۲۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که از سفر بازمی گشت نخست به

مسجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌خواند سپس به خانه در می‌آمد. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۹ (۱)

۵ آداب و سنن آن حضرت در لباس

اشاره

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ۵۶۹ آداب و سنن آن حضرت در لباس (۲) ۱۳۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر نوع لباسی که دسترسی داشت می‌پوشید از روپوش و عبا و پیراهن و جبه و امثال آن. و از لباس سبز خوشش می‌آمد، و بیشتر لباسهای سفید بود، و می‌فرمود: زندگان خود را سفید بپوشانید و مردگانتان را در آن کفن کنید. آن حضرت چه در جنگ و چه در غیر جنگ لباس لایه‌دار می‌پوشید. و قبایی از سندس «۱» داشت که چون به تن می‌کرد رنگ سبز آن بر سپیدی روی حضرتش غلبه داشت و روی هم رفته زیبا جلوه می‌نمود. بلندی لباسهای آن حضرت تا بالای قوزک پاها بود، و روپوشی که به تن می‌کرد از آن کوتاه‌تر بود و تا نصف ساق پا می‌رسید. همیشه میان کمر را می‌بست و بسا در حال نماز و غیر نماز آن را می‌گشود. آن حضرت روپوشی داشت که با زعفران رنگ شده بود و بسا که با همان یک پوشش با مردم نماز جماعت

(۱) سندس: دیا و ابریشم لطیف. و در اینجا منظور ابریشم ناخالص است، زیرا پوشیدن ابریشم خالص برای مردان حرام است. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۰، می‌گذاشت. و گاهی تنها یک عبا به تن داشت. و نیز عبا کهنه وصله‌داری داشت که آن را می‌پوشید و می‌فرمود: من بنده‌ام و لباس

بندگان می پوشم. و دو جامه داشت مخصوص روزهای جمعه، غیر از لباسهای دیگری که در غیر جمعه می پوشید. و بسا که فقط یک روپوش بدون لباسهای دیگر به تن می کرد، و دو طرف آن را میان دو شانه خود گره می زد و با همان لباس با مردم بر جنازه ها نماز می خواند. و بسا همان روپوش را به خود می پیچید و آن را از چپ و راست بر دوش می افکند و با آن در خانه خود نماز می خواند و این لباسی بود که در همان روز در آن مجامعت کرده بود. گاهی در همان ازار نماز شب می خواند، یک طرف پارچه را به روی خود و طرف دیگرش را به روی بعضی از زنان خود می انداخت و به این ترتیب در آن نماز می خواند.

(۱) آن حضرت عبای سیاه رنگی داشت که به کسی بخشید. امّ سلمه گفت: پدر و مادرم فدایت! آن عبای سیاه چه شد؟ فرمود: آن را [به برهنه ای] پوشاندم. امّ سلمه گفت: هرگز چیزی زیباتر از سفیدی شما بر سیاهی آن عبا ندیدم. انس گوید: بسا آن حضرت در قطیفه ای که دو طرف آن را [پشت گردن] گره زده بود با ما نماز ظهر می خواند. و آن حضرت انگشتر به دست می کرد ... و با همان انگشتر نامه ها را مهر می کرد، و می فرمود: مهر کردن نامه ها بهتر از ایجاد شک و تهمت است. آن حضرت شب کلاه به سر می گذاشت، گاه زیر عمامه و گاه بدون عمامه. و گاهی آن را از سر بر می داشت و جلوی خود به عنوان حریم نماز می نهاد و به سوی آن نماز می خواند. و بسا عمامه نداشت و شال را بر سر و پیشانی می بست. عمامه ای داشت به نام سحاب و آن را به علی علیه السلام بخشید. بسا بود که علی علیه السلام با آن عمامه می آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: علی در سحاب نزد شما آمد. همیشه لباس را از طرف راست می پوشید و چنین می خواند:

الحمد لله الذی

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۱

کسانی ما اواری به عورتی، و اتجمل به فی الناس «سپاس و ستایش خدایی را که بر من جامه‌ای پوشانید که با آن شرمگاهم را بپوشانم و آراسته در میان مردم ظاهر شوم.» و چون لباس را در می‌آورد از سمت چپ بیرون می‌آورد.

چون لباس نو می‌پوشید، لباسهای کهنه را به فقیر می‌داد و می‌فرمود: هیچ مسلمانی نیست که لباس کهنه خود را فقط برای رضای خدا به فقیری بپوشاند مگر آنکه در پناه و خیر خداوند خواهد بود تا زمانی که آن لباس بر تن فقیر است، خواه بخشنده لباس زنده باشد یا مرده.

(۱) تشکی از پوست داشت که با لیف خرما پر شده بود و طول آن حدود دو ذراع و عرض آن حدود یک ذراع و یک وجب بود. و نیز عبایی داشت که هر جا می‌رفت آن را دو تا کرده به زیر آن حضرت می‌انداختند. و نیز روی حصیر بدون آنکه چیز دیگری زیر خود بیندازد می‌خوابید.

از اخلاق آن جناب این بود که چهارپایان و اسلحه و اثاث خود را نامگذاری می‌نمود. نام پرچمش عقاب، و نام شمشیرش که با آن در جنگها حاضر می‌شد ذو الفقار، و نام شمشیرهای دیگرش مخدم، رسوب و قضیب بود.

قبضه شمشیرش به نقره آراسته بود، و کمربندی که می‌بست از چرم بود و سه حلقه نقره در آن بود. کمانش کتوم، و جعبه تیرش کافور نام داشت. نام شتر آن حضرت قصوی بود که به آن عضباء می‌گفتند. و نام استرش دلدل، و دراز گوشش یعفرور، و گوسفندی که از شیر آن می‌آشامید عینه بود.

آن حضرت سبویی از سفال داشت که با آب آن وضو می‌گرفت و از آن می‌نوشید، و مردم کودکان خردسال خود را که خوب و بد را می‌فهمیدند می‌فرستادند و آنان داخل منزل آن حضرت می‌شدند بدون آنکه کسی مانع آنها شود، آن گاه اگر در آن سبو آبی می‌یافتند می‌آشامیدند و برای تبرک بر صورت و بدن خود می‌مالیدند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۲،
 (۱) ۱۳۲. روایت شده که عمامه آن حضرت به اندازه‌ای بود که سه دور یا پنج دور به سرش می‌پیچید.

(۲) ۱۳۳. روایت است که آن حضرت عمامه سیاهی داشت که به سر می‌بست و در آن نماز می‌خواند.

(۳) ۱۳۴. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله شب کلاه‌های راه راه به سر می‌نهاد... و زرهی داشت به نام ذات الفضول که دارای سه حلقه از نقره بود، یکی در جلو و دو تا در پشت...

(۴) ۱۳۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله شمله و نمره «۱» به خود می‌پیچید، اما نمره از آن جهت که خطوط سیاه آن بر سفیدی ساقها و قدمهای نمایان آن حضرت قرار می‌گرفت بر اندام او زیبا می‌نمود.

(۵) ۱۳۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک لباس گشاد نماز می‌خواند.

(۶) ۱۳۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله دو برد (جامه راه راه) (عبای پشمی سیاه) داشت که فقط در حال نماز می‌پوشید، و امتش را به نظافت ترغیب می‌نمود و به آن دستور می‌داد.

(۷) ۱۳۸. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: لباس پنبه بپوشید که لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله از پنبه بود و لباس ما اهل بیت نیز از پنبه است.

(۸) ۱۳۹. علی علیه السلام فرمود: لباس پنبه بپوشید که آن لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. و آن حضرت لباس موین و پشمین نمی‌پوشید مگر آنکه علت و ضرورتی پیدا می‌شد «۲».

(۹) ۱۴۰. آن حضرت کمربندی داشت از چرم دباغی شده که در سر آن قلاب

(۱) شمله لباسی است کوچکتر از قطیفه. و نمره لباسی است از پشم که دارای خطوط

سفید و سیاه می‌باشد.

(۲) از این خبر معنای آنچه در باب معاشرت آن حضرت گذشت که لباس پشمینه می‌پوشید روشن می‌شود که حضرت در حال ضرورت لباس پشمینه می‌پوشیده است، بنا بر این منافاتی میان این اخبار نیست. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۳

داشت و طرف دیگرش از نقره بود. و همچنین سه حلقه نقره‌ای در آن بود. و نیز آن حضرت قدحی داشت که به سه قطعه از نقره بند زده شده بود.

(۱) ۱۴۱. علی علیه السلام فرمود: ته غلاف و قبضه شمشیر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله از نقره بود و ما بین آن دو نیز با حلقه‌هایی از نقره مزین بود.

(۲) ۱۴۲. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله عصایی داشت که در ته آن آهن نوک تیزی بود و بر آن تکیه می‌کرد و روزهای عید فطر و عید قربان آن را با خود می‌برد و در نماز جلوی خود می‌گذاشت.

(۳) ۱۴۳. امام صادق علیه السلام فرمود: انگشتر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله از نقره بود.

(۴) ۱۴۴. امام صادق علیه السلام فرمود: نگین انگشتر باید گرد باشد و انگشتر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله نیز همین گونه بود.

(۵) ۱۴۵. امام صادق علیه السلام فرمود: نقش نگین انگشتر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله

«محمد رسول الله»

بود.

(۶) ۱۴۶. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله دو انگشتر داشت که یکی «لا اله الا الله، محمد رسول الله»

و «صدق» بر دیگری
 «اللَّهِ»

نقش شده بود.

(۷) ۱۴۷. حضرت رضا علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله، امیر مؤمنان، امام حسن، امام حسین و سایر امامان علیهم السّلام انگشتر به دست راست می کردند. مؤلف: کلینی در کافی انگشتر به دست راست کردن رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و نیز نقش خاتم آن حضرت را با اندک اختلافی نقل کرده و شیخ صدوق در کتابهای خود و دیگران نیز همانها را نقل کرده‌اند. و نیز کلینی روایت کرده که علی و حسن و حسین و برخی از امامان بعد علیهم السّلام انگشتر به دست چپ می کردند ولی این روایات با هم منافات ندارند، زیرا یا می‌خواستند بیان کنند که انگشتر به هر یک از دستها کردن جایز است، یا آنکه زمانهای مختلف چنین اقتضایی داشته (مثلاً از روی تقیّه انگشتر به دست چپ می کردند). اما در باره پیامبر صلّی اللّٰه علیه و آله روایت نشده که انگشتر

به دست چپ

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۴ کرده باشد. البته در کافی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که «رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله جز اندک زمانی انگشتر به دست نکرد» (که شاید منظور آن بوده که مدت کمی انگشتر به دست چپ کرد و سپس آن را ترک نمود). به هر حال منظور ما در این کتاب بیان برخی از اوصاف انگشتر آن حضرت است. (۱) ۱۴۸. علی علیه السّلام فرمود: پیامبران پیراهن را پیش از شلوار به تن می کنند.

(۲)

- (۳) (۱۲۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفارشهای خود به ابو ذر فرمود: ای ابا ذر، من لباس زبر و خشن به تن می کنم، روی زمین می نشینم، انگشتان خود را پس از غذا خوردن می لیسم، و بر الاغ بی پالان سوار می شوم و دیگری را نیز در ردیف خود سوار می کنم، پس هر که از سنت من روی گرداند از من نیست.
- (۴) (۱۲۹) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله شب کلاهی که سفید و راه راه بود به سر می نهاد، و در جنگ کلاهی که دو گوش مانند داشت.
- (۵) (۱۳۰) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از پوشاک سیاه کراحت داشت مگر سه چیز: عمامه، کفش و عبا.
- (۶) (۱۳۱) امام باقر علیه السلام فرمود: از سنت است که هنگام کفش پوشیدن اول پای راست را در کفش کنند، و هنگام در آوردن اول پای چپ را در آورند.
- (۷) (۱۳۲) امام صادق علیه السلام فرمود: هنگام غذا خوردن کفشهای خود را از پا در آورید، زیرا هم پاهای شما راحت تر می شود و هم سنت نیکویی است.
- (۸) (۱۳۳) امام صادق علیه السلام فرمود: پوشیدن کفش سیاه و نعلین زرد از سنت است.
- (۹) (۱۳۴) امام صادق علیه السلام فرمود: کتان از پوشاک پیامبران است.
- (۱۰) (۱۳۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله از لباس سرخ رنگ کراحت داشت.
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۵
- (۱۰) (۱۳۶) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خیمه ای داشت که آن را کنّ «۱» می گفتند.
- (۲) (۱۳۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جمعه برد سرخ رنگ خود را می پوشید و عمامه «سحاب» را بر سر می نهاد. در روز فتح مکه با عمامه سیاهی که بر سر بسته بود وارد مکه معظمه شد. آن حضرت جعبه ای داشت که شانه عاج، سرمه دان، قیچی و مسواکش را در آن می نهاد ... رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که از دنیا رفت یک روپوش زبر یمانی و عبایی که به آن «ملبده» می گفتند بر تن داشت. برای آن حضرت

تختی بود که اسعد بن زراره آن را اهدا کرده بود. منبر آن حضرت سه پله و از چوب «طرفاء» بود که زنی توسط غلام نجار خود به نام میمون ساخته بود. مسجدش مناره نداشت و بلال روی زمین اذان می گفت. (۳) ۱۳۸ امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روپوشی داشت که با گیاهی خوشبو رنگ شده بود و آن را در خانه می پوشید و رنگ آن بر بدن حضرت اثر می گذاشت. (۴) ۱۳۹ امام باقر علیه السلام فرمود: ما در خانه لباس زرد رنگ می پوشیم.

(۱) یعنی سر پناه
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۶
(۱)

۶ آداب و سنن آن حضرت در مسکن

اشاره

(۲) ۱۴۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت در حالی که خشتی بر روی خشتی ننهاد. (۳) ۱۵۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مسجدها مجالس پیامبران است. (۴) ۱۵۱. امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه می خواست در گرمای تابستان از خانه بیرون رود روز پنجشنبه می رفت، و هر گاه می خواست در سرمای زمستان به خانه باز گردد روز جمعه به خانه بازمی گشت. (۵) ۱۵۲. حضرت خدیجه علیها السلام گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که وارد خانه می شد ظرف آب طلب می کرد و برای نماز وضو می گرفت، آن گاه بر می خاست و دو رکعت نماز کوتاه می گذاشت، سپس به بستر خواب می رفت.

(۶) ۱۵۳. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَرَّكَزْ بِرِ دَشْمَنِ شَيْخُونِ نَزْدَ «(۱)».

(۱) مناسبت این حدیث با آداب مسکن و خانه آن است که هیچ گاه پیامبر (ص) شب هنگام که دشمن در منزل یا اردوگاه خواب است بر او حمله نمی کرد. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۷ (۱)

ملحقات

(۲) ۱۴۰. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: خروس سفید دوست من است و دشمن آن دشمن خداست؛ این حیوان صاحبش را و تا هفت خانه از همسایگان را پاسبانی می کند. (انس گوید) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در خانه خود نگاه می داشت.

(۳) ۱۴۱. حضرت رضا علیه السلام فرمود: در خروس سفید پنج صفت از صفات پیامبران وجود دارد: شناختن اوقات نماز، غیرت مردانه، سخاوت، شجاعت و کثرت آمیزش با همسر.

(۴) ۱۴۲. امام صادق علیه السلام فرمود: خانه هیچ پیامبری نبود مگر آنکه در آن کبوتری نگهداری می شد، زیرا سفیهان جنّ با بچه های خانه سر به سر می گذارند، اما وقتی کبوتر در خانه باشد با آنها بازی می کنند و به اهل خانه کاری ندارند.

(۵) ۱۴۳. امام صادق علیه السلام فرمود: در خانه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ یک جفت کبوتر سرخ رنگ بود.

(۶) ۱۴۴. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ کراهت داشت که بدون چراغ وارد خانه تاریک شود.

(۷) (۱۴۵) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست داشت که در زمستان دخول و خروجش از خانه در شب جمعه باشد.
 (۸) (۱۴۶) علی علیه السلام فرمود: از سنت است که چون وارد مسجد شدی رو به قبله بنشینی.

(۹) (۱۴۷) امام صادق علیه السلام فرمود: سقف خانه‌ها را [با عکس‌های حیوانات و صورت جانداران] نقاشی نکنید، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کار کراهت داشت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۸
 (۱)

۷ آداب و سنن آن حضرت در خوابیدن و بستر خواب

اشاره

(۲) ۱۵۴. بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله یک عبا بود و متکایش از پوست که با لیف خرما پر شده بود. شبی همان عبا را دو تا کرده، زیر آن حضرت انداختند. چون صبح بیدار شد فرمود: این بستر دیشب مرا از نماز [شب] باز داشت. از آن پس دستور داد تا زیرانداز او را یک لایه اندازند. و زیرانداز دیگری از پوست داشت که از لیف خرما پر شده بود. و نیز عبایی داشت که به هر جا نقل مکان می کرد آن را دو تا کرده زیر آن حضرت می انداختند.

(۳) ۱۵۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله گاهی روی حصیر می خوابید بدون آنکه زیرانداز دیگری زیر او باشد.

(۴) ۱۵۶. امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از خواب بیدار نشد مگر آنکه بر زمین می افتاد و در برابر خداوند سجده می کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۹،
(۱)

ملحقات

(۲) (۱۴۸) علی علیه السلام فرمود: پیامبران علیهم السلام طاقباز بر پشت می خوابند.
(۳) (۱۴۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله نه زن داشت و همگی یک روانداز داشتند که با گیاه خوشبو و رنگین ورس یا زعفران رنگ شده بود؛ نوبت هر یک که می رسید آن را به خانه او می فرستادند و نم زده می شد تا بویش پخش شود.
(۴) (۱۵۰) علی علیه السلام فرمود: شب زنده داری سبب تندرستی و خشنودی پروردگار و در معرض رحمت حق قرار گرفتن است و تمسک به اخلاق و شیوه پیامبران است.
(۵) (۱۵۱) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به بستر خواب می رفت می گفت:
اللهم باسمک احيی، و باسمک اموت
(خداوندا، به نام تو زنده می گردم و به نام تو می میرم). و چون از خواب بر می خاست می گفت:

الحمد لله الذی احيانى بعد ما اماتنى و اليه النشور
(سپاس و ستایش خدای را که مرا پس از میراندن زنده کرد «۱» و همه پس از مرگ به سوی او زنده و محشور می شوند).
(۶) (۱۵۲) محمد بن مروان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آیا شما را خبر ندهم که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به بستر خواب می رفت چه می گفت؟ من گفتم: چرا، فرمود: آن حضرت آیة الكرسي می خواند و می گفت:
بسم الله، آمنت بالله، و کفرت بالطاغوت، اللهم احفظنى فى منامى و فى يقظتى

۸ آداب و سنن آن حضرت در زناشویی و تربیت فرزند

اشاره

(۲) ۱۵۷. علی علیه السلام فرمود: ازدواج کنید، که ازدواج سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است، زیرا که آن حضرت می فرمود: هر که دوست دارد از سنت من پیروی کند، از جمله سنت من ازدواج است.

(۳) ۱۵۸. حضرت رضا علیه السلام فرمود: سه چیز از سنت پیامبران است: عطر زدن، زدودن موهای زاید بدن و آمیزش زیاد با همسران.

(۴) ۱۵۹. علی علیه السلام فرمود: گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله آمیزش با زنان، غذا خوردن در روز و خوابیدن در شب را بر خود حرام کرده بودند. ام سلمه این موضوع را به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد، آن حضرت به سوی اصحاب آمد و فرمود: آیا به زنان بی رغبت شده‌اید با آنکه من با زنان آمیزش می کنم، و روز غذا می خورم، و در شب می خوابم؟! پس هر که از سنت روی گرداند از من نیست «۱».

(۵) ۱۶۰. امام صادق علیه السلام فرمود: از اخلاق پیامبران دوست داشتن زنان است.

(۱) این معنی در کتابهای شیعه و غیر آنان از طرق بسیاری روایت شده است. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۳

(۱) ۱۶۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روشنی چشم من در نماز، و لذت من در زنان قرار داده شده است.

(۲) ۱۶۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می خواست با زنی ازدواج کند کس می فرستاد تا او را ببیند.

(۳) ۱۶۳. حضرت رضا علیه السلام می فرمود: خداوند شب را و نیز زنان را مایه آرامش قرار داده. و از سنت است در شب ازدواج کردن و طعام دادن.

(۴) ۱۶۴. هارون بن مسلم گوید: به صاحب الدار (امام) عسکری علیه السلام نوشتم: فرزندی برای من به دنیا آمده، سر او را تراشیدم و به وزن موی سرش درهم صدقه دادم. در پاسخ فرمود: وزن کردن موی سر بچه به طلا و نقره جایز نیست، و سنت چنین جاری شده است.

(۵) ۱۶۵. علی علیه السلام فرمود: برای فرزندانان روز هفتم عقیقه کنید، و به وزن موی سرشان نقره به مسلمانی صدقه دهید؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره حسن و حسین و سایر فرزندان این گونه عمل کرد.

(۶)

ملحقات

(۷) ۱۵۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آگاه باشید که بهترین شما کسانی هستند که با زنان خود خوبتر باشند، و من از هر کس با زنان خود خوبترم.

(۸) ۱۵۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ابراهیم خلیل علیه السلام مردی غیرتمند بود، و من از او غیرتمندترم.

(۹) ۱۶۰ امام صادق علیه السلام در بیان داستان موسی پیامبر علیه السلام (که به دنبال دختر شعیب علیه السلام روان شد تا خدمت شعیب برسد) فرمود که موسی به وی گفت: پشت سر من حرکت کن و راه را به من نشان ده، زیرا ما (پیامبران) مردمی هستیم که به پشت

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۴، سر زنان نگاه نمی کنیم.

(۱) ۱۶۱ بکر بن محمد گوید: از امام صادق علیه السلام در باره ازدواج موقت پرسیدم، فرمود: من دوست ندارم که مسلمانی بمیرد در حالی که سنتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله مانده باشد و او بدان عمل نکرده باشد.

(۲) (۱۶۲) ابو قلابه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه با زن باکره ازدواج می کرد هفت روز نزد او می ماند، و هر گاه با زن بیوه ازدواج می کرد سه روز نزد او می ماند.

(۳) (۱۶۳) حضرت رضا علیه السلام فرمود: هنگامی که نجاشی «ام حبیبه دختر ابو سفیان» را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری کرد و به همسری آن حضرت در آورد سوری ترتیب داد و گفت: از سنتهای پیامبران سور دادن در ازدواج است.

(۴) (۱۶۴) ابو قلابه گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله اوقات خود را میان زنان خویش تقسیم می کرد و می گفت: «خداوندا، این قسمتی است که در اختیار من است، پس مرا در آنچه تنها در اختیار توست و در اختیار من نیست سرزنش مکن».

(۵) (۱۶۵) ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجه الوداع زنان خود را همراه برد و در هر شبانه روز نزد یکی از زنانش به سر می برد، و بدین وسیله می خواست میان آنان عدالت را مراعات نماید.

(۶) (۱۶۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله چون نماز صبح را می خواند به یک یک زنان خود سر می زد [و از آنان احوالپرسی می نمود].

(۷) (۱۶۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر بازی و سرگرمی باطل و نارواست مگر سه بازی: تیراندازی، تعلیم اسب و بازی و شوخی با همسر که از سنت است.

(۸) (۱۶۸) امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کرده که فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام بیماری نیز اوقات خود را میان همسران تقسیم می کرد و آن حضرت را به منزل زنی که نوبتش بود انتقال می دادند.

(۹) (۱۶۹) امام باقر علیه السلام فرمود: میمونه (همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله) می گفت:

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۵
پیامبر صلی الله علیه و آله به من در ایام ماهانه ام دستور می داد که لنگی به خود بیچم و

- در بستر در کنار آن حضرت بخوابم.
- (۱) (۱۷۰) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای هیچ یک از دختران و زنان خود بیش از دوازده اوقیه و یک نشّ مهریه قرار نداد. و اوقیه چهل درهم و نشّ بیست درهم است (که مجموعاً پانصد درهم می شود).
- (۲) (۱۷۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله در دعای خود می گفت: اللهم انی اعوذ بک من ولد یكون علیّ ربّاً، و من مال یكون علیّ ضیاعاً، و من زوجة تشیبنی قبل اوان مشیبی.
- «خداوندا، به تو پناه می آورم از فرزندی که بر من حاکم باشد، و از مالی که باعث هلاکت من شود (یا از مالی که مفت از دستم بیرون رود) و از همسری که مرا پیر سازد پیش از آنکه به پیری برسم».
- (۳) (۱۷۲) حضرت رضا علیه السلام فرمود: هیچ فرزندی برای ما خاندان به دنیا نمی آید جز آنکه او را محمد می نامیم، و پس از هفت روز اگر بخواهیم نامش را تغییر می دهیم و اگر نه به همان نام صدا می زنیم.
- (۴) (۱۷۳) پیامبر صلی الله علیه و آله چون صبح می کرد دست نوازش بر سر فرزندان و نوه های خود می کشید.
- (۵) (۱۷۴) امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که فاطمه علیها السلام را به خانه همسرش علی علیه السلام می بردند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل فرود آمدند ... پس آن سه فرشته تکبیر گفتند و فرشتگان دیگر نیز به پیروی آنها تکبیر گفتند؛ از این رو تا روز قیامت تکبیر گفتن در شب زفاف سنت شد.
- (۶) (۱۷۵) علی علیه السلام فرمود: کام فرزندان خود را با خرما بردارید، رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در باره حسن و حسین چنین کرد.
- (۷) (۱۷۶) امام صادق علیه السلام فرمود: هفت چیز در باره نوزاد از سنت است: (۱) نامگذاری، (۲) تراشیدن موی سر او، (۳) در صورت امکان به وزن موی سرش

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۶،
 نقره یا طلا صدقه دادن، (۴) برای او عقیقه کردن، (۵) به سر او زعفران مالیدن، (۶) پاکیزه
 ساختن او با ختنه کردن، (۷) از عقیقه او به همسایگان خوراندن.
 (۱) (۱۷۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ختنه برای مردان سنت است و برای
 زنان کرامت.

(۲) (۱۷۸) امام صادق علیه السلام فرمود: سوراخ کردن گوش پسر بچه از سنت است، و
 ختنه کردن او نیز در روز هفتم از سنت است.

(۳) (۱۷۹) محمد بن زیاد از دی گوید: هنگامی که حضرت رضا علیه السلام به دنیا آمد،
 از موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: این فرزندم ختنه شده و پاک و پاکیزه
 به دنیا آمده است و هیچ یک از امامان متولد نشوند مگر آنکه ختنه شده و پاک و پاکیزه
 باشند، ولی ما برای عمل کردن به سنت نبوی و پیروی کردن از آیین پاک و معتدل
 ابراهیمی، در جای ختنه کودک تیغ می کشیم.

(۴) (۱۸۰) امام باقر علیه السلام فرمود: ما اهل بیت برای فرزندان خود در کودکی آنها
 کنیه «ا» نیکو می گذاریم، مبادا که نامها و القاب زشت روی آنان بگذارند.
 (۵) (۱۸۱) امام صادق علیه السلام فرمود: از سنت است که شخص را به نام پدرش (یا به
 نام پسرش) کنیه بگذارند.

(۶) (۱۸۲) امام صادق علیه السلام فرمود: ما خاندان کودکان خود را چون به سن پنج
 سالگی رسیدند به نماز خواندن دستور می دهیم، شما هم کودکان خود را از هفت سالگی
 امر به نماز خواندن کنید. و ما کودکان خود را در هفت سالگی امر می کنیم به هر اندازه
 که توانایی دارند نصف روز یا بیشتر و یا کمتر روزه بگیرند و هر گاه تشنگی و گرسنگی
 بر آنان غالب آمد افطار کنند. این دستور برای آن است که به روزه گرفتن عادت نمایند
 و طاقت پیدا کنند. شما نیز کودکان خود را در نه سالگی

(۱) کنیه نامی است که برای مردان با «ابو» یا «ابن» و برای زنان با «ام» یا «بنت» شروع می‌شود و برای احترام روی افراد گذاشته می‌شود، مانند ابو القاسم، ابن الفارض، ام سلمه، بنت الشاطی.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۷،
به هر اندازه که می‌تواند امر به روزه گرفتن کنید و چون تشنگی بر آنان غالب آمد افطار کنند.

(۱) (۱۸۳) از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که هر گاه به خانواده‌شان سختی و تنگدستی می‌رسید می‌فرمود: به نماز برخیزید، زیرا پروردگرم مرا به این کار امر کرده است، چنان که فرموده: «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر آن شکبیا باش، ما روزی از تو نمی‌خواهیم بلکه تو را هم ما روزی می‌دهیم، و فرجام نیکو از آن پرهیزگاری است».

(۲) (۱۸۴) از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که چون می‌خواست با بانویی ازدواج کند زنی را نزد او می‌فرستاد و به او می‌فرمود: صفحه گردن او را بو کن، زیرا اگر بوی گردنش پاکیزه بود عرق بدنش نیز پاکیزه خواهد بود ...
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۸،
(۱)

۹ آداب و سنن آن حضرت در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و آداب سفره

اشاره

(۲) ۱۶۶. امام صادق علیه السلام فرمود: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی محبوبتر از این نبود که پیوسته در راه خدا گرسنه و ترسان باشد.
(۳) ۱۶۷. عیص بن قاسم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حدیثی از پدر بزرگوارتان روایت می‌شود که فرموده: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله از زنان

گندم سیر نخورد؛ آیا این مطلب درست است؟ فرمود: نه، بلکه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَرَكَزْ نَانَ گندم نخورد، و از نان جو نیز هرگز سیر نخورد. (۴) ۱۶۸. یکی از پرسشهایی که آن مرد یهودی شامی از امیر مؤمنان علیه السلام کرد آن است که گفت: مردم پندارند که عیسی علیه السلام مردی زاهد بود. علی علیه السلام به او فرمود:

آری، چنین بود و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از همه پیامبران زاهدتر بود، زیرا آن حضرت علاوه بر کنیزهایی که داشت دارای سیزده تن زن (در زمانهای متفاوت) بود، با این حال هیچ گاه سفره‌ای از نزد آن حضرت برچیده نشد که در آن طعامی باقی مانده باشد و آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۹ هرگز نان گندم نخورد و از نان جو نیز سه شبانه روز پیاپی سیر نخورد. (۱) ۱۶۹. علی علیه السلام فرمود: پیامبر پاک و پاکیزه خود را سرمشق قرار ده ... که پهلویش از همه اهل دنیا لاغرتر، و شکمش از همه آنان تهی تر بود ... با شکم خالی از دنیا رخت بربست، و با سلامت به سرای آخرت در آمد. (۲) ۱۷۰. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در حال تکیه دادن غذا نخورد مگر یک بار، آن هم پس از یادآور شدن نشست و گفت: خدایا، من بنده و پیامبر تو هستم. (۳) ۱۷۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از روزی که خداوند او را به پیامبری برانگیخت تا روزی که جان او را گرفت در حال تکیه دادن غذا نخورد.

آن حضرت مانند بردگان غذا می خورد و مانند آنان می نشست. گفتم: چرا چنین می کرد؟ فرمود: برای فروتنی در برابر خدای بزرگ. (۴) ۱۷۲. ابو خدیجه گوید: در مجلسی که من حاضر بودم بشیر دهان از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در حالی که بر دست راست یا چپ تکیه کرده باشد غذا میل می کرد؟ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هیچ گاه در

حال تکیه دادن بر دست راست یا چپ غذا میل نمی کرد، بلکه مانند بردگان می نشست. من گفتم: چرا چنین بود؟ فرمود: برای فروتنی در برابر خدای بزرگ. (۵) ۱۷۳. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند بردگان غذا می خورد و مانند آنان می نشست. و بر زمین پست غذا می خورد و می خوابید. (۶) ۱۷۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون برای غذا خوردن می نشست، زانوها و قدمهای خود را جمع می کرد آن گونه که نمازگزار دو زانو می نشیند، با این فرق که یکی از زانوها و قدمها را روی زانو و قدم دیگر می نهاد، و می فرمود: همانا من بنده ام، مانند بندگان غذا می خورم و مانند آنان می نشینم. (۷) ۱۷۵. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون بر سر سفره می نشست مانند بندگان می نشست و بر ران چپ خود تکیه می کرد. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۰ (۱) ۱۷۶. ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله روی زمین می نشست، و گوسفندان را به دست خود می بست، و دعوت غلامان را برای خوردن نان جو می پذیرفت.

(۲) ۱۷۷. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند بندگان می نشست و دست خود را بر زمین می نهاد (به آن تکیه می کرد «۱»)، و با سه انگشت غذا می خورد. و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین غذا میل می کرد نه مانند جباران که با دو انگشت غذا می خوردند. (۳) ۱۷۸. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از غذا خوردن، انگشتان خود را می لیسید. (۴) ۱۷۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه انار می خورد کسی را در آن شرکت نمی داد.

(۵) ۱۸۰. پیامبر صلی الله علیه و آله از هر گونه غذا میل می کرد، و هر غذایی را که

خداوند برای او حلال کرده بود با خانواده و پیشکاران خود می خورد، و نیز با کسانی که ایشان را دعوت می کردند بر روی زمین و یا هر چه فرش نموده بودند می نشست و از هر غذایی که داشتند با آنان میل می فرمود، مگر آنکه مهمانی برای آنان برسد که با مهمان غذا می خورد. و بهترین غذا نزد آن حضرت غذایی بود که شرکت کنندگان در آن بیشتر باشند.

(۶) ۱۸۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون با مردم غذا می خورد نخستین کسی بود که دست به غذا دراز می کرد و آخرین کسی بود که دست بر می داشت تا مردم هم [شرم نکنند و] غذا بخورند.

(۷) ۱۸۲. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که نزد قومی افطار می کرد

(۱) از این جمله روشن می شود که مسأله تکیه نکردن رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال غذا خوردن غیر از تکیه دادن بر دست بر روی زمین است، بلکه مراد تکیه نکردن بر پشتی و بالش و امثال آن است چنان که رسم پادشاهان و سایر متکبران است. شاهد این مطلب فرمایش امام صادق علیه السلام است که به شخصی که آن حضرت را از تکیه دادن بر دست در حال غذا خوردن نهی کرد، در بار سوم فرمود: به خدا سوگند رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز از چنین چیزی نهی نکرده است. (مؤلف) آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۱

می فرمود: روزه داران نزد شما افطار کردند، نیکان از غذای شما خوردند و برگزیدگان بر شما درود فرستادند و در حق شما دعا کردند.

(۱) ۱۸۳. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: شام پیامبران پس از نماز عشا بوده است، شما نیز شام خوردن را ترک نکنید، زیرا ترک آن باعث خرابی بدن است.

(۲) ۱۸۴. امام صادق علیه السلام فرمود: ظرف طعامی که در آن [علاوه بر سایر غذاها]

- خرما باشد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نیاوردند مگر آنکه از خرما شروع می کرد.
- (۳) ۱۸۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله میان هر دو لقمه حمد خدا می کرد.
- (۴) ۱۸۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خرما می خورد هسته آن را پشت دست می نهاد سپس به سوی پرتاب می کرد.
- (۵) ۱۸۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه شیر می نوشید مضمضه می کرد و می فرمود: شیر چربی دارد.
- (۶) ۱۸۸. وهب بن عبد ربّه گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم خلال می کرد، چون به ایشان نگاه کردم فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خلال می کرد؛ خلال دهان را پاکیزه می کند.
- (۷) ۱۸۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله با هر چه به دستش می رسید خلال می کرد، مگر با برگ درخت خرما و چوب تو خالی گیاهان (زیرا اینها خرد شده، می شکند و لای دندان می ماند).
- (۸) ۱۹۰. پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه آب می نوشید اول «بسم الله» می گفت ... و آب را می مکید و آن را به یک نفس نمی نوشید، و می فرمود: درد کبد از آب را به یک نفس خوردن حاصل می شود.
- (۹) ۱۹۱. ابن مسعود گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام خوردن آب از ظرف آن را با سه نفس می نوشید و در هر نفس «بسم الله» می گفت، و در آخر شکر خدا می نمود.
- (۱۰) ۱۹۲. ابن عباس گوید: دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله با دو نفس آب نوشید. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۲
- (۱) ۱۹۳. علی علیه السلام فرمود: بارها پیامبر صلی الله علیه و آله را زیر نظر گرفتم دیدم

هنگام نوشیدن آب آن را با سه نفس می‌نوشید و در هر نفس
«بسم الله»

می‌گفت و در آخر حمد خدا می‌کرد. از سبب آن پرسیدم، فرمود: یا علی،
«حمد»

برای ادای شکر خدا، و
«بسم الله»

برای ایمنی از درد است.

(۲) ۱۹۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام آب خوردن در ظرف آب نفس

نمی‌کشید، بلکه هر وقت می‌خواست نفس بکشد ظرف را از دهان دور می‌داشت.

(۳) ۱۹۵. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون برای «استشفا» در

آبی دعا می‌خواند ظرف را نزدیک دهان می‌برد و تا آنجا که خدا می‌خواست به آن دعا

می‌خواند ولی در آن آب دهان نمی‌انداخت.

(۴) ۱۹۶. امام باقر علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام ایستاده آب می‌خورد. روزی

از بقیه آب وضوی خویش در حالی که ایستاده بود نوشید، سپس رو به امام حسن علیه

السلام کرد و فرمود: ای پسر کم، جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که چنین

کرد.

(۵) ۱۹۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله خرما می‌خورد و پیه درخت خرما را با خرما

می‌خورد، و می‌فرمود: شیطان - لعنه الله - سخت به خشم می‌آید و می‌گوید: آدمیزاده

زنده ماند تا کهنه را با تازه خورد!

(۶) ۱۹۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون گوشت می‌خورد سر خود را به سوی آن

پایین نمی‌برد، بلکه گوشت را به سوی دهان بالا می‌آورد و آن را به دندان پاره می‌کرد

... و هر گاه گوشت می‌خورد به خصوص دستهای خویش را خوب می‌شست، آن گاه

دست تر را به صورت می‌کشید.

(۷) ۱۹۹. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله هر گونه غذایی را میل می فرمود.
 (۸) ۲۰۰. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله همه نوع غذا را می خورد ... و خیار را با خرما می خورد، و محبوبترین میوه ها نزد آن حضرت هندوانه و انگور بود. هندوانه را با خربزه و گاه با شکر و بسیاری اوقات با خرما میل می کرد ... و در فصل خرما روزه را با خرما افطار

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۳
 می نمود. اکثرا انگور را دانه دانه میل می نمود. آن حضرت پنیر هم می خورد ... و چون خرما می خورد روی آن آب می نوشید و بیشتر خوراکش خرما و آب بود. شیر و خرما و حلیم می خورد. گوشت را از همه چیز بیشتر دوست داشت. کدو را دوست داشت به ویژه کدو حلوایی که آن را زودتر از هر چیز از سینی غذا بر می گرفت. گوشت مرغ و حیوانات وحشی حلال گوشت و پرندگان و نیز نان و روغن و سرکه و کاسنی و ریحان کوهی و کلم نیز میل می کرد.
 (۱) ۲۰۱. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله خیار را با نمک می خورد.
 (۲) ۲۰۲. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله از گوشت پرنده شکار شده می خورد ولی خود در پی شکار نمی رفت و به دست خود شکار نمی نمود و دوست داشت که دیگران برای آن حضرت شکار کنند و بیاورند تا میل کند.
 (۳) ۲۰۳. امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله از گوشت، ماهیچه دست را دوست داشت.
 (۴) ۲۰۴. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله عسل را بسیار دوست داشت.

(۵) ۲۰۵. سلیمان بن جعفر جعفری گوید: بر حضرت امام رضا علیه السّلام وارد شدم و در برابر آن حضرت خرمای برنی بود که با جدّ و اشتهای کامل از آن می خورد، و به من فرمود: ای سلیمان، نزدیک بیا و بخور. من هم با آن حضرت از آن خوردم و عرض

می کردم: فدایت شوم، می بینم از این خرما با اشتهای کامل میل می کنید! فرمود: بلی، من آن را بسیار دوست دارم. گفتم: چرا؟ فرمود: زیرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، امیر مؤمنان، امام حسن، امام حسین، امام زین العابدین، امام باقر، امام صادق و پدرم علیهم السَّلام همه، خرما را بسیار دوست داشتند و من نیز بسیار خرما دوستم و شیعیان ما نیز بسیار خرما دوست اند، زیرا از سرشت ما آفریده شده اند، و دشمنان ما - ای سلیمان - شراب مست کننده را دوست دارند، زیرا آنان از شعله ای از آتش آفریده شده اند. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۴ (۱) ۲۰۶. امام صادق علیه السَّلام فرمود: غذای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نان جو بود - اگر به آن دست می یافت - و حلوائش خرما، و هیزمش چوب درخت خرما بود. (۲) ۲۰۷. امام باقر و امام صادق علیهما السَّلام می فرمودند: روی زمین میوه ای نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ محبوبتر از انار نبود. به خدا سوگند چون آن حضرت انار میل می کرد دوست داشت کسی با او در آن شرکت نکند. (۳) ۲۰۸. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ غذای داغ را نمی خورد تا اینکه سرد شود، و می فرمود:

خداوند به ما آتش نخورانیده است؛ غذای داغ برکت ندارد، پس آن را سرد کنید.

آن	حضرت	هنگام	غذا
آن	حضرت	هنگام	غذا

«بسم الله»

می گفت، و با سه انگشت و از جلو خود غذا می خورد و از جلو کسی دیگر غذا بر نمی داشت. چون غذا می آوردند پیش از دیگران شروع می کرد و سپس دیگران شروع می کردند. و با سه انگشت یعنی شصت و سبابه و انگشت وسط دست غذا می خورد، و گاه از انگشت چهارم کمک می گرفت. گاه هم با تمام کف دست غذا می خورد، ولی با دو انگشت غذا نمی خورد و می فرمود: خوردن با دو انگشت راه و رسم شیطان است. روزی اصحاب آن حضرت فالوده ای آوردند، حضرت با ایشان از آن میل فرمود و پرسید:

این از چه درست شده است؟ گفتند: روغن و عسل را به هم می آمیزیم و همین چیزی که مشاهده می فرمایید به دست می آید. فرمود: این غذای پاکیزه ای است! آن حضرت نان جو الک نشده را می خورد، و هرگز نان گندم نخورد، و از نان جو نیز سیر نخورد، و تا زنده بود بر سر سفره رنگین غذا نخورد. هندوانه و خربزه و انگور می خورد، و نیز خرما را می خورد و هسته اش را به گوسفندان می داد. سیر و پیاز و تره و عسل موم دار (که بوی بد آن در دهان باقی می ماند) نمی خورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز طعامی را نکوهش نکرد، اگر دوست داشت می خورد و اگر دوست نداشت رها می کرد، ولی بر دیگران حرام نمی نمود. ظرف غذا را

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۵

انگشت پاک می کرد و می فرمود: ته مانده ظرف با برکت تر است. و چون از غذا خوردن دست می کشید هر سه انگشت خود را با آن غذا خورده بود یکی پس از دیگری می لیسید. پس از غذا دست خود را می شست تا خوب پاک شود. و تنها غذا نمی خورد.

(۱) ۲۰۹. امام صادق علیه السلام فرمود: در این میان که امیر مؤمنان علیه السلام در رحبه کوفه با چند تن از یاران قرار داشت طبق فالوده ای برای ایشان هدیه آوردند؛ حضرت به یاران خود فرمود: دست دراز کنید (و بخورید) آنان دست دراز کردند و آن حضرت نیز دست به سوی ظرف دراز نمود، سپس دست خود را عقب کشید و فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد آوردم که فالوده نخورد «۱»، من نیز از خوردن آن کراهت دارم.

(۲) ۲۱۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه غذای چرب می خورد کمتر آب می نوشید.

عرض شد: یا رسول الله، شما کم آب می نوشید! فرمود: این برای غذایم گوارا تر است.

(۳) ۲۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خوش می داشت

که از قده شامی آب بنوشد، و می فرمود: این پاکیزه ترین ظرفهای شماست. (۴) ۲۱۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله از قدهای شیشه ای که از شام می آوردند آب می نوشید، و از قدهای چوبین و پوستی و سفالی هم آب می نوشید. (۵) ۲۱۳. پیامبر صلی الله علیه و آله با کف دست هم آب می نوشید؛ آب را کف دست می ریخت و می فرمود: ظرفی پاکیزه تر از دست نیست. (۶) ۲۱۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله از دهانه مشکهای بزرگ و کوچک آب می نوشید، ولی در حال آب خوردن دهانه آن را به بیرون بر نمی گردانید، و می فرمود: این کار

(۱) از روایات دیگری بر می آید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فالوده میل کرد ولی بسیار اندک، و شاید مراد این حدیث همین باشد. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۶، آب مشک را بدبو می کند.

(۱) ۲۱۵. از مطالبی که ابن طاوس رحمه الله در کتاب مهج الدعوات از کتاب زاد العابدین در باره کیفیت گرفتن آب نیسان نقل کرده معلوم می شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن آب استفاده می کرده است.

(۲) ۲۱۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله دو قوچ شاخدار ابلق (سیاه و سفید) در عید قربان ذبح می کرد.

(۳) ۲۱۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز عید قربان دو قوچ ذبح می کرد، یکی از طرف خود و دیگری از طرف [نیازمندان] امت خود.

(۴)

(۵) (۱۸۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما قومی هستیم که تا گرسنه نشویم غذا نمی‌خوریم، و چون غذا خوردیم سیر نمی‌خوریم.

(۶) (۱۸۶) ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بسا چند شب پیای گرسنه می‌ماند و شامی برای خود و خانواده‌اش نمی‌یافت، و عمده خوراکش نان جو بود.

(۷) (۱۸۷) عایشه گوید: سوگند به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت ما الک نداشتیم [که آرد را الک کنیم و نان الک کرده بخوریم] و آن حضرت از روزی که خداوند او را مبعوث فرمود تا روزی که از دنیا رفت هرگز نانی که آرد آن را الک کرده باشند میل نفرمود.

(۸) (۱۸۸) انس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از غذایی که بر طبق و مجمعه نهاده شده بود نخورد، و نیز از نان سبوس گرفته (که نان اشرافی آن روز بوده) نخورد. از او پرسیدند: آنان غذا را بر روی چه می‌خوردند؟ گفت: بر سر سفره.

(۹) (۱۸۹) عایشه گوید: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله شکم را از سیری پر نکرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۷

(۱) (۱۹۰) امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: ای محمد، شاید پنداری که رسول خدا صلی الله علیه و آله از روزی که خداوند او را مبعوث نمود تا روزی که او را قبض روح فرمود کسی آن حضرت را - اگر چه یک بار - دیده باشد که در حال تکیه دادن غذا خورده باشد؟ ای محمد، شاید گمان کنی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از روزی که خداوند او را مبعوث نمود تا روزی که او را قبض روح فرمود سه روز پیای از نان گندم سیر خورده باشد؟ آن‌گاه حضرت پاسخ خود را چنین داد: نه، به خدا سوگند تا روزی که خداوند جان او را قبض نمود سه روز پیای از نان گندم سیر نخورد. البته نمی‌گویم آن حضرت دسترسی به آن نداشت، بلکه گاهی به یک مرد صد شتر می‌بخشید؛ و اگر می‌خواست بخورد حتما می‌توانست. همانا جبرئیل سه بار کلید گنجهای زمین را نزد آن حضرت آورد و او را در انتخاب آن مخیر ساخت بدون آنکه خداوند

چیزی از پاداش اخرویی که برای او آماده ساخته بکاهد، ولی او در هر بار تواضع و فروتنی در برابر پروردگارش را [بر تمام گنجهای زمین] برمی‌گزید. هرگز چیزی از او درخواست نشد که در پاسخ «نه» بگوید. اگر داشت می‌بخشید، و اگر نداشت می‌فرمود:

به خواست خدا انجام خواهد شد.

(۲) (۱۹۱) علی علیه السلام فرمود: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله هرگز سه روز پیاپی از نان گندم سیر نخورد تا به رحمت الهی پیوست.

(۳) (۱۹۲) ابوهریره گوید: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله و خانواده او تا هنگام رحلت آن حضرت سه روز پیاپی از نان گندم سیر نخوردند.

(۴) (۱۹۳) عایشه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله تا دم مرگ نشد که سه روز پیاپی از طعام سیر شده باشد، و اگر می‌خواست می‌توانست خود را سیر کند، ولی گرسنگان دیگر را بر خود مقدم می‌داشت.

(۵) (۱۹۴) هیچ‌گاه دو رنگ غذا در یک لقمه رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع نشد، اگر گوشت بود نان نداشت، و اگر نان بود گوشت نداشت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۸

(۱) (۱۹۵) هیچ‌گاه دو نوع غذا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع نشد مگر آنکه یکی را خود خورد و دیگری را صدقه داد.

(۲) (۱۹۶) ابن خولی ظرفی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد که در آن شیر و عسل ریخته بود. آن حضرت از خوردن آن خودداری کرد و فرمود: دو نوع نوشیدنی در یک جا، و دو ظرف (دو نوع) غذا در یک ظرف؟! پس، از خوردن آن خودداری نمود، سپس فرمود: آن را حرام نمی‌کنم، ولی دوست ندارم در دنیا فخر و مباهات کنم و در فردای قیامت به خاطر بهره‌مندی بیش از حد از دنیا حساب پس بدهم. من فروتنی را دوست دارم، زیرا هر که برای خدا فروتنی کند خدایش سربلند گرداند.

(۳) (۱۹۷) علی علیه السلام در هنگام شهادت به دخترش ام کلثوم علیها السلام فرمود: من

می‌خواهم از برادر و پسر عمویم رسول خدا صلی الله علیه و آله پیروی کنم که تا زنده بود هیچ گاه دو نوع غذا برای او در طبقی نیاوردند. (۴) (۱۹۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله تا آنجا که ممکن بود به تنهایی غذا نمی‌خورد. (۵) (۱۹۹) علی علیه السلام در سفارشاتش به کمیل بن زیاد فرمود: ای کمیل، در کیفیت غذای خود زیاد دقت مکن، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله خیلی در کیفیت غذا دقت نمی‌کرد.

(۶) (۲۰۰) از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانواده خود غذای باب میل و مطبوعشان را می‌داد؟ فرمود: آری، زیرا هر گاه نفس آدمی غذای مطبوع خود را بیابد به آن قانع شده، آن غذا موجب رشد گوشت و چاقی وی می‌گردد.

(۷) (۲۰۱) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله کاسه غذا را [با انگشت] می‌لیسید.

(۸) (۲۰۲) امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: دوازده خصلت است که سزاوار است هر مسلمانی آنها را برای غذا خوردن فرا بگیرد، چهار تای آنها واجب، چهار تا سنت و چهار تای دیگر آداب است ... اما آنچه سنت است عبارت است از: بر پای چپ آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۹، نشستن، با سه انگشت غذا خوردن و از جلوی خود لقمه برگرفتن «۱». (۱) (۲۰۳) در حدیث سنت طعام آمده است: شستن دستها پیش از غذا و بعد از غذا سنت است.

(۲) (۲۰۴) پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله هنگام غذا خوردن به کسی که پیش روی آن حضرت بود لقمه تعارف می‌کرد، و هنگام آب نوشیدن به کسی که در سمت راست او بود آب را تعارف می‌نمود. (۳) (۲۰۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال ایستاده و بسا در حال سواره آب

می نوشید. و بسا ایستاده از مشک و کوزه یا هر ظرف دیگر و گاه با دستهای مبارکش
آب می نوشید.

(۴) (۲۰۶) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسْمِ اللَّهِ
«بسم الله»

و در آخر
«الحمد لله»

می گفت. بعد از نفس اول می گفت:
«الحمد لله»

، و بعد از نفس دوم می گفت:
«الحمد لله رب العالمين»

، و بعد از نفس سوم می گفت:
«الحمد لله رب العالمين، الرحمن الرحيم»

. (۵) (۲۰۷) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَرَّاهُ آبٌ مِمَّنْ شَرِبَهُ قَالَ: «سپاس خدایی را که آن را در اثر گناهان ما تلخ نکرد، و به واسطه نعمت خود آن را شیرین و گوارا قرار داد».

(۶) (۲۰۸) پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ چُونِ قَسْمَتِي مِنْ لُقْمَةِ آسِ رَأَى مِمَّنْ شَرِبَهُ قَالَ: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، اطعمت و سقيت و ارويت، فلك الحمد غير مكفور و لا مودع و لا مستغنى عنك»

«خداوندا، تو را سپاس که اطعام کردی و نوشاندی و سیراب نمودی، پس تو را سپاس بی آنکه تو را ناسپاسی کنیم و دست از تو باز داریم و خود را از تو بی نیاز شماریم.»

(۷) (۲۰۹) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: سرکه خوب خورشی است. خدایا، سرکه را بر

(۱) و در نقل دیگر آمده است: «شستن دست پیش از غذا... و لیسیدن انگشتان پس از غذا»- (مؤلف).

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۰
 ما مبارک گردان، زیرا که آن خورش پیامبران پیش از من بوده است.
 (۱) (۲۱۰) امام صادق علیه السلام فرمود: محبوبترین خورشها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله سرکه و زیتون بود، و می فرمود: اینها خوراک پیامبران علیهم السلام است.
 (۲) (۲۱۱) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله گوشت کلیه (قلوه) های حیوان را نمی خورد، بدون آنکه آن را بر دیگران حرام کند، و می فرمود: به خاطر اینکه کلیه ها به بول حیوانات نزدیک است.
 (۳) (۲۱۲) امام صادق علیه السلام فرمود: از سوی انصار یک سینی بزرگ برنج خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه آوردند، آن حضرت سلمان و مقداد و ابوذر (رضی الله عنهم) را هم دعوت کرد و آنان کمی خوردند و زود دست کشیدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و علیه و آله فرمود: شما که چیزی نخوردید! سپس فرمود: از شما آن کس که بیشتر ما را دوست دارد بیشتر نزد ما غذا می خورد.
 (۴) (۲۱۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مؤمنی مرا برای خوردن سردست و پاچه گوسفندی دعوت کند می پذیرم، و این خود از دین محسوب است. و اگر مشرک یا منافقی مرا برای خوردن شتری که نحر کرده دعوت کند نمی پذیرم، و این نیز از دین محسوب است. خداوند عطا و غذای مشرکان و منافقان را برای من نخواسته است.
 (۵) (۲۱۴) مانند روایت ۲۰۸. است.
 (۶) (۲۱۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگام غذا خوردن کفشهای خود را در آورید، زیرا که این کار سنت خوبی است و پاها را راحتی می بخشد.

(۷) (۲۱۶) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله گوشت ماهیچه و سردست را دوست داشت و گوشت ران را دوست نمی داشت، زیرا این قسمت به محل بول حیوان نزدیک است.

(۸) (۲۱۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز طعامی را نکوهش نکرد، اگر میل داشت می خورد و گرنه ترک می کرد. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۱ (۱) (۲۱۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله غذا را فوت نمی کرد، و در ظرف آب هم نمی دمید.

(۲) (۲۱۹) سرکه و سبزی بر سر سفره از سنت است. (۳) (۲۲۰) امام صادق علیه السلام فرمود: مقداری حلوی روغن و خرما خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند، آن حضرت میل نکرد، عرض شد: آیا خوردن آن را حرام می دانید؟ فرمود: نه، ولی خوش ندارم نفسم به اینها تمایل یابد، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «شما از خوبیها و خوشیهای خود در زندگانی دنیاتان بهره مند شدید ...» (۱).

(۴) (۲۲۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله ظرف غذا را برای گربه کج نگاه می داشت [تا حیوان بتواند راحت از آن بخورد].

(۵) (۲۲۲) امام صادق علیه السلام با پنج انگشت غذا می خورد و می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه غذا می خورد نه آن گونه که جباران [با دو انگشت] می خورند.

(۶) (۲۲۳) علی علیه السلام فرمود: ما کشمش و خرما را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله در ظرف آب خیس می کردیم، در روزهای اول و دوم از آن میل می کرد، و چون رنگ آن بر می گشت دستور می داد آن را دور بریزند.

(۱) احقاف / ۲۰.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۲ (۱)

۱۰ آداب و سنن آن حضرت در بیت الخلاء

اشاره

(۲) ۲۱۸. هیچ گاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در حال بول یا غائط دیده نشد.

(۳) ۲۱۹. علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله چون می خواست آب

بینی یا خلط سینه خود را بگیرد سر خود را می پوشانید و سپس آن را دفن می کرد. در

هنگام آب دهان انداختن نیز چنین می کرد. و چون می خواست به بیت الخلاء رود نیز سر

خود را می پوشانید.

(۴) ۲۲۰. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در سفارشات خود به ابو ذر فرمود: ای ابا ذر،

از خدا شرم بدار، که من - سوگند به خدایی که جانم به دست اوست - چون به بیت

الخلاء می روم لباس خود را بر سر می کشم، زیرا از دو فرشته ای که با من هستند شرم

می کنم.

(۵) ۲۲۱. شیخ مفید رحمه الله گوید: پوشانیدن سر - در صورتی که برهنه باشد - در هنگام

قضاء حاجت از سنن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله است.

(۶) ۲۲۲. علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله پس از بول کردن سه

بار دست خود را به مجرای بول می کشید.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۳

(۱) ۲۲۳. حسین بن خالد گوید: به حضرت رضا علیه السّلام عرض کردم: به ما حدیث

رسیده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در حالی که انگشتر در دست داشت و

نقش آن «محمد رسول الله» بود طهارت می گرفت، و امیر مؤمنان علیه السّلام نیز چنین

می کرد؟! فرمود: راویان راست گفته‌اند. گفتیم: برای ما هم سزاوار است که چنین کنیم؟
فرمود:

آنان انگشتر را به دست راست می کردند و شما به دست چپ می کنید (بنا بر این باید هنگام طهارت گرفتن انگشتر را بیرون آورید).

(۲) ۲۲۴. امام صادق علیه السلام فرمود: سه سنت از سنن رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره براء بن معرور انصاری جاری شد «(۱): (۱) مردم قبلا با سنگها خود را پاک می کردند؛ یک بار براء بن معرور کدو خورد و مزاجش نرم شد، پس با آب طهارت گرفت، خداوند در باره او این آیه را نازل کرد: «خداوند توبه کنندگان و پاکیزگی جویان را دوست دارد» (۲). از آن وقت طهارت گرفتن با آب سنت شد. (۲) هنگام وفات، او در مدینه بود [و رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه]، ولی دستور داد تا او را به طرف قبله (یعنی کعبه که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا بود) دفن کنند. این بود که آیه توجه به قبله نازل شد [و توجیه میت به قبله نیز از سنن پیامبر صلی الله علیه و آله گردید]. (۳) وصیت کرد ثلث مالش را [به رسول خدا صلی الله علیه و آله] بدهند، در نتیجه وصیت به ثلث سنت گردید.

(۳) ۲۲۵. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بیش از هر کس از ترشح بول اجتناب داشت، از این رو هر گاه می خواست بول کند به زمین بلندی می رفت یا زمین نرم و پر خاکی را انتخاب می کرد تا مبادا بول به او ترشح کند.

(۴) ۲۲۶. امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم علی بن الحسین علیه السلام به من فرمود: فرزندم، برای من لباسی مخصوص قضاء حاجت آماده کن، زیرا دیدم مگس ها پس از نشستن روی مایعات نجس بر جامه من می نشینند. من هم لباس را آماده کرده،

(۱) یعنی براء بن معرور سه کار کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را به عنوان سنت پذیرفت.
حسنة

- (۲) بقره / ۲۲۲.
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۴ خدمت پدرم بردم، اما فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَارِانِ او يك جامه بیشتر نداشتند [که در همه احوال می پوشیدند]، از این رو آن را قبول نکرد و کنار گذاشت «۱».
- (۱)

ملحقات

(۲) (۲۲۴) صدوق رحمه الله گوید: سنت در بیت الخلاء آن است که هنگام ورود پای چپ را قبل از پای راست پیش گذارد، و سر را بپوشاند، و خدا را یاد کند (ذکر بگوید).

(۳) (۲۲۵) مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: آداب و سنن رفتن به بیت الخلاء چیست؟ فرمود: خدا را یاد می کنی، و از شیطان رانده شده به خداوند پناه می بری (اعوذ بالله من الشيطان الرجيم می گویی) و چون فارغ شدی می گویی: الحمد لله على ما اخرج مني من الاذى في يسر و عافية «سپاس و ستایش خدا را که در آسانی و سلامتی، فضولات آزار دهنده را از من خارج ساخت».

(۴) (۲۲۶) امام باقر علیه السلام فرمود: نمازی نیست مگر با طهارت، و برای «طهارت گرفتن» سه عدد سنگ کافی است، و سنت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَارِانِ نیز بر این جاری بوده است، اما بول را حتما باید آب کشید.

(۵) (۲۲۷) امام صادق علیه السلام فرمود: سنت در «طهارت گرفتن» به سه عدد سنگ تمیز جاری شده، و پس از آن شستن با آب «۲».

(۶) (۲۲۸) علی علیه السلام فرمود: سنت در طهارت گرفتن با آب است، اول محل بول را بشوید، سپس به شستن مقعد پردازد، و هر دو را با هم نشوید.

(۱) ظاهراً این عمل امام سجاد علیه السلام برای آن بود تا عملاً وسواس را از خود دور کند و به دیگران نیز دوری از وسواس را تعلیم دهد.

(۲) شستن با آب زمانی لازم است که نجاست به اطراف مقعد رسیده باشد، و گرنه مستحب است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۵

(۱) (۲۲۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر برای قضای حاجت، مقدار زیادی از مردم دور می‌شد و خود را پنهان می‌ساخت.

(۲) (۲۳۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به بیت الخلاء می‌رفت سرش را می‌پوشانید، و هیچ کس او را [در حال قضای حاجت] ندید.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۶

(۱)

۱۱ آداب و سنن آن حضرت در امور اموات

اشاره

(۲) ۲۲۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه جوش کوچکی در بدن خود می‌دید به خداوند پناه می‌برد و اظهار مسکنت و زاری در برابر او می‌نمود. به او عرضه می‌داشتند: یا رسول الله، چیز مهمی نیست؛ می‌فرمود: خدا اگر بخواهد چیز کوچک را بزرگ، و چیز بزرگ را کوچک خواهد نمود.

(۳) ۲۲۸. ابو سعید خدری در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله تب داشت، از روی لحاف دست بر بدن آن حضرت گذاشت و حرارت بدن او را دریافت، گفت: یا رسول الله، چقدر تب شما شدید است! فرمود: ما چنین هستیم، بلاها بر ما سخت می‌شود و پاداش ما هم دو برابر است «۱».

(۴) ۲۲۹. امام باقر علیه السلام فرمود: سنت در حمل تابوت آن است که حمل کننده چهار طرف آن را (به ترتیبی که در حدیث بعد ذکر شده) به دوش گیرد. پس از آن

(۱) در باب شمایل آن حضرت، حدیث ۴۰ و در باب معاشرت آن حضرت، حدیث ۷۰ گذشت که آن حضرت از بیماران عیادت می کرد. (مؤلف) آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۷، هر گونه حمل دیگری مستحب است «۱».

(۱) ۲۳۰. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: حمل چهار گوشه تابوت که سنت بر آن جاری شده چنان است که اول طرف دست راست میت را به دوش گیرد، سپس طرف پای راست، سپس پای چپ و در آخر طرف دست چپ را حمل نماید، تا به این ترتیب چهار گوشه آن را به دوش گرفته باشد.

(۲) ۲۳۱. امام باقر علیه السلام فرمود: امام حسن مجتبی علیه السلام با گروهی از یاران خود نشسته بود که جنازه ای را از آنجا عبور دادند، برخی از یاران برخاستند و امام حسن علیه السلام برنخواست. چون جنازه را بردند برخی از یاران گفتند: خدا شما را سلامتی دهد، چرا برنخواستید حال آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر جنازه ای را حرکت می دادند از جا برمی خاست؟! امام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فقط یک بار برای جنازه از جا برخاست، آن هم به خاطر آن بود که جنازه یهودی را عبور می دادند و جا هم تنگ بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست، زیرا نمی خواست که جنازه بالاتر از سر آن حضرت حرکت داده شود.

(۳) ۲۳۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه جنازه ای را تشییع می نمود اندوه بر او غالب می شد و بسیار در خود فرو می رفت و کمتر سخن می گفت.

(۴) ۲۳۳. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از دفن میت سه مشت خاک بر روی قبر می ریخت.

(۵) ۲۳۴. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در خصوص اموات بنی هاشم کاری می کرد که با دیگر اموات مسلمانان نمی کرد. هر گاه بر مرده ای از بنی هاشم نماز می خواند و آب بر روی قبر او می پاشید دست خود را بر قبر می نهاد به طوری که اثر انگشتانش در گل دیده می شد، و چون شخص غریب یا مسافر به مدینه وارد می شد و قبر تازه را با اثر دست رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آن می دید می گفت: تازگی چه کسی از

(۱) یعنی پس از آنکه چهار طرف را دور زد اگر باز هم زیر تابوت را بگیرد مستحب است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۸
 آل محمد صلی الله علیه و آله از دنیا رفته است؟
 (۱) ۲۳۵. عبد الرحمن بن ابی عبد الله گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: دست گذاردن آدمی بر روی قبر چه معنی دارد و چرا چنین می کنند؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آنکه بر روی قبر پسرش آب پاشید چنین کرد. پرسیدم:

چگونه دستم را بر قبر مسلمانان بگذارم؟ حضرت در حالی که مقابل قبله بود [انگشتان] دست خود را در زمین فرو برد سپس بر آورد.
 (۲) ۲۳۶. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به کسی تسلیت می گفت

آجرکم الله و رحمکم
 «خدا شما را اجر دهد و بر شما رحمت آورد». و هر گاه تبریک و تهنیت می گفت می فرمود:

بارک الله لکم و بارک الله علیکم

«خداوند بر شما برکت دهد و برای شما مبارک گرداند.»
 (۳) ۲۳۷. امام زین العابدین علیه السّلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السّلام به مصیبتی دچار نشد جز آنکه در آن روز هزار رکعت نماز می گزارشت و بر شصت مسکین صدقه می داد و سه روز هم روزه می گرفت. و به فرزندان خود فرمود: هر گاه به مصیبتی دچار شدید همین گونه که من عمل کردم عمل کنید، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که چنین می کرد.

پس از اثر پیامبران پیروی کنید و مخالفت نورزید که خدا هم با شما مخالفت خواهد کرد، خدای متعال فرموده: «و هر که صبر کند و گذشت نماید [بسیار شایسته است] که این از امور جدی است.» امام زین العابدین علیه السّلام فرمود: پس من همیشه مانند امیر مؤمنان علیه السّلام عمل می کنم.
 (۴)

ملحقات

(۵) ۲۳۱ انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از بیمار عیادت می کرد و به تشییع جنازه می رفت.
 آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۹
 (۱) ۲۳۲ علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به عیادت بیماری می رفت چنین دعا می کرد:
 اذهب الباس ربّ الباس، و اشف انت الشّافی، لا شافی الا انت
 «بیماری را ببر ای که بیماری در دست توست، و شفا ده که تنها تو شفا دهنده ای، و جز تو شفا دهنده ای نیست».

(۲) ۲۳۳ امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خود یا یکی از خانواده یا اصحابش چشم درد می گرفتند این دعا را می خواند:

اللَّهُمَّ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَبَصْرِي، وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَانصُرْنِي عَلَيَّ مِنْ ظَلْمِنِي، وَارْنِي فِيهِ ثَارِي

«خداوندا، مرا از گوش و چشم بهره‌مند گردان، و آن دو را وارث من قرار ده (پیش از مردنم آنها را از من مگیر)، و مرا بر کسی که به من ستم کرده پیروز کن، و انتقامم را از او به من بنما».

(۳) (۲۳۴) ابن عباس گوید: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله برای رهایی از همه دردها و تب و سردرد این دعا را می‌آموخت: باسم الله الكبير، اعوذ بالله العظيم من شر كل عرق نعار، و من شر حر النار «به نام خدای بزرگ، از شر هر رگ زننده که خون به شدت در آن جریان دارد و از شر آتش دوزخ به خدای بزرگ پناه می‌برم».

(۴) (۲۳۵) پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه چیزی او را اندوهگین می‌ساخت با روزه گرفتن و نماز خواندن بر دفع آن یاری می‌جست.

(۵) (۲۳۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به مصیبتی دچار می‌شد برمی‌خاست، وضو می‌گرفت و دو رکعت نماز می‌خواند و چنین دعا می‌کرد: اللَّهُمَّ قَدْ فَعَلْتُ مَا أَمَرْتَنَا، فَانْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا «خدایا، من آنچه را به ما دستور داده بودی انجام دادم، پس آنچه را به ما وعده داده‌ای محقق فرما».

(۶) (۲۳۷) علاء بن کامل گوید: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که از درون خانه زنی صدا به شیون بلند کرد، امام صادق علیه السلام (از ناراحتی) برخاست، سپس نشست و گفت: إنا لله و إنا اليه راجعون، و به سخن گذشته خود ادامه داد تا حرفش تمام شد، آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۰ سپس فرمود: ما دوست داریم که جان و اولاد و اموالمان سالم باشد، ولی هر گاه سرنوشت الهی واقع شد دیگر سزاوار ما نیست که آنچه را خدا برای ما دوست نداشته،

- دوست داشته باشیم.
- (۱) ۲۳۸ امام علیه السلام فرمود: سنت در کافور برای میت حد اکثر مقدار سیزده درهم و ثلث درهم است [زیرا] جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حنوطی آورد که چهل درهم وزن داشت، آن حضرت آن را سه قسمت کرد، یک جزء برای خود، یک جزء برای علی علیه السلام و جزء دیگر برای فاطمه علیها السلام.
- (۲) ۲۳۹ زراره و محمد بن مسلم گویند: به امام باقر علیه السلام گفتیم: آیا عمامه برای میت از کفن محسوب است؟ فرمود: نه، کفن واجب سه پیراهن است (لنگ، جامه، سرتاسری) یا یک پوشش سرتاسری که تمام بدنش را بپوشاند نه کمتر از آن «۱». و بیش از اینها تا پنج جامه سنت است، و زیادتر از آن بدعت خواهد بود، و عمامه سنت است.
- (۳) ۲۴۰ در حدیثی وارد است که جریده (دو قطعه چوب تر خرما، که همراه میت دفن می‌کنند) از سنت است.
- (۴) ۲۴۱ موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: ما خاندانی هستیم که مهریه زنان و مخارج حج واجب و کفن امواتمان از پاکیزه‌ترین اموال ما تهیه می‌شود، و من کفن خود را آماده دارم.
- (۵) ۲۴۲ علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه بر جنازه‌ای نماز می‌خواند، اگر میت مرد بود مقابل سینه او، و اگر زن بود مقابل سر او می‌ایستاد.
- (۶) ۲۴۳ ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در تشییع جنازه و یا بیرون رفتن برای نماز عید هرگز سواره نرفت.
- (۷) ۲۴۴ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر این جاری شده که زن

(۱) این در صورتی است که پیراهن پیدا نشود.
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۱

(۵) (۲۴۹) حضرت رضا علیه السلام فرمود: سنت آن است که قبر به قدر چهار انگشت باز از زمین بلندتر ساخته شود و اگر بیشتر هم شد مانعی ندارد، و نیز باید قبر مسطح آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۲ باشد و مانند کوهان شتر (یا گرده ماهی) برآمده ساخته نشود.

(۱) (۲۵۰) امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که جعفر بن ابی طالب علیه السلام شهید شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیهما السلام را امر کرد که سه روز برای اسماء بنت عمیس (همسر جعفر) غذا تهیه کند و خودش با زنان دیگر سه روز نزد او بمانند. از این رو سنت بر این شد که برای مصیبت‌زدگان تا سه روز غذا ببرند.

(۲) (۲۵۱) امام باقر علیه السلام وصیت کرد که هشتصد درهم در مخارج ماتم او مصرف کنند، و این عمل را از سنت می‌دانست، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده بود: برای خانواده جعفر [بن ابی طالب] غذا تهیه کنید، که آنان گرفتار مصیبت‌اند.

(۳) (۲۵۲) امام صادق علیه السلام فرمود: نزد مصیبت‌زدگان غذا خوردن از عمل جاهلیت است، و سنت آن است که غذا به خانه آنان بفرستند «۱».

(۱) امروزه متأسفانه به عکس این دستور عمل می‌شود، از این رو مصیبت‌زدگان مصیبت اصلی خود را فراموش نموده، گرفتار مصیبتی بزرگتر می‌شوند که آن خرج دادن به شرکت‌کنندگان در تشییع و غیره است!

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۳

(۱)

۱۲ آداب و سنن آن حضرت در معالجه و مداوا

اشاره

(۲) ۲۳۸. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسط سر خود را حجامت کرد، و ابو ظبیه با آلت مخصوص حجامت که از مس بود آن حضرت را حجامت نمود و رسول خدا صلی الله علیه و آله یک صاع خرما (که تقریباً سه کیلوگرم است) به او عطا فرمود. و رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه سردرد می گرفت روغن کنجد داخل بینی می کرد (یا با تخم گشنیز بخور می داد) «۱».

(۳) ۲۳۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله زکام خود را مداوا نمی کرد، و می فرمود: هیچ کس نیست جز اینکه رگی از جذام دارد، و هر گاه به زکام مبتلا شود زکام بیماری جذام را ریشه کن می کند.

(۴) ۲۴۰. محمد بن فیض گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: وقتی کسی از ما بیمار می شود پزشکان او را از خوردنیها پرهیز می دهند. حضرت فرمود: ولی ما خاندان فقط از خرما پرهیز می کنیم، و با سیب و آب سرد خود را معالجه می کنیم. گفتم: چرا

(۱) در باب نظافت گذشت که آن حضرت برای رفع سردرد ابروان خود را روغن می مالید.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۴

از خرما پرهیز می کنید؟ فرمود: زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در زمان بیماریش از آن پرهیز داد.

(۱)

ملحقات

(۲) ۲۵۳. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسط سرش را حجامت می کرد و آن را «پناه دهنده» یا «نجات دهنده» می نامید.

(۳) ۲۵۴. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز دوشنبه

بعد از عصر حجامت می کرد.
 (۴) ۲۵۵ امام کاظم علیه السلام می فرمود: شستن سر با خطمی در روز جمعه از سنت است، روزی را فراوان، فقر را دور و مو و پوست بدن را نیکو می سازد، و این کار امام از سردرد است.

(۵) ۲۵۶ امام صادق علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله سر خود را با سدر می شست، و می فرمود: هر که سر خود را با سدر بشوید خداوند وسوسه شیطان را از دور می سازد، و هر که وسوسه شیطان از او دور شد گناه نمی کند، و هر که گناه نکند داخل بهشت می شود.

(۶) ۲۵۷ امام صادق علیه السلام فرمود: از دواهای پیامبران علیهم السلام حجامت، نوره کشیدن و انفیه کشیدن است «۱».

(۷) ۲۵۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا به شما نیاموزم دارویی را که جبرئیل به من آموخته، تا دیگر به پزشک و دارویی محتاج نشوید؟ گفتند: چرا، یا رسول الله. فرمود: آب باران را بگیرد و هفتاد بار سوره فاتحه، و هفتاد بار سوره ناس، و هفتاد

(۱) انفیه گردی قهوه‌ای رنگ و مکیف و عطسه آور است که بیشتر از تنباکو ساخته می شود و آن را برای عطسه کردن جلو بینی قرار می دهند و برخی از مردم آن را داخل بینی می کنند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۵
 بار سوره فلق، و هفتاد بار صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و هفتاد بار سبحان الله

بر آن بخوانید و هفت روز پیاپی هر صبح و شام از آن آب بیاشامید.
 (۱) ۲۵۹ امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از درد کمر به خداوند شکایت کرد، خدای متعال آن حضرت را دستور داد به خوردن گندم با گوشت

(یعنی)
 (۲) ۲۶۰) علی علیه السّلام فرمود: هیچ گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله بیمار نشد مگر آنکه به حجامت کردن پناه برد.
 (۳) ۲۶۱) امام صادق علیه السّلام می فرمود: جدّ ما (رسول خدا صلی الله علیه و آله) برای معالجه تب فقط ده درهم (حدود دو سیر) شکر را می گرفت و با آب سرد می آمیخت و ناشتا میل می کرد.
 آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۶، (۱)

۱۳ آداب و سنن آن حضرت در مسواک کردن

اشاره

(۲) ۲۴۱. امام صادق علیه السّلام فرمود: مسواک کردن از سنن پیامبران است.
 (۳) ۲۴۲. علی علیه السّلام فرمود: مسواک کردن موجب خشنودی خداوند، و سنّت پیامبر، و خوشبوکننده دهان است.
 (۴) ۲۴۳. پیامبر صلی الله علیه و آله هر شب سه بار مسواک می کرد: یک بار پیش از خواب، یک بار وقتی از خواب برای نماز شب برمی خاست، و یک بار پیش از آنکه برای نماز صبح از خانه بیرون رود.
 (۵) ۲۴۴. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون نماز عشا را می خواند دستور می داد آب وضو و مسواکش را آماده کنند و روی آن را پوشانیده نزد سر او بگذارند. آن گاه می خوابید آنقدر که خدا بخواهد. سپس از خواب برمی خاست و مسواک می کرد و وضو می گرفت و چهار رکعت نماز می گزارد، دوباره می خوابد و باز از خواب برمی خاست و مسواک می کرد و وضو می گرفت و نماز می خواند.
 آن گاه امام صادق علیه السّلام فرمود: در رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شما سرمشق

- خوبی است (شما)
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۷ هم به او اقتدا کنید). و در آخر سخن فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هر بار که از خواب برمی‌خاست مسواک می‌کرد.
- (۱) ۲۴۵. پیامبر صلی الله علیه و آله برای هر نمازی مسواک می‌کرد.
- (۲) ۲۴۶. پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام مسواک کردن مسواک را به عرض دندانها می‌کشید.
- (۳) ۲۴۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله با چوب اراک مسواک می‌کرد، و جبرئیل او را چنین دستور داده بود.
- (۴)

ملحقات

- (۵) ۲۶۲ امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فراوان مسواک می‌کرد.
- (۶) ۲۶۳ مسواک کردن در سحر پیش از وضو، از سنت است.
- (۷) ۲۶۴ مانند روایت (۲۶۳) است.
- (۸) ۲۶۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چوب درخت مبارک زیتون برای مسواک خوب است، دهان را خوشبو می‌کند، جرم دندان را می‌برد، و آن مسواک من و مسواک پیامبران پیش از من است.
- (۹) ۲۶۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که روزی دو بار مسواک کند بر سنت پیامبران علیهم السلام مداومت نموده است.
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۸
- (۱)

۱۴ آداب و سنن آن حضرت در وضو**اشاره**

(۲) ۲۴۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای هر نماز واجب و مستحبی تجدید وضو می کرد.

(۳) ۲۴۹. بریده گوید: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله برای هر نمازی جداگانه وضو می گرفت، اما در سال فتح مکه تمام نمازهای شبانه روز را با یک وضو خواند. عمر گفت: یا رسول الله، کاری کردید که تاکنون نکرده بودید! فرمود: عمدا چنین کردم (تا مردم نپندارند که برای هر نمازی وضوی جداگانه لازم است).

(۴) ۲۵۰. امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام برای هر نمازی وضوی جداگانه می گرفت و این آیه را تلاوت می کرد: «ای مؤمنان، هر گاه برای نماز برخاستید صورتها و دستها را تا آرنج بشوید ... «۱»» و با این روش می خواست به مستحب عمل کند و آلا خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نمازهای متعدد را با یک وضو هم می خواندند.

(۵) ۲۵۱. زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: آیا وضوی رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای آنکه

(۱) مائده / ۶

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۹
بیان نکنم؟ گفتیم: چرا. حضرت ظرفی را که مقداری آب در آن بود خواست و آن را جلو خود نهاد، سپس آستینهای خود را بالا زد، آن گاه دست راست را در آن فرو برد و فرمود: این وقتی است که دست پاک باشد. سپس کف خود را پراز آب کرد و روی پیشانی ریخت و گفت:

«بسم الله»
و آن را به اطراف محاسن خود روان ساخت و یک بار دست خود را بر صورت و پیشانی کشید (تا همه جای صورت را شست). سپس دست چپ را در آب فرو برد و آن را پر کرد و بر آرنج دست راست ریخت و با دست چپ بر ساق دست راست کشید تا آب به سر انگشتان روان شد. سپس دست راست را در آب فرو برد و آن را پر کرد و بر آرنج دست چپ ریخت و دست راست را بر ساق دست چپ کشید تا آب به سر انگشتان روان شد. آن گاه جلو سر و پشت پاها را با تری دست چپ و راست مسح کرد. سپس فرمود: خداوند فرد و یکتاست و عدد فرد را دوست دارد، از این رو سه مشت آب برای وضوی تو کافی است: یک مشت آب برای صورت، و دو مشت هم برای ساقهای دست؛ و با تری دست راست جلو سر و روی پای راست را، و با تری دست چپ روی پای چپ را مسح می کنی. آن گاه فرمود: مردی از امیر مؤمنان علیه السلام از کیفیت وضوی رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید و آن حضرت همین گونه برای او بیان داشت «۱».

(۱) ۲۵۲. ابو هریره گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام وضو گرفتن اول طرفهای راست خود را می شست.

(۲) ۲۵۳. ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام از مقدار آب وضو پرسیدم، فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با یک مدّ (تقریباً ده سیر) آب وضو می گرفت، و با یک صاع (تقریباً سه کیلوگرم) آب غسل می کرد.

(۳) ۲۵۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما خاندانی هستیم که صدقه بر ما حلال نیست،

(۱) روایات اهل بیت علیهم السلام در این مورد مستفیض بلکه متواتر است. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۰ و دستور داریم که شاداب و پر آب وضو بگیریم، و الاغ را برای جفت گیری بر مادیان نمی کشیم.

(۱) ۲۵۵. امام صادق علیه السلام فرمود: مضمضه (آب در دهان گرداندن) و استنشاق (آب در بینی کشیدن) از چیزهایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله سنت نهاده است.

(۲)

ملحقات

(۳) ۲۶۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو چیز است که دوست ندارم کسی در آن با من شرکت کند و در آنها مرا یاری دهد: یکی وضویم که جزء نماز من است. و دیگر صدقه ام (که دوست دارم با دست خود بدهم) زیرا صدقه در دست خدای رحمان قرار می گیرد.

(۴) ۲۶۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله شبها آب وضویش را با دست خود آماده می کرد و بالای سر می نهاد.

(۵) ۲۶۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله چون برای نماز وضو می گرفت سه بار انگشتر خود را در انگشت می گردانید.

(۶) ۲۷۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله در وضو بر ناصیه - یعنی جلو سر که تقریباً یک چهارم تمام مساحت سر است - مسح می کشید.

(۷) ۲۷۱ علی علیه السلام در سفارش به محمد بن ابی بکر به هنگام اعزام وی به حکومت مصر فرمود: برای وضو سه بار آب در دهان بگردان، و سه بار آب در بینی بکش، و صورت سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را بشوی، آن گاه [جلو] سر و روی پاها را مسح کن، زیرا من دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین می کرد ...

(۸) (۲۷۲) (نسخه این روایت اختلاف دارد و مراد از آن روشن نیست).
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۱
(۱)

۱۵ آداب و سنن آن حضرت در غسل

اشاره

(۲) ۲۵۶. امام صادق علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با یک صاع (سه کیلو گرم) آب غسل می کرد، و اگر با یکی از زنانش غسل می کرد یک صاع و یک مدّ (سه کیلو و یک چارک) آب مصرف می نمود «۱».
(۳) ۲۵۷. حسن بن محمد از جابر بن عبد الله در باره غسل رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید، جابر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله سه بار آب بر سر می ریخت. حسن بن محمد گفت: موی سر من چنان که می بینی بسیار است؛ جابر گفت: ای آزاده، این را مگو، همانا موی سر رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر و خوشبوتر بود.
(۴) ۲۵۸. علی علیه السلام فرمود: غسل کردن در عیدها موجب پاکیزگی کسی است که در طلب حوائج خود می رود، و نیز پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است.
(۵) ۲۵۹. امام صادق علیه السلام فرمود: غسل جمعه سنتی است که رعایت آن بر هر مرد

(۱) در روایتی دیگر این اضافه را دارد که «هر دو از یک ظرف غسل می کردند». (مؤلف)
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۲
و زن، در حضر و سفر لازم است «۱» ... غسل جمعه وسیله پاکیزگی و کفاره گناهان از جمعه تا جمعه دیگر است. و علت تشریح غسل جمعه آن است که انصار در ایام هفته به کارشتران آبکش و سایر حیوانات خود سرگرم بودند و چون روز جمعه فرا می رسید به مسجد می آمدند و مردم از بوی بد زیر بغلهای آنان اذیت می شدند، بدین جهت رسول

خدا صلی الله علیه و آله دستور داد تا روزهای جمعه غسل کنند. این بود که سنت بر آن جاری شد.

- (۱) ۲۶۰. امام صادق علیه السلام فرمود: غسل در روز عید فطر سنت است.
- (۲) ۲۶۱. علی علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله چون دهه آخر ماه مبارک رمضان فرا می‌رسید برای عبادت آماده می‌شد و دامن همت به کمر زده، از خانه بیرون می‌آمد و در مسجد اعتکاف می‌نمود و شبها را تا صبح بیدار بود و هر شب بین نماز مغرب و عشا غسل می‌کرد «۲».
- (۳)

ملحقات

- (۴) ۲۷۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل مرا دستور داد که در هنگام وضو و غسل جنابت انگشتر خود را در انگشت بگردانم (تا آب به زیر آن رود).
- (۵) ۲۷۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل مرا دستور داد که هنگام غسل جنابت، با انگشت خود داخل ناف را بشویم.

- (۱) یعنی مستحب مؤکد است.
- (۲) به خواست خدا در باب نماز، برخی غسلهای دیگر ذکر خواهد شد. (مؤلف)
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۳
- (۱)

۱۶ آداب و سنن آن حضرت در نماز

اشاره

(۲) ۲۶۲. امام صادق علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله دو برابر نمازهای واجب شبانه روز نماز مستحبی می خواند. و دو برابر روزه واجب روزه می گرفت. (۳) ۲۶۳. حنان بن سدید گوید: عمرو بن حریث در مجلسی که من هم نشسته بودم از امام صادق علیه السلام پرسید و گفت: فدایت شوم، مرا از نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر ده. فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هشت رکعت نماز نافله ظهر و چهار رکعت نماز واجب ظهر، و هشت رکعت نافله عصر و چهار رکعت نماز واجب عصر، و سه رکعت نماز واجب مغرب و چهار رکعت نافله آن، و چهار رکعت نماز عشا «۱»، و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت وتر (دو رکعت به نام شفع و یک رکعت به نام وتر) و دو رکعت نافله صبح و دو رکعت نماز واجب صبح می خواند. گفتم: فدایت شوم، اگر من توانستم بیش از این مقدار نماز بخوانم، آیا خداوند مرا به زیاد خواندن نماز عذاب می کند؟ فرمود: نه، ولی تو را به ترک سنت

(۱) نافله عشا که دو رکعت نماز نشسته است ذکر نشده است. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۴ عذاب می نماید.

(۱) ۲۶۴. امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز عتمه (دو رکعت نماز نافله عشا که نشسته می خوانند) را می خواند سپس می خوابید «۱». آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ۱۶ ۱۲۴ آداب و سنن آن حضرت در نماز

(۲) مؤلف: روایات در این باره بیش از حد تواتر است و ما به همین که ذکر شد اکتفا کردیم. و از این روایات استفاده می شود که نماز «وتیره» از پنجاه رکعت نماز واجب و مستحبی که رسول خدا صلی الله علیه و آله می خواند خارج است و دو رکعت آن یک رکعت حساب می شود و به جای نماز «وتر» تشریح شده تا اگر مرگ فرا رسید به جای

نماز «وتر» آخر شب به حساب آید. شاهد این مطلب روایتی است که شیخ صدوق رحمه الله از ابو بصیر نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید بدون خواندن نماز وتر نخوابد. ابو بصیر گوید: عرض کردم: مقصود همان دو رکعتی است که بعد از نماز عشا به حال نشسته خوانده می شود؟ فرمود: اری، آن دو رکعت به جای یک رکعت حساب می شود، و اگر کسی آن را بخواند و در آن شب مرگش فرارسد مانند کسی است که نماز وتر آخر شب را خوانده باشد، و اگر هم نمرود وتر را در آخر شب می خواند. گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز این دو رکعت را می خواند؟ فرمود: نه، گفتم: چرا؟ فرمود: برای آنکه به رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی می رسید و می دانست که آیا آن شب از دنیا خواهد رفت یا نه؟ و دیگران چنین علمی را ندارند. از همین رو بود که خودش نمی خواند و به دیگران دستور می داد آن را بخوانند».

البته معنی این که راوی گفت: «آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز این دو رکعت را می خواند؟» این است که آیا آن حضرت آن را با عمل خود سنت نهاد و بر آن

(۱) ممکن است مقصود از عتمه نماز عشا باشد، زیرا در قدیم نماز مغرب را در مسجد می خواندند آن گاه به منزل آمده شام می خوردند و اندکی استراحت می کردند، سپس برای نماز عشا به مسجد می رفتند. ولی برخی از آنان پس از شام به خواب عمیق فرو می رفتند به طوری که نماز عشاء آنان به دیر وقت می کشید. و در این حدیث می فرماید رسول خدا صلی الله علیه و آله تا نماز عشا را نخوانده نمی خوابید.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۵، مداومت می نمود یا نه؟

(۱) ۲۶۵. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حضر و سفر

[سحرگاه] هر شب سیزده رکعت نماز می‌خواند که از آن جمله نماز وتر و دو رکعت نافله صبح بود.

(۲) ۲۶۶. حضرت رضا علیه السلام فرمود: در خروس سفید پنج خصلت از خصلتهای پیامبران وجود دارد، که از جمله آنها شناختن اوقات نماز است.

(۳) ۲۶۷. زراره گوید: از امام باقر علیه السلام از وقت نماز ظهر پرسیدم، فرمود: وقتی سایه شاخص یک ذراع از زوال آفتاب گذشت وقت (فضیلت) نماز ظهر است. و وقت (فضیلت) نماز عصر بلند شدن سایه به مقدار دو ذراع از اول ظهر است و آن به اندازه چهار قدم از سایه زوال ظهر است. سپس فرمود: دیوار مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله به بلندی یک قامت بود، وقتی سایه آن به اندازه یک ذراع می‌شد آن حضرت نماز ظهر را می‌خواند، و چون به قدر دو ذراع می‌شد نماز عصر را می‌خواند. سپس فرمود: آیا می‌دانی چرا وقت نماز به اندازه یک ذراع و دو ذراع تأخیر افتاد؟ گفتم: چرا این گونه است؟ فرمود: به خاطر خواندن نافله است. می‌توانی از اول ظهر به خواندن نافله مشغول شوی تا وقتی که سایه شاخص به یک ذراع برسد. چون سایه به یک ذراع رسید نماز واجب را شروع کرده نافله را ترک می‌کنی، و چون سایه به قدر دو ذراع رسید نماز واجب عصر را شروع کرده نافله را ترک می‌کنی.

(۴) ۲۶۸. زراره گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز تا هنگام ظهر نمازی نمی‌خواند. چون ظهر می‌شد و سایه به اندازه نصف انگشت می‌رسید هشت رکعت (نافله ظهر) می‌خواند، و چون سایه به قدر یک ذراع می‌شد به نماز ظهر می‌پرداخت. آن‌گاه پس از نماز ظهر دو رکعت (از نافله عصر) می‌خواند و پیش از رسیدن وقت عصر نیز دو رکعت می‌خواند، تا آنکه سایه به قدر دو ذراع می‌شد، آن وقت نماز عصر را به جا می‌آورد. و وقتی آفتاب غروب می‌کرد نماز مغرب را می‌خواند، و بعد از پنهان شدن شفق (سرخ‌ی طرف مغرب) وقت نماز عشا آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۶

می‌رسید و آخر وقت مغرب پنهان شدن شفق است و چون شفق پنهان شد وقت عشا می‌رسد. و وقت عشا تا ثلث شب امتداد دارد. و بعد از آن نماز دیگری نمی‌خواند تا شب به نصف می‌رسید، آن‌گاه برمی‌خاست و سیزده رکعت نماز می‌خواند که نماز «وتر» و دو رکعت «نافله صبح» از آن سیزده رکعت بود. و چون سپیده صبح می‌دمید و هوا روشن می‌شد به خواندن نماز صبح مشغول می‌گردید «۱».

(۱) ۲۶۹. امام صادق علیه السلام در بیان چگونگی نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: شبها به هنگام خواب ظرف آبی را که روی آن را پوشانده بودند بالای سر آن حضرت و مسواک او را زیر بسترش می‌نهادند و آن حضرت می‌خوابید آن قدر که خدا بخواهد. چون از خواب بیدار می‌شد می‌نشست و دیده به آسمان می‌گرداند و آیات آخر سوره آل عمران: ان فی خلق السموات و الارض ... (آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴) را تلاوت می‌نمود. سپس مسواک می‌کرد و وضو می‌گرفت و به محل نماز می‌رفت و چهار رکعت [از نماز شب] می‌خواند، و رکوع هر رکعتش به قدر حمد و سوره‌ای بود که می‌خواند، و سجودش به قدر رکوع آن طول می‌کشید به حدی که می‌گفتند: کی سر از رکوع برمی‌دارد و به سجده می‌رود؟! و آن قدر در سجده می‌ماند که می‌گفتند: کی سر از سجده برمی‌دارد؟! آن‌گاه به بستر خود بازمی‌گشت و دوباره می‌خوابید آن قدر که خدا بخواهد، سپس بیدار می‌شد و می‌نشست و دیده به آسمان می‌گرداند و آیات آخر آل عمران را تلاوت می‌نمود. آن‌گاه مسواک می‌کرد و وضو می‌گرفت و به محل نماز می‌رفت و به خواندن چهار رکعت دیگر از نماز شب می‌پرداخت به همان نحو که قبلاً خوانده بود. باز به بستر می‌رفت و مقداری که خدا بخواهد می‌خوابید سپس بیدار می‌شد و دیده به آسمان می‌گرداند و همان آیات را

(۱) راجع به وقت نماز شب روایات دیگری نیز روایت کرده‌اند، همچنین راجع به وقت نافله ظهر و ناگفته نماند که این حدیث تمام رکعات نافله عصر را متذکر نشده است، و

ظاهراً جمله «پیش از رسیدن وقت عصر نیز دو رکعت می خواند» در صدد بیان جمله قبل است (نه بیان کامل نافله عصر). (مؤلف) آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۷ تلاوت می نمود و باز مسواک کرده، وضو می گرفت و (دو رکعت شفع و یک رکعت) و تر را می خواند و بعد از آن دو رکعت نافله صبح را می گزارد و برای نماز صبح به مسجد می رفت «۱».

(۱) ۲۷۰. و نیز روایت شده که آن حضرت نافله صبح را در اول سپیده دم به طور اختصار می خواند، سپس برای ادای نماز صبح از منزل خارج می شد.

(۲) ۲۷۱. شیخ طوسی گوید: نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله دو رکعت است، در هر رکعت پس از «حمد» ایستاده پانزده مرتبه سوره انا انزلناه را می خوانی، پانزده مرتبه دیگر در رکوع، پانزده مرتبه پس از آنکه از رکوع سر برداشتی، پانزده مرتبه در سجده اول، پانزده مرتبه پس از سر برداشتن از سجده، پانزده مرتبه در سجده دوم و پانزده مرتبه دیگر پس از آنکه سر از سجده دوم برداشتی. و به همین کیفیت رکعت دوم را می خوانی. چون سلام نماز دادی و آنچه دلت خواست تعقیب خواندی و از نماز بازگشتی، هیچ گناهی بین تو و خدای عز و جل نماند جز آنکه خداوند آن را بر تو خواهد بخشید.

(۳) ۲۷۲. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون ماه رمضان فرا می رسید به نماز خود می افزود، من نیز به آن می افزایم، شما هم بیفزایید.

(۴) ۲۷۳. محمد بن یحیی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که از آن جناب سؤال شد: آیا در ماه مبارک رمضان می توان به نمازهای نافله افزود؟ فرمود: آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله [شبهای ماه رمضان] پس از خواندن نماز «وتیره» در مصلای خود مشغول خواندن نوافل [ماه رمضان] می شد و فراوان نماز می خواند، تا اینکه مردم کم کم پشت سر آن حضرت جمع می شدند و می خواستند با آن حضرت نوافل را به طور جماعت بخوانند، اما پس از جمع شدن مردم، حضرت آنان را رها کرده و به منزل می رفت. چون

آنان متفرق می‌شدند، دوباره به مصلای خود بازمی‌گشت و

(۱) به زودی تفصیل عمل آن حضرت در نماز وتر خواهد آمد. (مؤلف)
 آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۸
 مانند گذشته مشغول خواندن نوافل می‌شد. باز چون مردم پشت سر آن حضرت جمع می‌شدند [و می‌خواستند با آن حضرت به جماعت نماز بخوانند] حضرت آنان را ترک می‌کرد و به منزل تشریف می‌برد. این کار مکرر از آن حضرت سر می‌زد.
 (۱) ۲۷۴. گروهی از اصحاب ائمه علیهم السلام گویند: ما از امام صادق و حضرت رضا علیه السلام از نماز [رسول خدا صلی الله علیه و آله] در ماه رمضان پرسیدیم که چگونه بود و آن حضرت چگونه عمل می‌کرد؟ سپس همگی بالاتفاق حدیث نامبرده را چنین روایت کرده‌اند: چون شب اول ماه رمضان فرا رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز مغرب و چهار رکعت نافله بعد از آن را که هر شب می‌خواند گزارد، سپس هشت رکعت دیگر بر آن افزود. و چون از نماز عشا فارغ شد، دو رکعت نماز نشسته نافله آن را خواند، و بعد از آن به پا ایستاد و دوازده رکعت دیگر نماز نافله به جا آورد، سپس داخل خانه شد. چون مردم دیدند که رسول خدا صلی الله علیه و آله با فرا رسیدن ماه رمضان بر نمازهایش افزود، از علت آن جويا شدند، فرمود: این نمازهایی که خواندم به خاطر فضیلت ماه رمضان بر ماه‌های دیگر است.
 چون شب بعد فرا رسید و رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست نماز نافله بخواند مردم پشت سر آن حضرت صف کشیدند تا اقامه جماعت کنند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی آنان برگشت و فرمود: ای مردم، این نماز نافله است و نماز نافله با جماعت خوانده نمی‌شود، هر یک از شما به تنهایی نماز بخواند و آنچه را خدا در کتابش به او آموخته بگوید. بدانید که در نمازهای نافله جماعت نیست. پس مردم همگی متفرق شدند و هر یک به تنهایی نماز خود را خواند.

چون شب نوزدهم ماه رمضان فرا رسید، موقع غروب آفتاب غسل کرد و نماز مغرب را خواند، سپس چهار رکعتی که همیشه بعد از نماز مغرب می‌خواند گزارد، بعد وارد منزل شد. چون بلال اذان نماز عشا را گفت و مردم برای نماز آماده شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله تشریف آورد و نماز عشا را با مردم به جماعت خواند. و پس آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۹ از آن دو رکعت نافله عشا را مانند شب‌های دیگر نشسته انجام داد، سپس ایستاد و صد رکعت نماز [نافله مخصوص شب قدر را] به جا آورد، و در هر رکعت از آن پس از «حمد» ده مرتبه سوره قل هو الله احد را قرائت فرمود. پس از آنکه از صد رکعت نماز فارغ شد، به خواندن نماز شب و وتر که در سایر شب‌ها می‌خواند مشغول گردید. چون شب بیستم ماه رمضان فرا رسید، مانند شب‌های قبل آن ماه، پس از نماز مغرب هشت رکعت، و بعد از نماز عشاء دوازده رکعت نافله مخصوص ماه مبارک رمضان را خواند.

در شب بیست و یکم هنگام غروب آفتاب غسل کرد و عمل شب نوزدهم را انجام داد. در شب بیست و دوم به نمازهای خود افزود، هشت رکعت پس از نماز مغرب و بیست و دو رکعت بعد از نماز عشاء نافله مخصوص به جا آورد. چون شب بیست و سوم فرا رسید باز هم مانند شب نوزدهم و بیست و یکم غسل کرد و مانند عمل آن دو شب را انجام داد. سپس از حضرت راجع به نوافل یومیه (پنج‌جاه رکعتی) پرسیدند که در ماه رمضان چگونه خوانده شود. فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نمازهای شبهای ماه رمضان را به اضافه نوافل پنج‌جاه رکعتی که در غیر ماه رمضان می‌خواند به جا می‌آورد و ابداً از آن پنج‌جاه رکعت چیزی کم نمی‌نمود. مؤلف: کیفیت انجام نوافل شب‌های دیگر، از شب بیست و چهارم تا آخر ماه، مانند شب بیست و دوم می‌باشد، چنان که اخبار دیگر بر آن دلالت دارد.

(۱) ۲۷۵. حضرت رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز اول محرم دو رکعت نماز می خواند.

(۲) ۲۷۶. یزید بن خلیفه گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: عمر بن حنظله آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۰ در باره وقت نمازها از شما برای ما مطالبی نقل کرده. حضرت فرمود: او بر ما دروغ نمی بندد... عرض کردم: عمر بن حنظله گوید: وقت نماز مغرب هنگامی است که قرص آفتاب پنهان شود، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسافرت گاهی که با شتاب راه می پیمود نماز مغرب را تأخیر می انداخت و آن را با نماز عشا می خواند. امام فرمود: عمر بن حنظله درست گفته است.

(۱) ۲۷۷. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب های بارانی نماز مغرب را تأخیر می انداخت و در خواندن نماز عشاء عجله می فرمود و آن دو را با هم یک جا می خواند و می فرمود: هر که به دیگران رحم نکند به او رحم نخواهد شد.

(۲) ۲۷۸. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که در سفر بود و یا کار فوری داشت، نماز ظهر و عصر را با هم می خواند، و همچنین بین نماز مغرب و عشاء فاصله نمی انداخت.

(۳) ۲۷۹. امام صادق علیه السلام فرمود: در روزهای بسیار گرم چون مؤذن برای گفتن اذان نماز ظهر اجازه می خواست رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: ابرد، ابرد،

«بگذار هوا خنک شود، بگذار هوا خنک شود».

(۴) مؤلف: شیخ صدوق گوید:

«ابرد، ابرد»

یعنی شتاب کن، شتاب کن. و آن را از کلمه «برید» یعنی نامه رسان گرفته است که به سرعت راه می پوید. ولی ظاهراً مراد از آن تأخیر انداختن اذان است تا هوا خنک شود و

شدت گرما بکاهد، چنان که روایتی که در کتاب علاء از محمد بن مسلم نقل شده این معنی را تأیید می‌کند. محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام در مسجد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در حالی که من داشتم نماز می‌خواندم مرا دید. بعدا روزی به من فرمود هیچ وقت نماز واجب را در آن وقت نخوان. آیا نماز را در آن شدت گرما می‌خوانی؟ عرض کردم: نماز نافله بود.

(۵) ۲۸۰. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هر گاه در نماز، کسی به خدمتش می‌آمد و در کنارش می‌نشست، به خاطر او نماز را کوتاه می‌کرد و متوجه او می‌شد و می‌فرمود: آیا آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۱، حاجتی داری؟ پس از آنکه حاجات او را برمی‌آورد، مجدداً به نماز می‌پرداخت. (۱) ۲۸۱. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ چون به نماز می‌ایستاد، از ترس خدا رنگش می‌پرید و صدایی سوزناک مانند صدای جوشش دیگ از سینه یا درونش به گوش می‌رسید.

(۲) ۲۸۲. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وقتی به نماز می‌پرداخت مانند جامه‌ای بود که روی زمین افتاده باشد.

(۳) ۲۸۳. عایشه گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ با ما سخن می‌گفت و ما با او سخن می‌گفتیم، همین که وقت نماز می‌رسید او را حالتی دست می‌داد که گویی نه او ما را می‌شناسد و نه ما او را می‌شناسیم.

(۴) ۲۸۴. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در نماز، گاهی [اندکی] به طرف راست و چپ خود نظر می‌افکند ولی به عقب گردن نمی‌کشید و روی خود را بر نمی‌گرداند.

(۵) ۲۸۵. علی علیه السلام چون محمد بن ابی بکر را والی مصر قرار داد، ضمن دستور العملی که برای او نوشت، فرمود: سپس مواظب رکوع و سجودت باش، زیرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از همه مردم نمازش کامل‌تر و در عین حال از همه سبک‌تر بود.

(۶) ۲۸۶. امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: وقتی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

آله گوشت میل می کرد، بدون آنکه دست‌های خود را بشوید به نماز مشغول می شد، ولی چون شیر میل می فرمود، پیش از آنکه دست خود را بشوید و آب در دهان بگرداند نماز نمی خواند.

(۷) ۲۸۷. ابن سنان گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: ما مؤذنی داریم که صبح نشده اذان می گوید. فرمود: اگر چه صبح نشده اذان گفتن به نفع همسایگان است، زیرا برای نماز شب (یا آمادگی برای نماز صبح) بیدار می شوند، و لیکن سنت این است که هنگام طلوع فجر اذان گفته شود و میان اذان و اقامه، تنها همان دو رکعت نافله فجر فاصله شود.

(۸) ۲۸۸. امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: چون وقت نماز داخل می شد، آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله به بلال می فرمود: بالای دیوار برو و با صدای بلند اذان بگو.

(۱) ۲۸۹. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی برای نماز از خانه بیرون آمد در حالی که حسین علیه السلام را به دوش خود گرفته و به مسجد آورد و در کنار خود ایستاد و مردم نیز پشت سر آن حضرت برای نماز جماعت صف کشیدند- و حسین علیه السلام دیر به سخن آمده بود به طوری که می ترسیدند زبان باز نکند- چون رسول خدا صلی الله علیه و آله تکبیر نماز گفت حسین علیه السلام با آن حضرت تکبیر گفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی تکبیر فرزندش را شنید دوباره تکبیر گفت. حسین علیه السلام نیز تکبیر گفت، تا آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله هفت بار تکبیر گفت و حسین علیه السلام نیز تکبیر گفت. به این سبب هفت بار تکبیر گفتن در آغاز نماز سنت گردید «۱».

(۲) ۲۹۰. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله موقع گفتن تکبیره الاحرام و همچنین هنگام گفتن تکبیر برای رکوع و نیز هنگامی که سر از رکوع

برمی داشت، دست‌ها را تا برابر گوشها بلند می کرد.
 (۳) ۲۹۱. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در نماز
 «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
 را آشکار می کرد و صدایش را به آن بلند می نمود.
 (۴) ۲۹۲. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وقتی با مردم
 نماز
 «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
 را آشکار می کرد.
 (۵) ۲۹۳. علی علیه السلام فرمود: هر گاه به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در نماز حالت
 «خمیازه» دست می داد، دست راستش را جلو دهان می گرفت.
 (۶) ۲۹۴. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ گاهی در حال نماز
 دست خود را به محاسن شریف می کشید؛ به آن حضرت عرض کردیم: یا رسول الله،
 شما را می بینیم که گاهی در نماز به محاسن خود دست می کشید؟! فرمود: این وقتی است
 که غم زیاد می شود و دلم می گیرد.

(۱) در بعضی روایات لفظ «حسن» نقل شده ولی «حسین» معروف تر است. (مؤلف)
 آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۳
 (۱) ۲۹۵. ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در نماز قبل از اشتغال
 به
 «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»
 می گفت.

(۲) ۲۹۶. شیخ صدوق رحمه الله گوید: نماز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از همه مردم
 کامل تر و مختصرتر بود، وقتی داخل نماز می شد پس از گفتن

«اللَّهُ
بلافاصله
«بسم
اللَّهُ
الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ»
اکبر»
می گفت:
«۱».

(۳) ۲۹۷. امام باقر علیه السلام فرمود: دو نفر از اصحاب رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله در کیفیت قرائت نماز آن حضرت اختلاف کردند، برای روشن شدن آن به ابی بن کعب نامه نوشتند که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله چند بار در نماز مکث می کرد؟ او پاسخ داد:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله در حال قرائت دو جا مکث می کرد: یکی پس از فراغت از فاتحه الكتاب، و دیگری پس از پایان یافتن سوره. (۴) مؤلف: صدوق این حدیث را به طور مفصل روایت کرده و در آن آمده که مکث اول پس از تکبیر الاحرام، و مکث دوم پس از فراغ از قرائت و قبل از رفتن به رکوع بوده است.

(۵) ۲۹۸. سمره و ابی بن کعب روایت کرده اند که مکث اول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله پس از تکبیر الاحرام و دومی بعد از پایان یافتن سوره حمد بوده است. (۶) ۲۹۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله در نماز «صبح» سوره هایی مانند «عمّ یتسائلون» و «هل اتیک حدیث الغاشیه» [و «هل اتی علی الانسان»] و «لا اقسام بیوم القیامه» و مانند آن را می خواند. و در نماز «ظهر» مانند سوره های «سبح اسم ربک» و «و الشمس و ضحیها» و «هل اتیک حدیث الغاشیه» و مانند آن را قرائت می کرد. و در نماز «مغرب» سوره های کوتاهتری چون «قل هو الله احد» و «اذا جاء نصر الله و الفتح» و «اذا زلزلت» را می خواند. و در نماز «عشاء» آنچه در نماز «ظهر» و

(۱) از این روایت معلوم می شود که آن حضرت در هنگام عجله و گاه برای رعایت حال

- عموم، أعوذ بالله نمی گفت.
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۴
- در نماز «عصر» آنچه در نماز «مغرب» می خواند، قرائت می فرمود.
- (۱) ۳۰۰. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در رکعت آخر نماز شب سوره «هل أتى على الانسان» را قرائت می کرد.
- (۲) ۳۰۱. روایت شده که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در سه رکعت آخر نماز شب (شفع و وتر) نه سوره را می خواند: در رکعت اول سوره «الهيكم التكاثر» و «انا انزلناه» و «اذا زلزلت»، و در رکعت دوم: «الحمد (۱)» و «و العصر» و «اذا جاء نصر الله»، و در یک رکعت وتر «قل يا ايها الكافرون» و «تبت» و «قل هو الله احد».
- (۳) ۳۰۲. امام صادق علیه السلام فرمود: قنوت در تمام نمازها، در رکعت دوم پیش از رفتن به رکوع و پس از قرائت، سنت لازمی است.
- (۴) ۳۰۳. براء بن عازب گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هیچ نماز واجبی را بدون «قنوت» انجام نمی داد.
- (۵) ۳۰۴. هفتاد و چند تن از شیعیان از امام حسن عسکری علیه السلام - در یک حدیث طولانی - روایت کرده اند که آن حضرت فرمود: خدای عزّ و جلّ به جدّم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وحی کرد که تو و علی و حجتّهای دیگرم از نسل علی را تا روز قیامت به ده خصلت مخصوص کردم، که از جمله آنهاست: قنوت خواندن در رکعت دوم از هر نماز.
- (۶) ۳۰۵. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ برای رکوع به قدری خم می شد که اگر مقداری آب بر پشت او ریخته می شد ثابت می ماند و از هیچ طرف فرو نمی ریخت.
- (۷) ۳۰۶. هشام بن حکم گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: به چه علت در رکوع «سبحان ربّي العظيم و بحمده» و در سجده «سبحان ربّي الاعلی و بحمده» گفته می شود؟ فرمود: ای هشام، هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را به معراج بردند

و در آنجا نماز گزارد و متذکر عظمت و بزرگی حق تعالی - که در آن شب دیده بود - شد، بدنش

(۱) «انا اعطیناک الکوثر» درست است چنان که در روایت دیگر آمده است. (محمد هادی

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۵، به لرزه افتاد و بی اختیار به حالت رکوع در آمد و در آن حال گفت: «سبحان ربی العظیم و بحمده»

. و چون از رکوع برخاست، به سوی حق تعالی در مقام و جایگاهی بالاتر از حالت قبلی متوجه شد [از ترس و عظمت حق] به سجده افتاد و گفت: «سبحان ربی الاعلی و بحمده»

. چون این ذکر را هفت بار تکرار کرد حالت خوف و ترس از او زایل شد. به این جهت «سنت» بر آن قرار گرفت.

(۱) ۳۰۷. عبایه گوید: امیر المؤمنین علیه السلام به محمد بن ابی بکر نوشت: مراقب رکوع و سجودت باش، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله که نمازش را کامل تر از همه انجام می داد و بهتر از دیگران مراعات می کرد، چون به رکوع می رفت سه بار می گفت: «سبحان ربی العظیم و بحمده»

... و چون به سجده می رفت، می گفت: «سبحان ربی الاعلی و بحمده»

. (۲) ۳۰۸. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به سجده می رفت، دو زانوی خود را قبل از دستها به طرف زمین پیش می برد. (۳) مؤلف: در اخبار زیادی از اهل بیت علیهم السلام ذکر شده که مستحب است هنگام سجده رفتن دستها را پیش از زانوها بر زمین بگذارند. و شاید مراد از «استقبال» زانوها

به طرف زمین، در این حدیث، پیش بردن آن در موقع خم شدن باشد نه آن که آنها را قبل از دستها بر زمین گذارد (به این صورت که رسول خدا چون می خواست به سجده برود، اول با زانو به طرف زمین خم می شد ولی دست های خود را پیش از زانو بر زمین می نهاد).

(۴) ۳۰۹. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ موقع سجده کردن بر کف های دست خود تکیه می کرد و بازوهای خود را باز نگه می داشت به طوری که زیر بغل هایش از پشت سر دیده می شد.

(۵) ۳۱۰. روایت شده که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر «خمره» - یعنی حصیر کوچکی که از برگ درخت خرما بافته می شود - سجده می کرد. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۶ (۱) ۳۱۱. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به محل سجده خود آب می پاشید.

(۲) ۳۱۲. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عصای نوک تیزی داشت که بر آن تکیه می کرد و روزهای عید آن را به دست می گرفت و موقع نماز خواندن آن را جلوی خود می نهاد (یعنی به زمین فرو می کرد تا حریم نمازش باشد).

(۳) ۳۱۳. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وقتی نماز می خواند چوبدستی مخصوص خود را جلو سجاده اش می نهاد.

(۴) ۳۱۴. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در نماز عید فطر و عید قربان و نماز استسقا (طلب باران) در رکعت اول هفت تکبیر (تکبیره الاحرام به اضافه پنج تکبیر برای قنوت ها، و تکبیر هفتم برای رفتن به رکوع) و در، رکعت دوم پنج تکبیر (چهار تکبیر برای چهار قنوت و یکی هم برای رفتن به رکوع) می گفت. (۵) ۳۱۵. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در نماز عید فطر و قربان، سوره «سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلَى» و «هَلْ اَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ» را قرائت می کرد.

(۶) ۳۱۶. امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله اول برای استسقا و طلب باران دو رکعت نماز می خواند، و سپس همان طور که نشسته بود دعا می کرد و از خداوند طلب باران می نمود. و نیز فرمود: رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله اول نماز استسقا را تمام می کرد و بعد از آن خطبه می خواند، و در نماز هم قرائت را بلند می خواند.

(۷) ۳۱۷. امام باقر علیه السّلام فرمود: از سنّت است که اهل هر شهری برای نماز عید فطر و قربان به سوی صحرا بیرون روند، مگر اهل مکه که آنان در مسجد الحرام نماز عید می خوانند.

(۸) ۳۱۸. علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله هنگامی که برای نماز از شهر خارج می شد و به مصلّی می رفت، در رفتن از طریق «شجره» می رفت و در مراجعت از طریق «معرّس» باز می گشت. به طور کلی آن حضرت در رفتن به سوی مصلّی راه درازتر، و در هنگام مراجعت راه کوتاه تر را اختیار می فرمود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۷

(۱) ۳۱۹. أمير المؤمنین علیه السّلام فرمود: سنّت آن است که جز در صحراها نماز باران نخوانند، یعنی در آنجا که مردم بتوانند به آسمان نظر کنند. و هیچ جا نباید در مساجد نماز باران بخوانند و طلب باران کنند جز در مکه معظمه (که در مسجد الحرام نماز استسقا می خوانند و طلب باران می نمایند).

(۲) ۳۲۰. نعمان گوید: رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله صف های نماز ما را چنان مرتب و منظم می کرد که گویی چوب های تیر را جفت و جور می کند و فکر می کرد که ما از این کار او غافلیم. روزی به مسجد آمد و به نماز ایستاد، چون خواست تکبیر الاحرام بگوید متوجه شد که مردی سینه اش جلوتر از سایرین است، فرمود: بندگان خدا، صفوف خود را منظم کنید و گر نه میان دلهایتان اختلاف خواهد افتاد.

(۳) ۳۲۱. ابن مسعود گوید: رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله هنگام نماز دست بر شانه های ما می گذاشت و می فرمود: منظم بایستید و کج و راست نایستید، که دلهایتان نیز کج و

راست
خواهد
شد.
(۴)

ملحقات

(۵) (۲۷۵) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَشْتِيَاقٍ تَمَامٍ اِنْتِظَارٍ وَقْتُ نَمَازٍ رَا مِي كَشِيدٍ وَ
چشم به راه داخل شدن وقت بود و [چون وقت نماز می رسید] به مؤذنش می فرمود: ای
بلال [با اذان گفتن] راحتمان کن.

(۶) (۲۷۶) أمير المؤمنين عليه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هِيْجَ چيز را -
از شام و غير آن - بر نماز مقدم نمی داشت، و چون وقت نماز فرا می رسيد گویا هيچ يك
از خانواده و دوست و رفيق خود را نمی شناخت.
(۷) (۲۷۷) امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ چون خورشيد
غروب می کرد هيچ کاری را بر نماز مغرب مقدم نمی داشت و در اول وقت، نماز مغربش
را

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۸،
می خواند.

(۱) (۲۷۸) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِي فرمود: نور چشم من در نماز و روزه قرار
داده شده (يعنی آن دو را از هر چيز دوست تر می دارم).

(۲) (۲۷۹) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به ابو ذر فرمود: ای ابا ذر، خدای متعال روشنی
چشم مرا در نماز قرار داده و آن را محبوب من گردانیده چنان که طعام را برای گرسنه
و آب را برای تشنه محبوب ساخته است. آدم گرسنه با خوردن غذا سير می شود، و تشنه
با نوشیدن آب سيراب می گردد، ولی من از خواندن نماز سير نمی شوم.

(۳) (۲۸۰) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در حال نماز قلبش چون ديگك جوشان، از
خوف خدای متعال می جوشيد.

(۴) (۲۸۱) گفته‌اند: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَنَگَامِ نَمَازِ خَوَانَدَنِ دَیدِ گَانَشِ رَا بَه سَوِیِ آسْمَانِ بَرَمِیِ دَاشْتِ، وَ چُونِ آیهِ شَرِیْفَه: الَّذِینَ هُمُ فِی صَلَوَتِهِمْ خَاشِعُونَ «۱» نَازِلِ شَدِ، سَرَشِ رَا پَایِینِ آوَرْدِ وَ بَه سَوِیِ زَمِینِ نَظَرَ اَفکَنْدِ.

(۵) (۲۸۲) شیخ صدوق رحمه الله گوید: در شش نماز «توجه» (خواندن دعای وَجْهَتِ وَجْهَیِ لِّلذِی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ ... «۲» بعد از تکبیره الاحرام) از سنت است: رکعت اول نماز شب، یک رکعت نماز وتر، رکعت اول از نافله ظهر، رکعت اول نماز احرام، رکعت اول نافله مغرب، رکعت اول از هر نماز واجب.

(۶) (۲۸۳) در ضمن پاسخهایی که از ناحیه مقدسه به مسائل محمد بن عبد الله حمیری داده شده، چنین آمده: هیچ یک از دعاهای مذکوره در «توجه» واجب نیست، لیکن سنت مؤکد در آن، که مانند اجماع همگی بر آن اتفاق دارند آن است که [پس از تکبیره الاحرام] چنین بگویی:

وَجْهَتِ وَجْهَیِ لِّلذِی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ حَنِیْفَا مُسْلِمًا - عَلِیُّ مَلَّةُ اِبْرَاهِیْمِ وَ دِینِ مُحَمَّدٍ وَ هَدِیِّ عَلِیِّ امِیرِ الْمُؤْمِنِینَ - وَ

(۱) مؤنون / ۲.

(۲) این دعا در حدیث بعد ذکر شده است. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۹ ما أَنَا مِنَ الْمُشْرَکِیْنَ. اِنَّ صَلَاتِیْ وَ نَسْکِیْ وَ مَحْیَایِ وَ مَمَاتِیْ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَ بِذَلِکَ اَمَرْتُ وَ اَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ، اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِیْعِ الْعَلِیْمِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.

«روی خود را به سوی خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده، برگرداندم در حالتی که - بر طبق ملت ابراهیم و دین محمد و هدایت امیر مؤمنان علی - یکتا پرست و مسلمانم

و هرگز از مشرکان نیستم. همانا نماز و قربانی و زندگی و مرگم تنها برای خدا و در اختیار پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد، و به همین اعتقاد مأمورم و از مسلمانانم. خدایا، مرا از مسلمانان قرار ده. به خدای شنوا و دانا از شر شیطان رانده شده پناه می‌برم.
«... سپس شروع به خواندن سوره حمد کن.

(۱) (۲۸۴) ابو الحسن بن راشد گوید: از امام رضا علیه السلام راجع به «تکبیرات افتتاحیه» سؤال کردم، فرمود: هفت تکبیر است. عرض کردم: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که در افتتاح نماز یک تکبیر بیشتر نمی‌گفته است. فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله یک تکبیر را بلند و شش تکبیر دیگر را آهسته می‌گفت.
(۲) (۲۸۵) سید بن طاوس گوید: نماز گزار پس از تمام شدن سلام نماز، سه بار تکبیر بگوید، و در هر بار دستها را تا مقابل نرمة گوش بلند نماید، زیرا آن سنت مؤکدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به شکرانه بعضی بشارتهایی که به او رسید، آن را سنت قرار داد.

(۳) (۲۸۶) امام صادق علیه السلام می‌فرمود: از سنت است که در نماز صبح و مغرب و عشا، بین اذان و اقامه بنشیند و نافله نخواند. و از سنت است که در نماز ظهر و عصر بین اذان و اقامه دو رکعت نافله بخواند.
(۴) (۲۸۷) امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: سنت بر آن جاری شده که زنان در نماز جماعت، پس از مردان سر از سجده بردارند.
(۵) (۲۸۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله چون رکوع می‌کرد، سرش را نه پایین می‌انداخت و نه

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۰
طوری بلند می‌کرد که از بدنش بالاتر باشد، بلکه حد وسط را رعایت می‌فرمود.
(۱) (۲۸۹) امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون در نماز می‌شنید که طفلی گریه می‌کند، نمازش را تخفیف می‌داد تا مادرش (که

در جماعت به حضرت اقتدا کرده) به او رسیدگی کند.

(۲) (۲۹۰) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله گاهی (ظاهراً در اوقات سفر بوده) خورجین (و یا پالان شتر) خود را که طولش یک ذراع بود (عوض چوبدستی که در روایات دیگر ذکر شده) جلوی خود قرار می‌داد و نماز می‌خواند تا حایلی میان او و عابریین باشد.

(۳) (۲۹۱) ابان بن تغلب گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: رسول خدا صلی الله علیه و آله در چه ساعتی نماز «وتر» می‌خواند؟ حضرت اظهار داشت به اندازه فاصله‌ای که میان غروب خورشید و وقت نماز مغرب هست (یعنی قبل از طلوع فجر به طوری که تمام شدن نماز «وتر» با طلوع فجر متصل باشد).

(۴) (۲۹۲) امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: سنت بر آن جاری شده که آدمی روز عید فطر، قبل از رفتن به مصلی، برای خواندن نماز عید افطار کند. ولی در عید قربان بعد از رفتن به مصلی، [و خواندن نماز] چیز بخورد.

(۵) (۲۹۳) امام صادق علیه السلام فرمود: در روز عید فطر برای پدرم حصیر کوچکی آوردند که زیر پا بیندازد، پدرم آن را رد کرد و فرمود: این روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست داشت در فضای باز باشد تا به آفاق آسمان بنگرد و جبهه شریفش را روی زمین بنهد.

(۶) (۲۹۴) امام صادق علیه السلام فرمود: در روز عید فطر یا قربان به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: کاش در مسجد خودتان نماز عید می‌خواندید! پاسخ داد: دوست دارم به فضای باز بروم تا آفاق آسمان را نظاره کنم.

(۷) (۲۹۵) روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در عید فطر و قربان - هر اندازه هوا

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۱، سرد و یا گرم بود - برد می‌پوشید و عمامه به سر می‌نهاد.

(۱) (۲۹۶) روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله روز عید فطر و قربان چون برای نماز عید خارج می‌شد، صدایش را به تکبیر بلند می‌کرد.

(۲) (۲۹۷) امام صادق علیه السلام فرمود: تنها در مدینه نه در غیر آن، قبل از رفتن به مصلی برای انجام نماز عید فطر و قربان، خواندن دو رکعت نافله در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله از سنت است، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را انجام داده است.

(۳) (۲۹۸) در حدیثی چنین ذکر شده: چون عید فرا رسید، مأمون از حضرت رضا علیه السلام خواست تا سوار شده برای ادای نماز عید و خطبه خواندن به مصلی برود ... چون مأمون اصرار زیاد کرد، حضرت اظهار داشت: یا امیر المؤمنین، اگر مرا از این کار معاف داری بیشتر دوست دارم، و اگر معاف نداری من به همان وضع و هیئتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به نماز عید می‌رفتند می‌روم ...

صبح روز عید چون آفتاب طلوع کرد، حضرت رضا علیه السلام غسل کرد و عمامه سفیدی که پارچه‌اش از پنبه بود به سر بست و یک طرف آن را به روی سینه و طرف دیگر را به پشت سر انداخت و آستین‌ها را بالا زد و به تمام غلامان و خدمتگزاران خود نیز فرمود که شما هم مثل من عمل کنید. سپس عصای نوک تیزی را به دست گرفت و پای برهنه، در حالی که لباسهایش را بالا زده و ساق پایش نمایان بود و ما هم در خدمت او بودیم، آماده بیرون رفتن شد. پس چون ایستاد و ما هم در برابر او به راه افتادیم، سر به سوی آسمان برداشت و چهار بار تکبیر گفت ... امام علیه السلام با همان جلال و عظمت بر مردم نمایان شد، بر در خانه ایستاد و سه بار با صدای بلند فرمود:

«اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ عَلِيٌّ مَا هَدَانَا، اللَّهُ اكْبَرُ عَلِيٌّ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْاَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلِيٌّ مَا ابْلَانَا»

و ما نیز با او همصدا شدیم ... حضرت در هر ده قدم یک بار توقف می‌کرد و چهار تکبیر را (با صدای بلند) می‌گفت ...

سرزمین‌های مردهات را زنده کن.^۱
 (۵) ۳۰۴) علی علیه السّلام فرمود: بارانی که روزی حیوانات از آن به وجود می‌آید از زیر عرش نازل می‌شود، و از این جهت بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام بارندگی،

(۱) یا آنکه این عملی است که حالت انکسار و شکستگی را نشان می‌دهد و رحمت حق را به جوش می‌آورد و موجب می‌شود تا خشکسالی را به فراوانی نعمت تبدیل سازد. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۳، قطرات اولیه باران می‌ایستاد تا آنکه سر و محاسن شریفش از آب باران تر می‌شد ...
 (۱) ۳۰۵) علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به باران نظر می‌کرد،

اللّهم اجعله صبّا نافعا
 «خدایا، این بارندگی را فراوان و سودمند قرار ده».

(۲) ۳۰۶) امام باقر علیه السّلام فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نماز جمعه بیرون می‌رفت بالای منبر می‌نشست تا آنکه مؤذّن‌ها از گفتن اذان فارغ شوند.

(۳) ۳۰۷) علی علیه السّلام فرمود: از سنّت است که چون امام جمعه بالای منبر رفت هنگامی که روی به جمعیت کرد بر آنان سلام کند.

(۴) ۳۰۸) حضرت سجاد علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله (در نماز جمعه) دو خطبه می‌خواند. پس از خطبه اول روی منبر می‌نشست، سپس بلند می‌شد و

خطبه دوم را می‌خواند.

(۵) ۳۰۹) امام باقر علیه السّلام فرمود: در نماز جمعه حمد و سوره را بلند بخوانید، زیرا که آن سنّت است.

(۶) ۳۱۰) امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که آفتاب

- از وسط آسمان رد می‌شد نماز جمعه را می‌خواند.
- (۷) (۳۱۱) امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السّلام فرمود: قنوت خواندن در نماز جمعه سنت است.
- (۸) (۳۱۲) امام صادق علیه السّلام فرمود: در نماز جمعه سنت بر این است که امام در رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقون بخواند.
- (۹) (۳۱۳) علی علیه السّلام فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد می‌شد و بلال مشغول گفتن اقامه نماز بود، آن حضرت می‌نشست.
- (۱۰) (۳۱۴) سهل ساعدی گوید: میان جای نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیوار به اندازه عبور گوسفند فاصله بود.
- (۱۱) (۳۱۵) هشام بن سالم از امام صادق علیه السّلام از تسبیح (در رکوع و سجود) پرسید، آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۴
- آن حضرت فرمود: در رکوع
- «سبحان ربّی العظیم»
- و در سجده
- «سبحان ربّی الاعلی»
- بگو. سپس فرمود: یک بار ذکر گفتن واجب است و سه مرتبه سنت، و فضیلت در این است که ذکر رکوع و سجده هفت بار گفته شود.
- (۱) (۳۱۶) امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر رکعتی از نماز پانزده آیه قرائت می‌کرد، و رکوعش به اندازه قیامش، و سجده‌اش به اندازه رکوعش طول می‌کشید، و سر برداشتن آن حضرت از رکوع و سجده مساوی بود.
- (۲) (۳۱۷) امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز واجب صبح را هنگامی که هوا خوب روشن شده بود می‌خواند.
- (۳) (۳۱۸) اسحاق بن فضل از امام صادق علیه السّلام از سجده کردن بر حصیر و بوریا

پرسید، آن حضرت فرمود: اشکال ندارد، اما من بیشتر دوست دارم که بر زمین سجده شود، زیرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دوست داشت که پیشانی خود را بر زمین نهد، و من دوست دارم برای تو آنچه را که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دوست داشت. (۴) (۳۱۹) در باره نماز نافله از امام صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود: سنّت آن است که نوافل روز آهسته و نوافل شب بلند خوانده شود. (۵) (۳۲۰) از معصوم علیه السّلام روایت شده که فرمود: سوره «قل هو الله احد» یک سوم قرآن، و سوره «قل يا أيها الكافرون» برابر یک چهارم قرآن است و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «قل هو الله أحد» را در نماز وتر (یک رکعتی آخر نماز شب) جمع می کرد تا آنکه همه قرآن را خوانده باشد «۱».

(۶) (۳۲۱) امام باقر علیه السّلام می فرمود: دعا خواندن پس از نماز واجب بیشتر از خواندن نماز مستحبی ثواب دارد و سنّت نیز بر این جاری شده است. (۷) (۳۲۲) ابو هارون مکفوف، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: ای ابا هارون، ما (اهل بیت) فرزندان خویش را به گفتن تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام امر

(۱) ظاهراً مراد این است که آن حضرت در نماز وتر سه مرتبه «قل هو الله أحد» را می خواند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۵

می کنیم همان گونه که به خواندن نماز امر می کنیم، تو نیز بر آن مواظبت کن، زیرا هر که به گفتن تسبیح آن حضرت مداومت کند شقی نخواهد شد.

(۱) (۳۲۳) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به علی علیه السّلام فرمود: یا علی، بر تو باد در تعقیب نمازهای واجب به خواندن آیه الكرسي، زیرا بر این عمل غیر از پیامبر و یا صدیق و شهید مواظبت نمی کند.

(۲) (۳۲۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله در نمازهای شفع و وتر، در رکعت اول «سَبِّح اسم ربِّک الاعلی» و در رکعت دوم «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت سوم که (یک رکعتی است و) باید در آن قنوت خواند «قل هو الله أحد» را قرائت می‌کرد. و خواندن همه این سوره‌ها بعد از خواندن سوره حمد است.

(۳) (۳۲۵) امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سجده این دعا را می‌خواند:
 اللَّهُمَّ لَكَ سَجْدَتِي، وَ بَكَ آمَنْتُ، وَ لَكَ اسْلَمْتُ، سَجَدَ وَجْهِي لِلذِّی خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ، وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ، فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ .
 «بارالها، برای تو سجده کردم، و به تو ایمان آوردم، و تسلیم تو هستم. چهره (و حقیقت)

من بر کسی سجده کرد که آن را آفرید و تصویرش نمود، و چشم و گوش برایش شکافت، پس مقدس و والاست خدای یکتا که بهترین آفرینندگان است».

(۴) (۳۲۶) امیر المؤمنین علیه السلام به محمد بن ابی بکر (هنگامی که او را والی مصر نمود) نوشت: مواظب رکوع نمازت باش - تا آنجا که می‌فرماید: - چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از رکوع بلند می‌شد، می‌گفت:
 سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمَدَهُ. لَكَ الْحَمْدُ مَلَأَ سَمَاوَاتِكَ وَ مَلَأَ أَرْضَكَ، وَ مَلَأَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ .
 «خداوند ستایش کسی را که او را ستود بشنود و اجابت کند، خداوندا، تو را سپاس و ستایش به حجم آسمانها و زمینت، و حجم هر چه خواهی».

(۵) (۳۲۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله میان دو سجده نماز این دعا را می‌خواند:
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، وَ اجْرِنِي وَ عَافِنِي، اِنِّي لِمَا انزَلْتَ الَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۶، العالمین.

«خداوندا، مرا بیامرز و بر من رحمت آر، و مرا پناه ده و عافیت بخش، من به خیری که

بر من فرو فرستی نیازمندم، مقدس و والاست خدای یکتا که پروردگار عالمیان است». (۱) (۳۲۸) میمونه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله گوید: برای آن حضرت حصیر کوچکی که از برگ درخت خرما بافته شده بود در مسجد پهن می کردند تا بر آن نماز بخواند.

(۲) (۳۲۹) امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: خدای بزرگ به جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی کرد که تو و علی و حجت های دیگرم از نسل علی و شیعیان شما را تا روز قیامت به ده خصلت مخصوص گردانیده ام، که از جمله آنها پیشانی بر خاک نهادن است بعد از هر نماز (برای سجده شکر). (۳) (۳۳۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله چون نماز می خواند آن را به طور کامل انجام می داد.

(۴) (۳۳۱) روایت شده: محبوب ترین نمازها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نمازی بود که بر آن مداومت شود اگر چه نماز مختصری باشد. و آن حضرت چون شروع به خواندن نمازی می فرمود بر آن مداومت می کرد. (۵) (۳۳۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: دو رکعت نماز در دل شب، نزد من محبوب تر است از دنیا و آنچه در آن است. (۶) (۳۳۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به خدایی که مرا برانگیخت، جبرئیل از اسرافیل، از خدای تبارک و تعالی به من خبر داد که فرمود: هر کس در شب آخر ماه مبارک رمضان ده رکعت نماز بخواند، در هر رکعت سوره حمد یک مرتبه و سوره «قل هو الله أحد» را ده بار بخواند و در رکوع و سجده آن ده مرتبه «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» بگوید، و در هر دو رکعت تشهد بخواند و سلام دهد، و چون از ده رکعت نماز فارغ شد هزار مرتبه استغفار کند (استغفر الله بگوید) و پس از استغفار به سجده رفته بگوید: یا حی یا قیوم، یا ذا الجلال و الاکرام، یا رحمان الدنیا و الآخرة و رحیمهما، یا أرحم

الرَّاحِمِينَ، يَا أَلَهَ الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ، اغفر لنا
 آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۷
 ذنوبنا، و تقبل منا صلاتنا و صيامنا و قيامنا
 (بعد در باره اجر کسی که این عمل را انجام دهد و در فضیلت این نماز بیانات زیادی
 فرمود تا آنجا که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود:) این نمازی است که تنها خدای
 متعال به من و امّتم از مردان و زنان هدیه فرموده و به احدی از پیغمبران و غیر آنان پیش
 از من عطا نکرده است.
 (۱) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله چون وارد خانه می شد پیش از آنکه بنشیند اول
 کاری که انجام می داد این بود که چهار رکعت نماز (به دو سلام) می خواند، در رکعت
 اول سوره «لقمان» و در رکعت دوم سوره «یس» و در رکعت سوم سوره «حم دخان» و
 در رکعت چهارم سوره «تبارک الملک» را قرائت می فرمود.
 آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۸
 (۱)

۱۷ آداب و سنن آن حضرت در روزه

اشاره

(۲) ۳۲۲. امام صادق علیه السلام می فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله آن قدر پی
 در پی روزه می گرفت که می گفتند: دیگر افطار نمی کند. سپس آن قدر پشت سر هم
 افطار می کرد که می گفتند: دیگر روزه نمی گیرد. پس از آن یک روز در میان روزه
 می گرفت.

سپس روزهای دوشنبه و پنجشنبه از هر هفته را روزه می گرفت. سرانجام سنت بر آن
 جاری شد که آن حضرت در هر ماه سه روز: پنجشنبه اول ماه، و چهارشنبه وسط، و
 پنجشنبه آخر ماه را روزه می گرفت. و آن حضرت می فرمود: این روزه همه عمر است

(اگر کسی چنین کند مثل آن است که تمام عمرش روزه باشد).

امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ کس نزد خداوند مبعوض تر از کسی نیست که وقتی به او نگویند: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان و چنان می کرد، او در جواب بگوید: خدا مرا به خواندن نماز و روزه بسیار عذاب نخواهد کرد (نماز و روزه حد معینی ندارد و هر چه بیشتر بهتر!). زیرا معنی این حرف این است که گویا رسول خدا صلی الله علیه و آله از انجام بیش از آن عاجز بود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۹

(۱) ۳۲۳. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز بعثت آن قدر پی در پی روزه می گرفت که می گفتند دیگر افطار نمی کند. سپس آن قدر افطار می کرد که می گفتند دیگر روزه نمی گیرد. آن گاه از این روش دست برداشت و یک روز در میان روزه می گرفت که روزه حضرت داود علیه السلام باشد. سپس آن را ترک کرد و سه روز ایام البیض (سیزده و چهارده و پانزدهم هر ماه) را روزه می گرفت. و سرانجام از آن هم صرف نظر کرد و سه روز را در دهه های ماه پخش کرد: پنجشنبه دهه اول، و چهارشنبه دهه دوم، و پنجشنبه دهه سوم. و تا زنده بود این روش را ادامه داد.

(۲) ۳۲۴. علی علیه السلام فرمود: روزه گرفتن سه روز از هر ماه که پنجشنبه اول و چهارشنبه وسط و پنجشنبه آخر باشد و روزه ماه شعبان، و سوسه را از دل، و غم و غصه را از قلب آدمی می زداید ... ما اهل بیت پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط هر ماه را روزه می داریم.

(۳) ۳۲۵. عنبسه عابد گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله رحلت فرمود در حالی که همیشه ماه شعبان و ماه رمضان و سه روز از هر ماه را روزه می گرفت.

(۴) ۳۲۶. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به یاران خود فرمود: کدام یک از شما تمام روزها را روزه می دارید؟ سلمان گفت: یا رسول الله، من. یکی از حاضران گفت: ای سلمان، اکثر روزها تو را دیده ام که غذا می خوری! سلمان گفت: چنان نیست که تو

گمان کرده‌ای، من در هر ماه سه روز آن را روزه می‌گیرم، و خدا فرموده: «هر که یک عمل خوبی انجام دهد ده برابر آن ثواب داده می‌شود». و از طرفی هم روزه ماه شعبان را به ماه رمضان وصل می‌کنم، و هر که چنین کند ثواب روزه تمام دهر را دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن مرد فرمود: کجا دیگر با مثل لقمان حکیم برخورد خواهی کرد؟ آنچه خواهی از او بپرس که تو را پاسخ خواهد داد.

(۵) ۳۲۷. سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله ماه شعبان را روزه می‌گرفت؟ فرمود: آری، ولی تمام آن را روزه نبود. پرسیدم: چند روز از آن

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۰

را افطار می‌کرد؟ فرمود: افطار می‌کرد. این سؤال را سه بار تکرار کردم و آن حضرت بجز کلمه «افطار می‌کرد» چیزی نمی‌فرمود، سپس سال بعد نیز همان سؤال را از حضرت کردم و باز همان طور پاسخ فرمود.

(۱) ۳۲۸. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ماه شعبان و ماه رمضان را روزه می‌گرفت و آن دو را به هم وصل می‌کرد، ولی دیگران را از این کار نهی می‌نمود، و می‌فرمود: این دو ماه، ماه خداست و روزه آن کفار گناهان قبل و بعد آنها خواهد بود.

(۲) مؤلف: شاید مراد از نهی این باشد که آن حضرت خوش نداشت مردم تمام ماه شعبان را روزه بگیرند، چنان که در پاره‌ای از اخبار امر شده که میان روزه ماه شعبان و ماه رمضان و لو به یک روز در اواسط آن افطار کنند.

(۳) ۳۲۹. انس بن مالک گوید: طعام رسول خدا صلی الله علیه و آله شربتی در افطار و شربتی در سحر بود، و بسا اتفاق می‌افتاد که شبانه‌روز جز یک بار خوردنی نداشت. و خیلی از اوقات این شربت شیر بود و گاهی غذای آن حضرت نان خیس خورده بود.

(۴) ۳۳۰. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که رطب

(خرمای تازه) وجود داشت اول چیزی که با آن افطار می کرد رطب بود و در زمان تمر (خرمای خشک) با تمر افطار می فرمود. (۵) ۳۳۱. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی روزه می گرفت و برای افطار به چیز شیرینی دست نمی یافت با آب افطار می کرد. (۶) ۳۳۲. و در بعض روایات وارد است: آن حضرت گاهی با کشمش افطار می کرد. (۷) ۳۳۳. شیخ مفید رحمه الله گوید: از آل محمد علیهم السلام روایت شده که سحری خوردن مستحب است اگر چه با یک شربت آب باشد. و روایت شده که بهترین غذای سحر «خرما» و «قاووت» است، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله در سحرها از آن میل می کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۱
 (۱) ۳۳۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر اوقات حلیم می خورد و گاهی نیز آن را غذای سحر قرار می داد.
 (۲) ۳۳۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون ماه رمضان فرا می رسید تمامی اسیران را آزاد می کرد، و به هر سائلی چیزی می داد.

۶

(۳) ۳۳. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله دهه آخر ماه مبارک رمضان بستر خود را جمع می کرد و کمر همت برای عبادت محکم می بست. و در شب بیست و سوم اهل بیت خود را بیدار نگه می داشت و به صورت هر کدام که خواب بر او غلبه می کرد آب می پاشید تا خواب از چشمش برود. همچنین حضرت فاطمه علیها السلام هیچ یک از اهل خانه خود را نمی گذاشت که در آن شب بخوابند و برای اینکه خوابشان نبرد غذای کمتری به آنان می داد و از روز، خود را برای شب زنده داری آماده می کرد، و می فرمود: محروم است کسی که از خیر این شب بی بهره ماند.
 (۴) ۳۳۷. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روز عید فطر هنگامی

که می‌خواست برای نماز عید به سوی مصلی بیرون رود قبلا با چند دانه خرما یا کشمش افطار می‌نمود.

(۵) ۳۳۸. شیخ صدوق رحمه الله گوید: سنت آن است که آدمی در عید قربان بعد از نماز، و در عید فطر قبل از نماز چیزی بخورد.
(۶)

ملحقات

(۷) ۳۳۵ از برخی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که آن حضرت روز نهم ماه ذی حجه و سه روز از هر ماه (پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط و پنجشنبه آخر ماه) را روزه می‌گرفت.

(۸) ۳۳۶ چون ماه مبارک رمضان فرا می‌رسید رنگ رخسار رسول خدا صلی الله علیه و آله

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۲ تغییر می‌کرد و نماز خواندنش زیاد می‌شد، و در دعا و درخواست از خداوند بسیار زاری و تضرع می‌کرد و از خدا ترسان بود.

(۱) ۳۳۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه از امری غمگین می‌شد، با نماز خواندن و روزه گرفتن بر دفع آن غم یاری می‌جست.

(۲) ۳۳۸ علی علیه السلام فرمود: چون ماه شعبان فرا می‌رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله در اول آن، سه روز، و در وسط آن سه روز، و در آخر آن سه روز روزه می‌گرفت، و دو روز به ماه مبارک رمضان مانده روزه نمی‌گرفت، سپس ماه رمضان را روزه می‌داشت.

(۳) ۳۳۹ امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون می‌خواست افطار کند با حلوا آغاز می‌کرد، و اگر حلوا نبود با یک حبه قند یا خرما افطار می‌فرمود،

و اگر هیچ کدام نبود با آب نیم گرم افطار می نمود.

(۴) (۳۴۰) جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با دو چیز سیاه افطار می کرد. پرسیدم: دو چیز سیاه چیست؟ فرمود: یکی خرما خشک و آب، و دیگری خرما تازه و آب.

(۵) (۳۴۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله با خرما افطار می کرد، و هر گاه شکر می یافت با آن افطار می نمود.

(۶) (۳۴۲) امام صادق علیه السلام فرمود: چون دهه آخر ماه مبارک رمضان می رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله کمر همت می بست و از نزدیکی کردن با زنانش احتراز می کرد و شب زنده داری می نمود و خود را برای عبادت فارغ می ساخت. به روایت دیگر: خود به عبادت می کوشید و خانواده اش را نیز به کوشش وامی داشت و آنان را از خواب بیدار می کرد.

(۷) (۳۴۳) شیخ طوسی رحمه الله گوید: آنچه از سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله ثابت شده این است که آن حضرت خود متصدی رؤیت هلال ماه مبارک رمضان می شد و در جستجوی آن برمی آمد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۳

(۱) (۳۴۴) علی علیه السلام فرمود: جدا کردن زکات فطره پیش از [نماز] فطر از سنت است.

(۲) (۳۴۵) شیخ صدوق رحمه الله گوید: گفتن تکبیر [های مخصوص] پس از ده نماز، از شب عید فطر بعد از نماز مغرب و عشا تا بعد از نماز عصر روز دوم شوال، و پس از ده نماز، از روز عید قربان پس از نماز ظهر و عصر تا بعد از نماز صبح روز دوازدهم ذی حجه [برای کسانی که در مکه نیستند] از سنت است.

(۳) (۳۴۶) سعید نقاش گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آگاه باش که در عید فطر تکبیر گفتن از سنت است. گفتم: چه زمانی باید گفت؟ فرمود: بعد از نماز مغرب و

عشاء شب عید فطر و بعد از نماز صبح عید و بعد از نماز عید فطر، سپس تکبیرات را قطع کند.

(۴) (۳۴۷) علی علیه السّلام فرمود: تعجیل در افطار روزه و تأخیر در خوردن سحری و خواندن نماز مغرب پیش از افطار سنت است ...

(۵) (۳۴۸) امام صادق علیه السّلام می فرمود: سنت بر این است که زکات فطره یک صاع (که تقریباً سه کیلوگرم است از یک جنس، مثلاً) از خرما یا کشمش و یا جو داده شود.

(۶) (۳۴۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعال شش خصلت را برای من نپسندید و من نیز آنها را برای جانشینان خود و پیروان آنان نمی پسندم، که از جمله آنها:

روزه، بازی کردن با زن (یا بد زبانی) در حال روزه است.

(۷) (۳۵۰) مردی به امام رضا علیه السّلام در روز عید فطر عرض کرد: من امروز با خرما

و با خاک قبر (تربت امام حسین علیه السّلام) افطار کردم. آن حضرت فرمود: سنت و

برکت را با هم جمع کرده‌ای.

(۸) (۳۵۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله با جرعه‌ای آب، یا کمی شیر و یا چند دانه

خرما افطار می کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۴،

(۱)

۱۸ آداب و سنن آن حضرت در اعتکاف

(۲) ۳۳۹. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماه رمضان

(سال اول هجرت) در دهه اول در مسجد اعتکاف کرد، و سال دوم در دهه دوم و در

سال سوم در دهه آخر اعتکاف نمود، ولی پس از آن همیشه در دهه آخر ماه رمضان

اعتکاف می نمود.

(۳) ۳۴۰. امام صادق علیه السّلام فرمود: جنگ «بدر» در ماه رمضان (سال دوم هجرت)

اتفاق افتاد، به این جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن سال در مسجد معتکف نشد. اما سال بعد، آن حضرت دو دهه اعتکاف کرد: یک دهه برای همان سال، و دهه دیگر برای قضاء اعتکاف سال قبل.

(۴) ۳۴۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون دهه آخر ماه رمضان می شد در مسجد اعتکاف می کرد؛ برایش خیمه‌ای موین می زدند و حضرت کمر همت برای عبادت می بست و بستر خوابش را برمی چید. یکی گفت: از زنان نیز کناره می گرفت؟ فرمود: نه، از زنان کناره نمی گرفت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۵

(۱) مؤلف: این معنی در روایات زیادی نقل شده که بعضی از آنها در باب هفدهم گذشت. و گفته‌اند که مقصود از «عزلت» کناره‌گیری از آنان در بستر بوده است نه در معاشرت و مصاحبت با آنان.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۶

(۱)

۱۹ آداب و سنن آن حضرت در صدقه دادن

اشاره

(۲) ۳۴۲. در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است: ششم آنکه در نماز و روزه و صدقه از سنت من پیروی کنی ... و اما راجع به صدقه، به قدری در آن کوشا باشی که گمان کنی در صرف مال برای صدقه اسراف کرده‌ای.

(۳) ۳۴۳. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ گاه سائلی را از خود نراند، اگر چیزی داشت به او می داد، و اگر نداشت می فرمود: خدا برساند.

(۴) مؤلف: این مطلب در اخبار شیعه و سنی به قدری زیاد نقل شده که شاید به حد تواتر رسیده باشد. ما بعضی از آن روایات را در باب دوم (آداب معاشرت) و غیر آن ذکر

کردیم.

(۵) ۳۴۴. امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: ما اهل بیت آنچه در راه خدا

داده‌ایم پس نمی‌گیریم.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۷،

(۱)

ملحقات

(۲) (۳۵۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من چند چیز را ترک نمی‌کنم. سوار شدن بر الاغ پالان‌دار، با بردگان روی حصیر غذا خوردن، و با دست خود به سائل کمک کردن.

(۳) (۳۵۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جوانمردی ما اهل بیت در این است که از آن که به ما ستم کرده درمی‌گذریم، و به آن که ما را محروم ساخته بخشش می‌کنیم.

(۴) (۳۵۴) روایت است که جود و بخشش رسول خدا صلی الله علیه و آله در خیر از همه مردم بیشتر و از تندباد سریع‌تر بود. بذل و عطایش ادامه داشت و بخلی از او نمودار نمی‌شد و ممانعتی سر نمی‌زد.

(۵) (۳۵۵) علی علیه السلام فرمود: ما اهل بیت، کسانی را که به نظر می‌رسد غیر مستحق هستند رد نمی‌کنیم از ترس اینکه مبدا مستحق واقعی را رد کرده باشیم.

(۶) (۳۵۶) امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: چون چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خواستند، اگر قصد انجام آن را داشت جواب مثبت می‌داد، و اگر قصد انجام آن را نداشت سکوت می‌کرد و کلمه «نه» بر زبان جاری نمی‌ساخت.

(۷) (۳۵۷) حسن بن علی بن فضال گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: چرا وقتی امیر المؤمنین علیه السلام در ظاهر به خلافت رسید «فدک» را [به بنی فاطمه علیهم السلام] برنگردانید؟! فرمود: زیرا ما خاندانی هستیم که فقط خداوند حقوق غصب‌شده ما را از

ستمگران می گیرد. ما سرپرست مؤمنان هستیم، به نفع آنان حکم کرده، حقوقشان را از ستمگران گرفته، به آنان باز می گردانیم، اما برای باز گرفتن حقوق خود اقدام نمی کنیم. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۸ (۱)

۲۰ آداب و سنن آن حضرت در قرائت قرآن

اشاره

(۲) ۳۴۵. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: چیزی جز حالت جنابت، مانع رسول خدا صلی الله علیه و آله از تلاوت کردن قرآن نمی شد. (۳) ۳۴۶. ام سلمه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در قرائت قرآن هر آیه را از آیه دیگر جدا می نمود. (۴) ۳۴۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی خوابید تا «مَسْبَحَات» را قرائت کند، و می فرمود:

در این سوره ها آیه ای است که از هزار آیه برتر است. گفتند: «مَسْبَحَات» کدام سوره هاست؟ فرمود: سوره حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن. (۵) ۳۴۸. جابر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی خوابید تا سوره «تبارک» و «الم، تنزیل» را قرائت کند.

(۶) ۳۴۹. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله این سوره «سَبَّح اسم ربك الاعلی» را دوست می داشت. و اول کسی که گفت: «سبحان ربی الاعلی» میکائیل علیه السلام بود.

(۷) ۳۵۰. ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی سوره «سَبَّح اسم ربك الاعلی»

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۹
 را قرائت می کرد، می گفت:
 «سبحان ربی الأعلی»
 . این معنی از علی علیه السلام نیز روایت شده است.
 (۱) ۳۵۱. ابی امامه گوید: بعد از حَجَّةُ الْوُدَاعِ با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَمَاز
 می خواندم و آن حضرت زیاد سوره «لَا اِقْسَمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» را قرائت می فرمود، و چون
 آیه:

اليس ذلك بقادر على أن يحيى الموتى (آیا آن خدا قادر نیست مردگان را زنده کند؟)
 را می خواند، شنیدم می فرمود:
 بلی و انا علی ذلك من الشَّاهِدِينَ.
 «چرا قادر است؛ من نیز به آن گواهی می دهم».
 (۲) مؤلف: در این معنی روایات دیگری نیز وجود دارد با مختصر اختلافی در آنچه آن
 حضرت می گفت.

(۳) ۳۵۲. ابو هریره گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَمَاز می فرمود، و نفس و ما سواها،
 فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوِيَهَا رَاقِئَةً مَكَّةَ مَكَّةَ، بعد می گفت:
 اللَّهُمَّ آتْ نَفْسِي تَقْوِيَهَا، وَزَكَّاهَا أَنْتَ خَيْرٌ مِنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيَّهَا وَ مَوْلِيهَا.
 «خدایا، به من پرهیزکاری ده، و جانم را پاکیزه کن، که تو بهترین پاکیزه کننده آن، و تو
 سرپرست و مولای آنی». این را می فرمود در حالی که مشغول نماز بود.
 (۴)

ملحقات

(۵) ۳۵۸. ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَمَاز می فرمود، و آله پیش از خواندن قرآن
 می گفت:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
 «پناه می‌برم به خدا از شیطان رانده شده».

(۶) (۳۵۹) امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: صدای رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواندن قرآن از همه مردم دلربا تر بود.
 (۷) (۳۶۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به من دستور داد ایستاده قرآن بخوانم ...

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۰
 (۱) (۳۶۱) انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله موقع قرآن خواندن، صدایش را می‌کشید.

(۲) (۳۶۲) امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: ما اهل بیت، قرآن را موافق قرائت «ابی» می‌خوانیم.

(۳) مؤلف: در بعضی روایات اهل بیت علیهم السلام از جمله در کتاب خصال، سایر قرائت‌های هفتگانه نیز تجویز شده است.

(۴) (۳۶۳) قتاده گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی سوره «تین» را تمام می‌کرد (آن جا که فرموده: «آیا خداوند احکم الحاکمین نیست؟») می‌گفت: بلی و انا علی ذلك من الشّاهدین.

«چرا، هست؛ و من نیز به آن گواهی می‌دهم».
 (۵) (۳۶۴) (تکرار) ۳۵۱. (است)

(۶) (۳۶۵) در ذیل تفسیر آیه ۶۱ سوره یونس: «تو- ای رسول ما- در هیچ کاری نباشی و هیچ آیه‌ای از قرآن نخوانی و شما هیچ عملی را انجام ندهید مگر آنکه ما شاهد و گواه بر شمایم آن گاه که سرگرم آنید، و به قدر ذره کوچکی از آنچه در زمین و آسمان است از پروردگارت پنهان نیست. و چیزی کوچک‌تر و یا بزرگ‌تر از آن نیست جز آنکه در کتاب آشکار حق ثبت است» روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون این

آیه شریفه را قرائت می‌کرد، گریه شدیدی به آن حضرت دست می‌داد. (۷) (۳۶۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی سوره «قل هو الله أحد» را می‌خواند، بعد از هر آیه وقف می‌کرد (آن را به یک نفس نمی‌خواند). آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۱ (۱)

۲۱ آداب و سنن آن حضرت در دعا و ذکر پاره‌ای از ادعیه و اذکار او

اشاره

(۲) ۳۵۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به من دستور داد که قرآن را ایستاده بخوانم، و حمد خدا را در رکوع، و تسبیح او را در سجده انجام دهم، و او را نشسته دعا کنم و بخوانم. (۳) ۳۵۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام ابتهال و دعا دستها را بلند می‌نمود مانند فقیری که غذا طلب می‌کند. (۴)

دعای آن حضرت وقتی که در آینه نگاه می‌کرد

(۵) ۳۵۵. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی در آینه نظر می‌کرد الحمد لله الذی اکمل خلقی، و أحسن صورتی، و زان منی ما شان من غیری، و هدانی للاسلام، و من علی بالنبوّة. «ستایش خدای راست که آفرینش مرا کامل آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۲ ساخت، صورتم را نیکو آفرید، در مقابل عیب دیگران مرا زینت داد، به اسلام هدایت

کرد و با برانگیختن من به مقام نبوت نعمتی بزرگ بر من بخشید». (۱) ۳۵۶. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی به آینه نظر می کرد

الحمد لله الذي أحسن خلقي و خلقي، و زان مني ما شان من غيري. «ستایش خدایی راست که آفرینشم را زیبا، و اخلاقم را نیکو ساخت، و مرا در برابر عیب دیگران

زینت بخشید». (۲)

دعای آن حضرت وقتی که بر مرکب سواری می نشست

(۳) ۳۵۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام سفر کردن چون بر مرکب سواری خود مستقر می شد، سه بار

«الله اکبر»

می گفت، سپس آیه شریفه: سبحان الذي سخر لنا هذا و ما كنا له مقرنين، و انا الى ربنا لمنقلبون «۱» را تلاوت می کرد و می گفت:

اللهم إنا نسألك في سفرنا هذا البرّ و التقوى، و من العمل ما ترضى. اللهم هون علينا سفرنا، و اطو عنا بعده. اللهم أنت الصّاحب في السّفر، و الخليفة في الاهل. اللهم إني أعوذ بك من وعثاء السّفر، و كآبة المنقلب، و سوء المنظر في الاهل و المال.

«خدایا، ما در این سفر از تو نیکی کردن و پرهیزگاری و نیز کاری را که موجب خشنودی توست طلب می کنیم. خدایا، این سفر را بر ما آسان گردان و دوری آن را بر ما نزدیک

ساز. خدایا، تو در سفر یار ما، و در خانواده جانشین ما هستی. خدایا، از رنج و گرفتاری سفر، و غم و غصه بازگشت، و دیدن بدی در باره اهل و مال به تو پناه می برم». و چون

از سفر باز می گشت

آبون تائبون، عابدون لربنا حامدون.

«در حالی که به سوی پروردگاران توبه و بازگشت کرده و پرستش او می‌کنیم و

(۱) زخرف/ ۱۳ و ۱۴: «سپاس خدایی راست که این حیوان را مسخر ما گردانید با اینکه ما طاقت مهار آن را نداشتیم، و ما به سوی پروردگاران بازمی‌گردیم». آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۳، سپاسگزار اویم، به منزل خود باز گشتیم». (۱)

دعای آن حضرت در سفر هنگامی که شب فرا می‌رسد

(۲) ۳۵۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی در سفر بود و شب فرا می‌رسید می‌فرمود: ارض، ربی و ربک الله، أعوذ من شرک و شر ما فیک و شر ما یدب علیک، و أعوذ بالله من أسد و أسود و من الحیة و العقرب، و من ساکن البلد، و والد و ما ولد. «ای زمین، پروردگار من و تو خدای متعال است، از شر تو و آنچه در تو هست و یا بر روی تو در حرکت است به خدا پناه می‌برم. و نیز از شر هر درنده و گزنده، و از شر هر مار و عقرب، و از کسی که ساکن در این دیار است، و همچنین از شر هر پدر و فرزندش به خدای متعال پناه می‌برم». (۳)

دعای آن حضرت وقتی که لباس نو می‌پوشید

(۴) ۳۵۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که لباس نو می‌پوشید، می‌گفت: الحمد لله الذی کسانی ما یواری عورتی و اتجمل به فی الناس. «ستایش خدایی راست که مرا لباسی پوشانید که عورت را مستور می‌دارد، و با آن در میان مردم آراسته می‌گردم». (۴)

(۵) ۳۶۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون می خواست لباس خود را از تن درآورد، ابتدا آن را از طرف چپ بیرون می آورد. و از کارهایش هنگام پوشیدن لباس جدید این بود که حمد و ستایش خدا می نمود، سپس فقیری را طلب می کرد و لباس کهنه خود را به او می داد و می فرمود: هر مسلمانی که تنها برای خشنودی خدا، لباس کهنه خود را به تن مسلمان فقیری پوشاند، در ضمانت و پناه و خیر خدای متعال خواهد بود تا زمانی آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۴ که آن لباس به تن آن فقیر است، خواه دهنده لباس زنده باشد یا مرده.

(۱) ۳۶۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون لباس می پوشید و به پا می خاست پیش از آنکه از منزل خارج شود، می گفت:

اللَّهُمَّ بَكَ اسْتَرْتُ، وَ الْيَكُ تَوَجَّهْتُ، وَ بَكَ اعْتَصَمْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ ثَقْتِي وَ أَنْتَ رَجَائِي. اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَا أِهْمَنِي وَ مَا لَا أِهْتَمُّ بِهِ وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي. عَزَّ جَارُكَ، وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ زَوِّدْنِي التَّقْوَى، وَ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَ وَجَّهْنِي لِلْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتُ.

«خداوندا، به واسطه تو خود را پوشاندم، و به سوی تو رو کردم، و به تو چنگ زدم، و بر تو خدايا، تو مورد اعتماد و امید منی. خدايا، آنچه برایم مهم است و آنچه بدان اهتمامی ندارم و آنچه تو بدان داناتری همه را برایم کفایت کن. پناهنده به تو عزیز است، و ثنا و حمد تو بزرگ است و جز تو خدایی نیست. خدايا، پرهیزکاری را زاد و توشه من قرار ده، و گناهم را ببخش، و مرا به هر سو که رو آورم به خیر و خوبی متوجه ساز». پس از این دعا دنبال کار خود می رفت.

(۲)

دعای آن حضرت وقتی که از مجلسی برمی خاست

(۳) ۳۶۲. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله هر وقت از مجلسی برمی خاست می گفت: سبحانک اللهم و بحمدک. أشهد أن لا إله إلا أنت، استغفرک و أتوب اليک. «خدایا، تو از هر عیبی منزهی، و حمد و ستایش از آن توست. گواهی می دهم که جز تو خدایی نیست؛ از تو آمرزش می خواهم و به سوی تو باز می گردم». (۴)

دعای آن حضرت هنگام داخل شدن به مسجد و خروج از آن

(۵) ۳۶۳. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله چون می خواست وارد مسجد شود

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۵ می گفت:

اللهم افتح لی أبواب رحمتک.
«خدایا، درهای رحمت را به روی من بگشای». و چون می خواست از مسجد بیرون رود، می گفت:

اللهم افتح لی أبواب رزقک.
«خدایا، درهای روزیت را به روی من بگشای».

(۱) ۳۶۴. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پیغمبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله چون داخل مسجد می شد می گفت:

بسم الله. اللهم صلّ علی محمد و آل محمد، و اغفر لی ذنوبی، و افتح لی أبواب رحمتک.
«به نام خدا. خدایا، بر محمد و آل محمد درود بفرست، و گناهان مرا بیامرز، و درهای رحمت را به روی من بگشای». و چون از مسجد خارج می شد می گفت:
بسم الله. اللهم صلّ علی محمد و آل محمد، و اغفر لی ذنوبی، و افتح لی أبواب فضلك.
«به نام خدا. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و گناهان مرا بیامرز، و درهای

فضل و کرمتم را به روی من بگشای». (۲)

دعای آن حضرت هنگامی که به بستر خواب می‌رفت

(۳) ۳۶۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به بستر خواب می‌رفت به پهلو راست می‌خوابید و کف دست راست را زیر صورت می‌نهاد، سپس می‌گفت:
 اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ.
 «خدایا، روزی که بندگانت را [از قبرها] برمی‌انگیزی مرا از عذاب خود نگاه دار».
 (۴) ۳۶۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که به بستر خواب می‌رفت دعاهایی داشت که می‌خواند، از جمله هنگام خواب می‌گفت:
 بِسْمِ اللَّهِ اموت و احيى، و الى الله المصير. اللهم آمن روعتى، و استر عورتى، و أدّ عني امانتى.

«به نام خدا می‌میرم و زنده می‌شوم، و بازگشت همه خلایق به سوی اوست. خدایا، ترسم را به امن و آرامش تبدیل فرما، و عیبم را بپوشان، و امانتی را که به من سپرده‌ای خودت ادا فرما».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۶
 (۱) ۳۶۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام خواب «آیه الكرسي» را قرائت می‌کرد. و می‌فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد، عفریتی از طائفه جن به هنگام خوابت برای تو حيله می‌کند، پس بر تو باد که هنگام خواب «آیه الكرسي» بخوانی. (۲)

دعای آن حضرت وقتی که سفره غذا را نزد او می‌نهادند

(۲) ۳۷۱. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی سفره غذا را برمی چیدند،

می گفت: اللهم اکثر و اطبت، و بارکت فاشبعت و ارویت. الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم. «خدایا، نعمتت را بر ما فراوان کردی و پاکیزه نمودی، و مبارک ساختی پس سیر گردانیدی و سیراب نمودی. حمد و ستایش خدایی راست که می خوراند ولی خود نیازی به خوردن ندارد».

(۳)

دعای آن حضرت هنگام غذا خوردن و شیر نوشیدن

(۴) ۳۷۲. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ گاه غذایی میل نمی کرد و یا چیزی نمی نوشید مگر آنکه می گفت: اللهم بارک لنا فیه، و ابدلنا به خیرا منه. «خدایا، این غذا را برای ما برکت ده، و بهتر از آن را به ما روزی فرما». ولی چون شیر می نوشید

می گفت: اللهم بارک لنا فیه، و زدنا منه. «خدایا این شیر را برای ما برکت ده، و روزی ما را از آن زیاد گردان». (۵) ۳۷۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که مقداری از غذا میل می کرد می گفت:

اللهم لک الحمد، أطعمت و اسقیت و رویت، فلک الحمد غیر مکفور و لا مودع و لا مستغنی عنک.

«خدایا، حمد و ستایش تو راست که مرا طعام و شراب دادی و سیراب نمودی، تو را می ستایم ستایش کسی که کفران نعمتت را نکرده و تو را وداع نگفته و از تو بی نیازی نجسته است».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۸ (۱)

دعای آن حضرت هنگامی که میوه تازه می‌دید

(۲) ۳۷۴. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چون میوه تازه‌ای می‌دید، آن را گرفته می‌بوسید و بر دیدگان و دهان خود می‌نهاد و می‌گفت: اللَّهُمَّ كَمَا أَرَيْتَنَا أَوْلَهَا فِي عَافِيَةِ فَرْنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ. «خدایا، چنان که آغاز آن را در سلامتی به ما نشان دادی، آخر آن را نیز در سلامتی به ما نشان ده.»

نشان

(۳)

دعای آن حضرت هنگام داخل شدن به دستشویی

(۴) ۳۷۵. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هر گاه می‌خواست به دستشویی (مستراح) وارد شود، می‌گفت: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ الْمَخْبُثِ الشَّيْطَانِ. اللَّهُمَّ امْطِ عَنِّي الْإِذْيَ، وَاعْذِنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. «خدایا، از شیطان پلید نجس خبیث ناپاک به تو پناه می‌برم. خدایا، ناراحتی را از من دور کن، و مرا از شیطان رانده شده پناه ده.» و چون برای قضای حاجت می‌نشست می‌گفت: اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي الْقَذَى وَ الْإِذْيَ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهَّرِينَ. «خدایا ناراحتی و ناپاکی را از من ببر، و مرا از پاکیزگان قرار ده.» و موقع خارج شدن مدفوع می‌گفت: اللَّهُمَّ كَمَا اطْعَمْتَنِيهِ طَيِّبًا فِي عَافِيَةٍ فَاخْرَجْهُ مِنِّي خَبِيثًا فِي عَافِيَةٍ.

«خدایا، چنان که در عافیت و سلامتی به من غذای پاکیزه دادی، فضولات آن را نیز در سلامتی از من دفع فرما».

و گاهی دعای آن حضرت موقع داخل شدن به دستشویی این بود:

الحمد لله الحافظ المؤدی.

«حمد و ستایش خدایی راست که حافظ آدمی و برآورنده حاجات اوست».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۹

و چون از آنجا بیرون می‌شد، دست روی شکم خود می‌کشید و می‌گفت:

الحمد لله الذی اخرج عني اذاه، و ابقى في قوتته، فيا لها من نعمه لا يقدر القادرون قدرها.

«حمد و ستایش خدایی راست که فضولات ناراحت‌کننده غذا را از من خارج ساخت و نیروی آن را در بدنم باقی نهاد. چه نعمت بزرگی که هیچ کس توانایی اندازه گرفتنش را ندارد».

(۱)

دعای آن حضرت وقتی که به قبرستان می‌گذشت

(۲) ۳۷۶. امام باقر علیه السلام می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به قبرستان اهل ایمان می‌گذشت می‌فرمود:

السلام عليكم من ديار قوم مؤمنين، و انا ان شاء الله بكم لاحقون.

«سلام بر شما باد ای آرمیدگان ديار اهل ایمان، و ما نیز به خواست خدا به شما ملحق خواهیم شد».

(۳)

دعای آن حضرت در زیارت اهل قبور

(۴) ۳۷۷. امام صادق علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در عصر هر پنجشنبه‌ای با عده‌ای از اصحاب خود به قبرستان بقیع می‌رفت و سه بار می‌فرمود:

السَّلامُ علیکم یا اهل الدِّیَّارِ.

«سلام بر شما ای آرمیدگان در این دیار» و بعد سه مرتبه می‌فرمود:

رحمکم اللهُ

. «خدا شما را رحمت کند».

(۵)

دعای آن حضرت چون از چیزی خوشحال می‌شد

(۶) ۳۷۸. امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی به رسول خدا صلی الله علیه و آله موضوع آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۰ خوشحال کننده‌ای می‌رسید، می‌گفت:

الحمد اللهُ علی هذه النِّعمَةُ.

«حمد و ستایش خدایی راست که این نعمت را به ما ارزانی داشت». و وقتی امری غمناک به او می‌رسید، می‌گفت:

الحمد اللهُ علی کلِّ حال.

«حمد و ستایش خدای را در همه حال».

(۱)

دعای آن حضرت وقت دیدن چیزی که آن را دوست می‌داشت

(۲) ۳۷۹. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی می‌دید آنچه را که دوست می‌داشت، می‌گفت:

الحمد اللهُ الذی بنعمته تتم الصَّالِحَاتِ.

«حمد و ستایش خدایی راست که با نعمت او، خوبی‌ها تمام و کامل می‌گردد».

(۳)

ذکری که آن حضرت موقع شنیدن «اذان» می‌گفت

(۴) ۳۸۰. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چون صدای مؤذن را می‌شنید جملات او را عیناً بازگو می‌کرد. و چون مؤذن جملات «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» را می‌گفت، حضرت می‌فرمود:

لا حول و لا قوة الا بالله.

«هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست جز به خدا». و چون اقامه نماز پایان می‌یافت،

اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، اعط محمدًا سؤله يوم القيامة، و بلغه الدرجة الوسيلة من الجنة، و تقبل شفاعته في امته.

«خداوندا، ای پروردگار این دعوت تام و نماز برپا شده، خواهش‌های محمد را در روز قیامت برآور، و او را به درجه «وسیله» در بهشت برسان، و شفاعت او را در باره امتش بپذیر».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۱

(۱)

ذکری که آن حضرت در رکعت آخر نماز مغرب می‌گفت

(۲) ۳۸۱. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در رکعت سوم نماز مغرب

می‌گفت:

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا، و هب لنا من لدنك رحمة، انك انت الوهاب. «۱»

«پروردگارا، دل‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان کردی ملغزان، و از نزد خود رحمتی به ما ارزانی دار، که تو تنها بخشنده‌ای.»
(۳)

ذکر و دعای آن حضرت در قنوت نماز وتر

(۴) ۳۸۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز وتر هفتاد بار استغفار می‌کرد، و هفت مرتبه

می‌گفت: مرتب
هذا مقام العائد بك من النار

«این جا جایگاه کسی است که از آتش به تو پناه آورده است.»

(۵) ۳۸۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله در قنوت نماز وتر می‌گفت:

اللهم اهدني فيمن هديت، و عافني فيمن عافيت، و تولني فيمن توليت، و بارك لي فيما

اعطيت، و قني شر ما قضيت، إنك تقضي و لا يقضي عليك، سبحانك رب البيت،

استغفرک و اتوب اليک، و أومن بک و اتوکل عليك، و لا حول و لا قوة الا بک يا رحيم

«خدایا مرا در زمره کسانی که هدایت کرده‌ای هدایت فرما، و در زمره کسانی که

عافیتشان داده‌ای عافیت ده، و در میان کسانی که کارشان را به عهده گرفته‌ای سرپرستی

نما، و در آنچه به من بخشیده‌ای برکت ده، و مرا از شر آنچه مقدر فرموده‌ای نگاه دار،

که فرمان تنها از آن توست و کسی بر تو حکومت نمی‌کند. تو منزهی ای پروردگار

کعبه، از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو بازمی‌گردم، و به تو ایمان دارم و بر تو توکل

می‌نمایم، و [معترفم که] هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست جز به تو ای

(۱) آل عمران / ۸

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۲

خدای

مهربان».

(۱)

دعای آن حضرت موقع افطار

(۲) ۳۸۴. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به هنگام افطار می گفت:

اللَّهُمَّ لَكَ صَمْنَا، وَ عَلَى رِزْقِكَ افْطَرْنَا، فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا

«خدایا، برای تو روزه گرفتیم، و با روزی تو افطار کردیم، پس روزه ما را قبول فرما».

تشنگی سپری شد و رگهای بدن پر شد، و اجر و مزد آن باقی ماند.

(۳)

دعای آن حضرت در تعقیب نماز

(۴) ۳۸۵. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چون از تشهد و

سلام نماز فارغ می شد، چهارزانو می نشست و دست راستش را بر سر می نهاد و می گفت:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ، وَ أَذْهَبَ عَنِّي الْهَمُّ وَالْحُزْنُ آدَابِ، سُنَنِ وَرُوشِ رِفْتَارِي پیامبر گرامی اسلام ۱۷۲

دعای آن حضرت در تعقیب نماز ص : ۱۷۲

به نام خداوندی که جز او خدایی نیست، خدایی که دانای پنهان و آشکار، و بخشنده و

مهربان است. [خدایا] بر محمد و خاندان او درود فرست، و غم و اندوه را از من دور

ساز».

(۵)

دعای دیگر آن حضرت در تعقیب نماز

(۶) ۳۸۶. محمد بن فرج گوید: امام جواد علیه السلام به من نوشت ... رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از نمازش فارغ می شد، می گفت: اللهم اغفر لی ما قدّمت و ما اخرت، و ما اسررت و ما اعلنت، و اسرافى على امرى [نفسی - خ ل] و ما انت اعلم به منى. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۳

اللهم انت المقدم و المؤخر، لا اله الا انت، بعلمك الغيب، و بقدرتك على الخلق اجمعين ما علمت الحياه خيرا لى فأحيني، و توفنى اذا علمت الوفاء خيرا لى. اللهم انى اسألك خشيتك فى السرّ و العلانيه، و كلمه الحق فى الغضب و الرضا، و القصد فى الفقر و الغنى، و اسألك نعيما لا ينفد، و قره عين لا ينقطع، و اسألك الرضا بالقضاء، و بركه الموت بعد العيش، و برد العيش بعد الموت، و لذّه النظر الى وجهك، و شوقا الى رؤيتك و لقاءك من غير ضراء مضرة و لا فتنة مضلة.

اللهم زيننا بزينة الايمان، و اجعلنا هداة مهديين. اللهم اهدنا فيمن هديت. اللهم انى اسألك عزيمة الرشد، و الثبات فى الامر و الرشد، و أسألك شكر نعمك و حسن عافيتك، و اداء حقك، و اسألك يا ربّ قلبا سليما، و لسانا صادقا، و استغفرک لما تعلم، و اسألك خير ما تعلم، و اعوذ بك من شرّ ما تعلم، فانّک تعلم و لا نعلم، و أنت علام الغيوب.

«خدایا، گناهان گذشته دور و نزدیک مرا و گناهانی را که در نهان و آشکار از من سر زده، و همچنین اسراف و زیاده روی هایی را که کرده ام، و هر گناهی را که تو به آن آگاه تری بر من ببخش. خدایا، پیش انداختن و پس انداختن کارها به دست توست، معبودی جز تو نیست؛ به علم غیب خود و قدرتی که بر تمام خلائق داری تو را سوگند که تا وقتی می دانی زندگی برایم بهتر است مرا زنده نگه دار، و چون مردن را برایم بهتر دیدی مرا بمیران. خدایا بیم و ترس از خودت را در نهان و آشکار، و گفتار حق را در حال خشم و رضا، و میانه روی را در حال تنگدستی و وسعت از تو خواهانم، و از تو خواهانم نعمتی را که هرگز فنا نپذیرد، و روشنی چشمی که هرگز منقطع نگردد، و نیز

رضا و خشنودی در برابر قضای حتمیت، و برکت مرگ بعد از زندگی، و زندگی گوارای پس از مرگ، و لذت نظر به خودت، و شوق دیدارت را بدون آنکه سختی در این راه به من رسد و یا آزمایش گمراه کننده‌ای برایم پیش آید از تو خواهانم. خدایا، ما را به زیور ایمان زینت بخش، و رهنمایی رهیافته قرار ده. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۴ خداوندا، ما را در زمره کسانی که هدایت کرده‌ای هدایت فرما. خدایا، عزمی راسخ و ثبات قدم و استقامتی در کار و هدایت را از تو می‌خواهم. و توفیق شکرگزاری در برابر نعمت‌ها، و عافیت نیکو، و ادا کردن حق خودت را از تو خواهانم. پروردگارا، و از تو قلبی سالم، و زبانی راستگو می‌خواهم، و در برابر آنچه از من می‌دانی آمرزش می‌طلبم، و از تو بهترین چیزی را که به آن دانایی خواستارم، از شر هر چه به آن عالمی به تو پناه می‌آورم، زیرا که تو می‌دانی و ما نمی‌دانیم، و تو دانای نهان‌هایی».

(۱)

دعای آن حضرت بعد از نافله صبح

(۲) ۳۸۷. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چون دو رکعت نافله صبح را قبل از نماز واجب صبح می‌خواند به پهلو راست می‌نویسد و دست راستش را زیر گونه راست می‌نهد، سپس می‌گفت:

استمسکت بعروة الله الوثقی التي لا انفصام لها، و استعصمت بحبل الله المتین، اعوذ بالله من فورة العرب و العجم، و اعوذ بالله من شرّ شياطين الانس و الجنّ، توکلت علی الله، طلبت حاجتی من الله، حسبی الله و نعم الوکیل، لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم.

«چنگ زدم به دستاویز محکم خدا که هرگز پاره نمی‌شود، و چنگ زدم به ریسمان محکم خدا، و از خشم و تجاوز عرب و عجم، و از شر شیطان‌های انس و جنّ به خدا پناه می‌برم؛ بر خدا توکل کردم، حاجتم را از او طلبیدم، خدا مرا کافی است و خوب و کیلی

است. هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست مگر به خدای والا و بزرگ». آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۵ (۱)

دعای آن حضرت در تعقیب نماز صبح

(۲) ۳۸۸. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ چون از خواندن نماز صبح فارغ می‌شد، با صدای بلند به طوری که اصحابش می‌شنیدند، سه بار می‌گفت: **اللَّهُمَّ اِصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي جَعَلْتَهُ لِي عِصْمَةً** «خدایا، دینم را که وسیله نگهداریم قرار داده‌ای برایم محافظت فرما». و سه بار می‌گفت: **اللَّهُمَّ اِصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِيَ** «خدایا، دنیايم را که زندگی مرا در آن قرار داده‌ای برایم اصلاح فرما». و سه بار می‌گفت: **اللَّهُمَّ اِصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي جَعَلْتَ اِلَيْهَا مَرْجِعِي** «خدایا، آخرتم را که بازگشت مرا به سوی آن قرار داده‌ای برایم نیکو گردان». و سه بار می‌گفت:

اللَّهُمَّ اِنِي اَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَ اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نَقْمَتِكَ «خدایا، از خشم تو به رضایتت، و از کیفر تو به عفو و بخششت پناه می‌برم». و در آخر می‌گفت:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ، لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ، وَ لَا مَعْطَى لِمَا مَنَعْتَ، وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مَنْكَ الْجَدُّ

«خدایا، به تو پناهنده می‌شوم، آنچه را عطا کنی چیزی نمی‌تواند مانع آن شود، و آنچه را باز داری چیزی بخشنده آن نمی‌تواند بود، و ثروت هیچ ثروتمندی در برابر تو برایش سودی ندارد».

(۳) ۳۸۹. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ چون نماز صبح را می‌خواند می‌گفت:

اللَّهُمَّ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَبَصْرِي، وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَارْنِي ثَارِي مِنْ عَدُوِّي
«خدایا مرا از گوش و چشمم بهره‌مند گردان، و آن دو را وارث من قرار ده (آنها را پیش
از مرگ از من مگیر)، و جلو چشمم انتقام مرا از دشمنم بگیر».
(۴)

ذکر آن حضرت بعد از نماز صبح

(۵) ۳۹۰. امام باقر علیه السّلام ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی
نماز صبح را
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۶
می‌خواند تا طلوع آفتاب رو به قبله می‌نشست و به ذکر خدا مشغول می‌شد، و علی علیه
السّلام [برای رسیدگی به حوایج مردم] جلو می‌آمد و پشت سر پیغمبر رو به جمعیت
می‌نشست و مردم از ایشان حوایج خودشان را سؤال می‌کردند و پاسخ می‌شنیدند. این
چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان دستور داده بود.
(۱)

دعای آن حضرت بعد از نماز ظهر

(۲) ۳۹۱. امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: از جمله دعاهای رسول خدا صلی الله علیه و
آله پس از نماز ظهر این بود:
لا اله الا الله العظيم الحليم، لا اله الا الله ربّ العرش العظيم، و الحمد لله ربّ العالمين.
اللهم انى اسألك موجبات رحمتك، و عزائم مغفرتك، و الغنيمه من كل خير، و السّلامه
من كل اثم. اللهم لا تدع لى ذنبا الا غفرتة، و لا همّا الا فرّجتة، و لا كربا الا كشفتة، و لا
سقما الا شفيتة، و لا عيبا الا سترتة، و لا رزقا الا بسطتة، و لا خوفا الا آمنتة، [و لا دينا الا
قضيتة] و لا سوءا الا صرفتة، و لا حاجه هي لك رضى و لى فيها صلاح الا قضيتها، يا ارحم

الرَّاحِمِينَ، آمين رَبِّ الْعَالَمِينَ.

«معبودی جز خدای عظیم و بردبار نیست، معبودی جز پروردگار عرش بزرگ نیست، و تمام ستایش‌ها مخصوص پروردگار جهانیان است. خدایا، وسائل رحمت، و برات آمرزش حتمیت، و بهره‌مندی از هر خیر، و سالم بودن از هر گناه را از تو می‌طلبم. خدایا، گناهی را بر من باقی مگر آنکه آن را آمرزیده باشی، و نه غصه‌ای را مگر آنکه زدوده باشی، و نه گرفتاری را مگر آنکه بر طرف کرده باشی، و نه بیماری را مگر آنکه شفا داده باشی، و نه عیبی را مگر آنکه پوشانده باشی، و نه روزی را مگر آنکه گسترش داده باشی، و نه ترسی را مگر آنکه از آن امنیت بخشیده باشی [و نه دینی را مگر آنکه ادا کرده باشی] و نه ناخوشایندی را مگر آنکه آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۷ دور ساخته باشی، و نه حاجتی را که مورد رضایت تو و صلاح من باشد مگر آنکه روا کرده باشی، ای مهربان‌ترین مهربانان، دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان».

(۱)

دعای آن حضرت در سجده

(۲) ۳۹۲. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ چون پیشانیش را برای سجده بر زمین می‌نهاد، می‌گفت:

اللَّهُمَّ مَغْفِرَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي، وَرَحْمَتِكَ أَرْجَى عِنْدِي مِنْ عَمَلِي، فَاعْفُرْ لِي ذُنُوبِي يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ.

«خدایا، آمرزش تو از گناهان من واسع‌تر، و رحمت تو در نظر من از کردارم امید بخش‌تر است. پس گناهانم را ببامرز، ای زنده‌ای که مرگ به او راه ندارد».

(۳)

دعای آن حضرت آن‌گاه که می‌خواست از نماز باز گردد

(۴) ۳۹۳. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله آن گاه که می خواست از نماز باز گردد با کف دست راست پیشانی خود را مسح می کرد، سپس می گفت: اللهم لك الحمد، لا اله الا انت، عالم الغيب و الشهادة. اللهم اذهب عنا الهم و الحزن و الفتن، ما ظهر منها و ما بطن.

«خدایا، تمام ستایشها مخصوص توست، معبودی جز تو نیست که دانای نهان و آشکاری. خدایا، غم و اندوه و فتنه‌های پیدا و نهان را از ما برطرف ساز». بعد فرمود: کسی از امت من نیست که این عمل را به جا آورد مگر آنکه از خداوند - عز و جل - آنچه را بخواهد به او عطا می کند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۸

(۱)

دعای آن حضرت بعد از هر نماز

(۲) ۳۹۴. انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از هر نماز می گفت: اللهم انى اعوذ بك من علم لا ينفع، و قلب لا يخشع، و نفس لا تشبع، و دعاء لا يسمع. اللهم انى اعوذ بك من هؤلاء الاربعة.

«خدایا، از دانشی که سود نبخشد، و دلی که خاشع نباشد، و جانی که سیر نگردد، و دعایی که شنیده نشود به تو پناه می آورم. خدایا، از این چهار چیز به تو پناه می آورم».

(۳)

نماز و دعای آن حضرت در آغاز سال جدید

(۴) ۳۹۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله روز اول ماه محرم دو رکعت نماز می گزارد و چون از نماز فارغ می شد، دست‌هایش را بلند کرده و این دعا را سه بار می خواند: اللهم انت الاله القديم، و هذه سنة جديدة، فاسألک فيها العصمة من الشيطان، و القوة علی

هذه النفس الأمارة بالسوء، و الاشتغال بما يقربني اليك يا كريم، يا ذا الجلال و الاكرام،
يا عماد من لا عماد له، يا ذخيرة من لا ذخيرة له، يا حرز من لا حرز له، يا غياث من لا
غياث له، يا سند من لا سند له، يا كنز من لا كنز له، يا حسن البلاء، يا عظيم الرجاء، يا عز
الضعفاء، يا منقذ الغرقى، يا منجى الهلكى، يا منعم يا مجمل، يا مفضل، يا محسن، انت
الذى سجد لك سواد الليل، و نور النهار، و ضوء القمر، و شعاع الشمس، و دوى الماء، و
حفيف الشجر. يا الله لا شريك لك. اللهم اجعلنا خيرا مما يظنون، و اغفر لنا ما لا يعلمون،
حسبى الله، لا اله الا هو، عليه توكلت و هو رب العرش العظيم، آمنا به، كل من عند ربنا،
و ما يذكر الا اولوا الالباب. ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا و هب لنا من لدنك رحمة،
انك انت الوهاب.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۹
«خدایا، تویی معبود دیرین، و این سالی است جدید، پس از تو می خواهم که مرا در این
سال از شر شیطان نگه داری، و بر این نفسی که پیوسته به بدی فرمان می دهد پیروز
گردانی، و به آنچه مرا به تو نزدیک می کند مشغول سازی، ای کریم، ای صاحب جلال
و بزرگواری، ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد، ای ذخیره کسی که ذخیره ای
ندارد، ای نگه دارنده کسی که نگه دارنده ای ندارد، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد،
ای پشتیبان کسی که پشتیبانی ندارد، ای گنج کسی که گنجی ندارد. ای نیکو بخش، ای
امید بزرگ، ای عزت ناتوانان، ای نجات بخش غرق شدگان، ای رهایی بخش
هلاک شوندگان، ای نعمت بخش، ای نیکو بخش، ای زیاد بخش، ای نیکی کننده، تویی
آن خداوندی که تاریکی شب و روشنایی روز و نور ماه و درخشندگی آفتاب و صدای
آب و آوای درختان در برابر تو سجده می آرند. ای خدایی که شریکی نداری. خدایا، ما
را بهتر از آنچه دیگران گمان می کنند قرار ده، و گناهان ما را که از آن آگاه نیستند
بیامرز. خدا مرا کافی است، معبودی جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار
عرش بزرگ است، به او ایمان آورده ایم، همه چیز از نزد پروردگار ماست، لیکن تنها

خرمندان
پروردگارا، دل‌های ما را پس از آنکه ما را هدایت کردی ملغزان، و از نزد خودت رحمتی
به ما ارزانی دار، که تو تنها بخشنده‌ای.»
(۱)

دعای آن حضرت در شب نیمه ماه شعبان

(۲) ۳۹۶. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در شب نیمه شعبان چنین دعا می‌کرد:
اللَّهُمَّ اقْسِم لَنَا مِنْ خَشِيَّتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ، وَ مِنْ طَاعَتِكَ مَا تَبْلُغُنَا بِهِ
رِضْوَانَكَ، وَ مِنْ الْيَقِينِ مَا يَهْوُنَ عَلَيْنَا بِهِ مَصِيبَاتُ الدُّنْيَا. اللَّهُمَّ مَتَّعْنَا بِاسْمَاعِنَا وَ ابْصَارِنَا وَ
قُوَّتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَ اجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَ اجْعَلْ ثَارِنَا عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا، وَ انصُرْنَا عَلَى
آدَابِ، سُنَنِ وَ رُوشِ رِفْتَارِي پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۰
مِنْ عَادَانَا، وَ لَا تَجْعَلْ مَصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اكْبَرَ هَمِّنَا، وَ لَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا، وَ لَا
تَسَلِّطْ عَلَيْنَا مِنْ لَا يَرْحَمُنَا، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
. «خدایا، از خشیت و خوفت به قدری در دل ما قرار ده که مانع از معصیت و نافرمانی ما
شود، و از اطاعت و فرمانبرداریت به اندازه‌ای ما را بهره‌مند ساز که موجب رضایت و
خشنودی تو از ما گردد، و از یقین به قدری به ما مرحمت کن که با داشتن آن تمام
مصیبت‌های دنیا بر ما آسان شود. خدایا، تا زنده‌ایم ما را از چشم و گوش و توانایی‌مان
بهره‌مند ساز، و آنها را وارث ما قرار ده (آنها را پیش از مرگ از ما بگیر)، و انتقام ما را
از آن کس که بر ما ستم می‌کند بگیر، و ما را بر دشمنان یاری ده، و بلا و مصیبت ما را
در دین ما قرار مده، و دنیا را بزرگترین هم و غم و منتهای دانش ما مگردان، و کسی را
که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلط مساز، به رحمتی ای مهربان‌ترین مهربانان.»
(۱)

دعای آن حضرت موقع دیدن ماه نو

(۲) ۳۹۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز سیصد و شصت بار، به تعداد رگهای بدن، حمد خدا می کرد و می گفت: الحمد لله رب العالمین کثیرا علی کل حال.

«در تمام حالات و به طور فراوان حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان باد».

(۳) ۴۰۰. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در بدن آدمی زاده سیصد و شصت رگ وجود دارد، که یک صد و هشتاد رگ آن متحرک و یک صد و هشتاد رگ دیگر ساکن است؛ اگر رگهای متحرک ساکن شوند، یا بالعکس رگهای ساکن متحرک گردند آدمی خوابش نمی برد. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله چون صبح می کرد سیصد و شصت مرتبه می گفت: الحمد لله رب العالمین کثیرا علی کل حال.

. «در تمام حالات و به طور فراوان حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان باد».

چون شب فرا می رسید ذکر گذشته را نیز به همان شماره تکرار می فرمود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۲

(۱) ۴۰۱. علی علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز صبح وقتی آفتاب طلوع می کرد، سیصد و شصت بار برای شکر خدا می گفت: الحمد لله رب العالمین کثیرا طیبا علی کل حال.

«در تمام حالات و به طور پاکیزه و فراوان، حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان باد».

(۲)

عمل دیگری از آن حضرت در شب نیمه شعبان

(۳) ۴۰۲. یکی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که نوبت من بود آهسته از رختخواب بیرون رفت به طوری که من نفهمیدم. پس

از آنکه بیدار شدم غیرت زنانه مرا در گرفت و پنداشتم که در حجره یکی دیگر از زنانش رفته است، ناگاه چشمم به آن حضرت افتاد که مانند جامه‌ای که بر زمین افتاده باشد، روی انگشتان پا به سجده رفته و در حال سجده می‌گوید: *أصبحت اليك فقيرا خائفا مستجيرا، فلا تبدل اسمي، و لا تغير جسمي، و لا تجتهد بلائي، و اغفر لي.*

«پیوسته به تو فقیر و نیازمندم، و همیشه از تو ترسان و به تو پناهنده‌ام، پس نامم را از زمره نیکان بر مگردان، و جسمم را تغییر مده، و به آزمون دشوارم میفکن، و مرا بیامرز.» سپس سر از سجده برداشت و دوباره به سجده رفت، شنیدم که این بار می‌گفت: *سجد لك سوادى و خيالى، و آمن بذلك فؤادى، هذه يدای بما جنيت على نفسى. يا عظيم ترجى لكل عظيم، اغفر لى ذنبى العظيم، فانه لا يغفر الذنب العظيم الا العظيم.* «جسم و شبح من هر دو برای سجده کرده، و دلم به آن ایمان آورده، اینک این دو دستم [که در پیشگاهت به خاک افتاده] در برابر آن جنایتی که بر خود کرده‌ام. ای خدای بزرگی که امید به انجام هر کار بزرگی به توست، گناه بزرگ مرا ببخش، که جز خدای بزرگ، گناه بزرگ را نیامرزد.» سپس سر از سجده برداشت و برای بار سوم به سجده رفت، شنیدم که آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۳ می‌گفت:

اعوذ بعفوك من عقابك، و اعوذ برضاك من سخطك، و اعوذ بمعافاتك من عقوبتك، و اعوذ بك منك. انت كما اثيت على نفسك، و فوق ما يقول القائلون. «از عذاب تو به گذشتت، و از خشم تو به رضا و خشنودیت، و از کیفر تو به عفو و بخششت، و از ذات مقدست به ذات مقدس خودت پناه می‌آورم. تو چنانی که خود ثنای خود گفته‌ای، و برتر از آنی که دیگران می‌گویند.» (۱) بعد سر از سجده برداشت و برای بار چهارم به سجده رفت و گفت:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي اشْرَقَتْ لَه السَّمَاوَاتُ وَ الْاَرْضُ، وَ قَشَعَتْ بِهِ الظُّلْمَاتُ، وَ صَلَحَ بِهِ اَمْرُ الْاَوَّلِيْنَ وَ الْاٰخِرِيْنَ، اِنْ يَحِلُّ عَلَيَّ غَضَبُكَ، اَوْ يَنْزِلُ عَلَيَّ سَخَطُكَ. اَعُوذُ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَ فِجَاءِ نِقْمَتِكَ، وَ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَ جَمِيعِ سَخَطِكَ. لَكَ الْعُتْبَى فَيَمَا اسْتَطَعْتَ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ. «خدایا، به نور و جهت که آسمانها و زمین با آن روشن شده و تاریکی‌ها با آن زایل گشته و کار اولین و آخرین با آن به صلاح آمده پناه می‌آورم از اینکه غضبت بر من فرود آید، و یا عذابت بر من نازل شود. خدایا، از زوال نعمت، و از عذاب ناگهانیت، و تغییر یافتن سلامتی دادنت، و از هر خشم و غضبت به تو پناه می‌آورم. در حد توانم از تو عذر می‌خواهم؛ و هیچ نیرو و توانی بر ترک و عمل نیست مگر به واسطه ذات مقدس تو». چون این حال را از آن حضرت دیدم او را رها کرده، به سرعت به منزل برگشتم به طوری که نفسم به شماره افتاد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله به دنبال من رسید و فرمود: چرا نفست به شماره افتاده؟! عرض کردم: یا رسول الله، نزد شما [و ناظر اعمالتان] بودم. فرمود: آیا می‌دانی امشب چه شبی است؟! شب نیمه شعبان است که در آن اعمال آدمی معین، روزی‌ها تقسیم و عمرها نوشته می‌شود و خدای متعال گناه همه کس را می‌بخشد مگر مشرک و باجگیر (یا کینه‌ورز) و قاطع رحم و شرابخوار و کسی که اصرار بر انجام گناهی دارد و شاعر [بیهوده‌گو] و کسی که شغل کهنات و آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۴، غیبگویی را انتخاب کرده است «۱».

(۱)

ذکر آن حضرت در هر صبح و شام

(۲) ۴۰۳. روایت شده که چون علی بن الحسین علیهما السلام را نزد یزید بردند، یزید تصمیم گرفت گردن آن حضرت را بزند، از این رو امام را در مقابل خود نگاه داشته، با

او سخن می گفت تا او را به حرف آورد و کلمه‌ای از آن حضرت بشنود که بدان بهانه او را بکشد، اما زین العابدین علیه السّلام به تمام سخنان یزید پاسخ می داد در حالی که تسبیح کوچکی را که در دست داشت با انگشتان می گردانید. یزید گفت: من دارم با تو سخن می گویم و تو در پاسخ من با بی‌اعتنایی تسبیح می گردانی؟! این چگونه رواست؟! حضرت فرمود: پدرم از جدم نقل کرد که چون از نماز صبح و تعقیبات آن فارغ می شد، با کسی سخن نمی گفت تا اینکه تسبیح را در برابر خود می گرفت و می گفت: اللّهُمَّ اِنِّی اصْبَحْتُ اسْبَحْکَ و امْجَدْکَ و اَحْمَدْکَ و اهللک بعدد ما اذیر به سبحتی «خدایا، صبح کردم در حالی که به اندازه گردش دانه‌های تسبیح خود تو را تسبیح و تمجید می کنم، و به گفتن حمد و ذکر توحید تو می پردازم». آن گاه دانه‌های تسبیح را گردش می داد و با مردم سخن می گفت بدون آنکه ذکر گذشته را تکرار کند، و فرمود: با این کار به شماره گردش دانه‌های تسبیح برایش ذکر خدا حساب می شود و آن سبب حفظ و حراست اوست تا وقتی که به بستر خواب رود، و چون به بستر می رفت در آن هنگام نیز تسبیح را می گرفت و ذکر گذشته را تکرار می کرد و تسبیح را زیر سر خود می نهاد و با این کار تا صبح ذکر خدا در نامه اعمال او نوشته می شد. من نیز تسبیح را می گردانم تا اقتدا به عمل جدم کرده باشم. یزید پس از شنیدن

(۱) مانند این حدیث از حضرت صادق علیه السّلام نیز نقل شده، لیکن متن دعاها در آن نسبت به حدیث گذشته بسیار تفاوت دارد. زمخشری هم در کتاب «فائق» همان معنی را با حذف دعا روایت کرده است. (مؤلف) آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۵ پاسخ امام مکرر گفت: با هیچ کدامتان سخن نمی گویم مگر اینکه پاسخی می دهد که به نفع او تمام می شود! بالاخره از کشتن آن حضرت منصرف شد و امر کرد تا بندها را از آن حضرت بردارند.

(۱) مؤلف: از ظاهر روایت برمی آید که مقصود امام زین العابدین علیه السلام از کلمه «جدم» رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.
(۲)

دعا و تعویذ آن حضرت برای سر درد

(۳) ۴۰۴. امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه کسالت یا سر دردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله دست می داد، دستها را می گشود و سوره حمد و معوذتین (الفلق و الناس) را می خواند و دستها را به صورت می کشید، پس ناراحتیش برطرف می شد.
(۴)

دعا و تعویذ آن حضرت برای تب و سایر دردها

(۵) ۴۰۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام تب و سایر دردها خود را به این دعا تعویذ می کرد:
اللهم انی اعوذ بک من شرّ عرق نّعار، و من شرّ حرّ النار
«خدایا، من از شرّ رگی که خون به شدت در آن جریان دارد، و از شرّ سوزش آتش [دوزخ] به تو پناه می آورم».
(۶)

دعا و تعویذ آن حضرت برای تب

(۷) ۴۰۶. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تب سختی دچار شد، جبرئیل آمد و او را با این دعا تعویذ کرد:
بسم الله ارقیک، بسم الله اشفیک من کلّ
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۶

داء یؤذیک، و اللّٰه شافیک، بسم اللّٰه خذها فلتھنیک. بسم اللّٰه الرّحمن الرّحیم، و فلا اقسام بمواقع النّجوم و أنّه لقسم لو تعلمون عظیم، لتبرأن باذن اللّٰه عزّ و جلّ «با نام خدا تو را تعویذ می کنم و پناه می دهم، با نام خدا برایت از هر درد که آزارت می رساند شفا می خواهم، و خداوند شفا دهنده توست، به نام خدا این تعویذ را بگیر که تو را گوارا باد. به نام خداوند بخشنده مهربان، سوگند به جایگاه ستارگان، که آن به حقیقت قسمی بزرگ است اگر بدانید؛ حتما به اذن خداوند بهبود خواهی یافت». پس رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله برخاست و از بند تب نجات پیدا کرد. آن گاه فرمود: ای جبرئیل، تعویذی بلیغ بود! جبرئیل عرضه داشت: آن از خزانه ای است که در آسمان هفتم

(۱)

دعا و تعویذ آن حضرت برای دفع سحر

(۲) ۴۰۷. ابن عباس گوید: لبید بن اعصم برای رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله جادو کرد و آن را در چاه بنی زریق پنهان نمود. رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله مریض شد؛ موقعی که آن حضرت خوابیده بود دو ملک آمده، یکی بالای سر و دیگری پایین پای حضرت نشست و حضرت را به وضع جادو خبر داده گفتند: جادو در میان جلد شکوفه خرما قرار داده شده و در ته چاه «ذروان» زیر سنگی نهاده شده است. رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله از خواب بیدار شد و علی علیه السّلام را با زبیر و عمّار فرستاد تا آن را بیرون آورند. علی علیه السّلام با همراهان آب چاه را کشیده سنگ ته چاه را بلند کردند و جادو را در زیر آن پیدا کرده، خدمت رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله آوردند. در میان جلد شکوفه خرما مقداری از موی سر پیغمبر (که موقع شانه زدن ریخته بود) با چند دندانه از دندانه های شانه آن حضرت وجود داشت که به آنها یازده گره با سوزن دوخته شده بود. پس این دو سوره (قل أعوذ برب الفلق، و قل أعوذ برب الناس) بر حضرت نازل شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هر آیه‌ای که آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۷ خواند یکی از آن گره‌ها باز شد، پس از باز شدن تمام آنها رسول خدا صلی الله علیه و آله سبک شد و مانند کسی که بند از او برداشته باشند از جا جست. جبرئیل نیز شروع کرد آن حضرت را با این کلمات تعویذ نمودن: بسم الله ارقیک، من کلّ شیء یؤذیک، من حاسد و عین و الله یشفیک . «با نام خدا تو را از شر هر چه موجب آزار توست تعویذ می‌کنم، و خداوند تو را از شر هر حسود و چشم زخمی شفا کرامت می‌کند».

(۱)

دعا و تعویذی دیگر

(۲) ۴۰۸. از امام حسن عسکری علیه السلام نقل است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله دست خود را بر گوشت ذراع (دست گوسفند) که زنی یهودی آن را مسموم کرده بود کشید و گفت: بسم الله الشافی، بسم الله الکافی، بسم الله المعافی، بسم الله الذی لا یضرّ مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء، و هو السّميع العلیم. «به نام خداوند شفا بخش، به نام خداوند کفایت کننده، به نام خداوند عافیت دهنده، به نام خدایی که با یاد کردن نامش هیچ چیز در زمین و آسمان ضرر نمی‌رساند، و اوست شنوا و دانا». سپس فرمود: بخورید با نام خدا. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و همراهان همگی از آن خوردند تا سیر شدند و هیچ زیانی به آنان نرسانید «۱».

(۳)

دعای آن حضرت موقع گرفتاری و غم

(۴) ۴۰۹. علی علیه السلام فرمود: وقتی گرفتاری یا هم و غمی به رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد می شد، این دعا را می خواند: یا حی یا قیوم، یا حیا لا یموت، یا حی، لا اله الا انت،

(۱) بشر بن براء بن معرور [پیش از اذان پیامبر صلی الله علیه و آله] از آن خورد و مسموم شد و از دنیا رفت. (سیره ابن هشام ۳ / ۳۵۲، بحار الانوار، ۱۹ / ۳۲۱) آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۸ کاشف الهمم، مجیب دعوة المضطربین، أسألك بأن لك الحمد، لا اله الا انت المنان بديع السماوات و الارض، ذو الجلال و الاکرام، رحمان الدنيا و الآخرة و رحيمهما. ربّ ارحمني رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك، يا ارحم الراحمين . «ای خدای زنده و پاینده ای که حیات و قوام هر چیز به دست توست، ای خدایی که مرگ به او راه ندارد. ای خدای زنده، خدایی جز تو نیست که برطرف کننده هر غم و اندوه، و اجابت کننده دعای درماندگانی، از تو درخواست می کنم، زیرا که تمام ستایش و حمدها مخصوص توست، خدایی جز تو نیست که نعمت بخش و آفریننده آسمان و زمین و صاحب جلالت و بزرگواری، و بخشنده و مهربان در دنیا و آخرت هستی، پروردگارا، رحمتی شامل حال من کن که با آن از رحمت دیگرانم بی نیاز سازی، ای مهربان ترین

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر مسلمانی که این دعا را سه بار بخواند خواسته اش برآورده می شود مگر آنکه درخواست گناه و یا قطع رحمی کرده باشد.

(۱)

دعای آن حضرت برای حفظ قرآن

(۲) ۴۱۰. علی علیه السلام فرمود: این دعا از دعاهاى رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله است:

اللَّهُمَّ ارحمني بترك معاصيك ما ابقيتني، و ارزقني حسن النظر فيما يرضيك عني، و الزم قلبي حفظ كتابك كما علمتني، و اجعلني اتلوه على النحو الذي يرضيك عني. اللَّهُمَّ نور بكتابك بصرى، و اشرح به صدرى، و فرِّح به قلبى، و اطلق به لسانى، و استعمل به بدنى، و قوِّنى على ذلك، فإنه لا حول و لا قوة الا بك . «خدایا، مرا با ترک گناهان و نافرمانی خودت تا زنده هستم، شایسته رحمت خود ساز و توجه خوبی به آنچه تو را از من خشنود می سازد روزیم فرما، و چنان که قرآن را به من آموخته‌ای دلم را پیوسته حافظ آن قرار ده، و مرا به تلاوت آن به نحوی که آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۹ باعث خشنودی توست موفق دار. خدایا، دیدگانم را به قرآنت روشن، و سینه‌ام را با آن باز و پذیرا، و دلم را به آن شاد، و زبانم را به قرآن گویا ساز، و بدنم را بر عمل کردن به آن وادار، و مرا بر این کار نیرو ده، که هیچ نیرو و توانی بر ترک و عمل نیست جز به ذات مقدس تو».

(۱)

دعای آن حضرت برای محفوظ ماندن از شرّ دشمنان

(۲) ۴۱۱. حجاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله (یعنی دعایی که برای محفوظ ماندن از شرّ دشمنان می خواند) این بود:

و جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه و فى آذانهم وقرا. و اذا ذكرت ربك فى القرآن وحده و لو ا على ادبارهم نفورا. «۱» اللَّهُمَّ بما وارت الحجب من جلالك و جمالك، و بما اطاف به العرش من بهاء كمالك، و بمعاهد العز من عرشك، و بما تحيط به قدرتك من ملكوت سلطانك، يا من لا راد لامره، و لا معقب لحكمه، اضرب بينى و بين اعدائى بسترک الذى

لا تفرِّقه العواصف من الرِّياح، و لا تقطعه البواتر من الصِّفاح، و لا تنفذه عوامل الرِّماح. حل يا شديد البطش بينى و بين من يرمىنى بخوافقه، و من تسرى الى طوارقه، و فرِّج عنى كلِّ همٍّ و غمٍّ. يا فارح همِّ يعقوب، فرِّج عنى. يا كاشف ضرِّ أيوب اكشف ضرِّى، و اغلب لى من غلبنى يا غالبا غير مغلوب. و ردَّ الله الذين كفروا بغیظهم لم ينالوا خيرا، و كفى الله المؤمنین القتال، و كان الله قويا عزيزا «۲». فايدنا الذين آمنوا على عدوهم فاصبحوا ظاهرين «۳».

«ما بر دلهاى كافران حجابهاى افكندهايم كه قرآن را نمى فهمند و در

- | | | |
|----|---------|-----|
| ۴۶ | اسراء / | (۱) |
| ۲۵ | احزاب / | (۲) |
| ۱۴ | صف / | (۳) |

آداب، سنن و روش رفتارى پیامبر گرامى اسلام، ص: ۱۹۰ گوش‌هاى آنان سنگینی نهاده‌ايم (كه نمى شنوند). و چون خدا را در قرآن به تنهائى یاد مى كنى آنان از نفرت به تو پشت مى كنند». خدايا، تو را به آن جلال و جمالت كه در پس حجابها مستور است، و به آن نور كمالت كه عرش آن را احاطه نموده، و به جایگاه عزت و شرافتى كه در عرش قدرتت جای دارد، و به ملكوت سلطانت كه قدرتت آن را احاطه كرده سوگند مى دهم، اى خدایى كه امر و فرمانت را ردكننده‌اى، و حكم و قضاوتت را برگشت دهنده‌اى نیست، بين من و دشمنانم حجاب خودت را قرار ده، حجابى كه بادهای تند توانایی متفرق ساختن، و شمشیرهای تیز قدرت قطعه قطعه كردن، و سر نیزه‌های كاری نیروی نفوذ كردن در آن را نداشته باشند. اى خدای سخت حمله كنده و به چنگ آورنده، بين من و كسانی كه مرا هدف تیرهای خود قرار مى دهند، و بلاهای عظیم شبانگاه را به سوى من سرازير مى كنند حایل شو، و هر غم و اندوهی را از من بر طرف ساز، اى خدایى كه غم يعقوب را بر طرف ساختی، غم و غصه را از من

برطرف فرما. ای خدایی که گرفتاری و بیماری ایوب را برطرف کردی، گرفتاری مرا مرتفع گردان. ای خدای پیروزی که هیچ گاه مغلوب نمی شوی، مرا بر هر دشمنی که دارم پیروز گردان. «و خدا کافران را خشمناک در حالی که به فتحی نائل نشده بودند باز گردانید، و خداوند بار جنگ را از دوش مؤمنان برداشت، و خداوند نیرومند و عزیز است». «پس مؤمنان را بر دشمنانشان یاری دادیم به طوری که بر دشمن پیروز شدند».

(۱)

ملحقات

اشاره

(۲) (۳۶۷) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر نمی خاست و نمی نشست مگر به یاد خدا.
 (۳) (۳۶۸) حضرت امام رضا علیه السّلام به اصحاب خود می فرمود: بر شما باد به همراه داشتن اسلحه و سلاح پیامبران. عرض شد: اسلحه پیامبران چیست؟ فرمود: دعا آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۱، کردن.

(۱) (۳۶۹) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دعا کردن چنان تضرّع و زاری می کرد که نزدیک بود عبا از دوش او بیفتد.
 (۲) (۳۷۰) امام باقر علیه السّلام فرمود: ما اهل بیت دعا می کنیم و از خداوند آنچه را دوست داریم درخواست می کنیم، اما هنگامی که قضای الهی بر خلاف میل ما واقع شد همان را می پسندیم و با آنچه محبوب خداست مخالفت نمی ورزیم.
 (۳)

دعای آن حضرت هنگام صبح

- (۴) (۳۷۱) امام صادق علیه السلام فرمود: سه جمله دعا هست که پیغمبران از آدم علیه السلام به بعد، دست به دست گرفتند تا به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و حضرت در صبح آن دعا را می خواند:
- اللَّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ اِيْمَانًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَ يَقِيْنًا حَتَّى اعْلَمَ اَنَّهُ لَا يَصِيْبُنِي اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي، وَ رِضْوَانِي بِمَا قَسَمْتَ لِي.
- «خدایا، از تو ایمانی می طلبم که با آن همیشه در دلم باشی، و یقینی می خواهم که به واسطه آن بدانم که جز آنچه تو برایم مقرر کرده ای به من نمی رسد. و مرا به داشتن آنچه قسمت من کرده ای خوشنود ساز.»
- (۵) (۳۷۲) (مانند دعای ۳۹۵ است)
- (۶)

تعویذ رسول خدا صلی الله علیه و آله

- (۷) (۳۷۳) امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را با این کلمات تعویذ می کرد و دستور می داد اصحابش نیز [خود و اولادشان را] با آن تعویذ کنند:
- بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، اَعِیْذُ نَفْسِی وَ دِیْنِی وَ اَهْلِی وَ مَالِی وَ وَ لَدِی وَ خَوَاتِیْمِ عَمَلِی وَ مَا رَزَقْنِی رَبِّی وَ خَوْلَتْنِی، بَعْزَةُ اللّٰهِ وَ عِظْمَةُ اللّٰهِ وَ جَبْرُوتُ اللّٰهِ وَ اَدَابُ، سُنَنِ وَ رُوشِ رِفْتَارِی پِیَامْبِرِ گَرَامِی اِسْلَامِ، ص: ۱۹۲
- سلطان الله و رحمة الله و رافة الله و غفران الله و قوه الله و قدرة الله، و بآلاء الله و بصنع الله و باركان الله و بجمع الله عزّ و جلّ، و برسول الله صلی الله علیه و آله و قدرة الله علی ما یشاء، من شرّ السّامّة و الهامّة، و من شرّ الجنّ و الانس، و من شرّ ما دبّ فی الارض، و من شرّ ما یرج منها، و من شرّ ما ینزل من السّماء و ما یرج فیها، و من شرّ کلّ دابة ربّی آخذ بناصيتها، انّ ربّی علی صراط مستقیم، و هو علی کلّ شیء قدير، و لا حول و لا قوه

اَلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ صَلَّى اللهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.
 «به نام خداوند بخشنده مهربان، جان و دین و اهل و مال و اولاد و عاقبت کار و آنچه را
 که پروردگارم روزی من ساخته و به من بخشیده است، همه را در پناه عزت و عظمت و
 جبروت و سلطنت و رحمت و رأفت و مغفرت و قوت و قدرت خدای متعال قرار داده،
 و به نعمتها و احسان و ارکان و الفت خدا و به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ [؟] و
 قدرت خدا که بر هر چه خدا بخواهد نافذ است سپردم، از شر حیوان زهردار و بی‌زهر،
 و از شرّ جنّ و انس، و از شر آنچه در دل زمین حرکت می‌کند و آنچه از آن بیرون
 می‌آید، و از شر آنچه از آسمان فرود می‌آید و آنچه به آن بالا می‌رود، و از شر هر
 جانداري که زمامش به دست پروردگارم می‌باشد؛ که همانا پروردگارم بر راه راست
 است و او بر همه چیز تواناست، و هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست جز به
 خدای والا و بزرگ، و درود خدا بر سرورمان محمد و آل او باد».

(۱)

تعوذ دیگر در گرفتاری‌ها و در کلیه ناراحتی‌ها و شداید

(۲) (۳۷۴) جابر گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ چون دچار غم و ناراحتی می‌شد
 و یا از جانب مشرکین به مشکلی برمی‌خورد دست مبارکش را می‌بست و فشار می‌داد و
 آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۳
 می‌گفت: تنگ شو، باز شو. سپس رو به قبله می‌ایستاد و دست خود را بلند می‌کرد و
 می‌گفت:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِیْمِ. اللّٰهُمَّ اَيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اَيَّاكَ
 نَسْتَعِیْنُ. اللّٰهُمَّ كَفِّ بِاَسِّ الدِّیْنِ كَفْرًا، فَانْكَ اَشَدُّ بَاسًا وَ اَشَدُّ تَنْكِيْلًا
 «به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست جز به خدای
 والا و بزرگ. بار الهی، تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. بار الهی، قدرت و

نیروی کافران را دفع فرما، که نیرو و قدرت تو از همه سخت تر است». جابر گفت: به خدا قسم دست مبارکش را باز نمی کرد مگر آنکه فرج می رسید.

(۱)

دعای آن حضرت چون از امری محزون می گشت (دعای فرج)

(۲) (۳۷۵) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چون از امری محزون می گشت این دعا را می خواند؛ و به آن دعای فرج گفته می شد:

اللَّهُمَّ احْرَسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اكْفِنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يَرَامُ، وَ ارْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ، وَ لَا اَهْلِكَ وَ انْتِ رَجَائِي. فَكَمْ مِنْ نِعْمَةٍ اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَهَا شُكْرِي، وَ كَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ اَبْتَلَيْتَنِي قَلَّ لَكَ بِهَا صَبْرِي. فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرَمْنِي، وَ يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلِيَّتِهِ صَبْرِي فَلَمْ يَخْذَلْنِي، وَ يَا مَنْ رَأَى عَلَيَّ الْخَطَايَا فَلَمْ يَفْضَحْنِي، اسْأَلُكَ اَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَيَّ دِينِي بِالْدُّنْيَا، وَ عَلَيَّ الْآخِرَةَ بِالتَّقْوَى، وَ احْفَظْنِي فِيمَا غَبَتْ عَنْهُ، وَ لَا تَكُنْ لِي اِلَى نَفْسِي فِيمَا حَضَرْتَهُ، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ، وَ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ، هَبْ لِي مَا لَا يَنْقُصُكَ، وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ، اِنَّكَ رَبُّ وَهَّابٍ. اسْأَلُكَ فَرَجًا قَرِيبًا، آدَاب، سَنَن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۴، و صبرا جميلا، و رزقا واسعا، و العافية من جميع البلاء، و شكر العافية . «خدایا، با دیده ات که هرگز به خواب نمی رود مرا پاسداری کن، و با ستون محکمت که هرگز خراب نمی شود نگاهم دار، و به قدرتت بر من رحم کن، و با امیدی که به تو دارم مبادا هلاک شوم. چه بسیار نعمت هایی به من کرامت فرمودی که در برابرش شکرگزاری مناسبی نکردم، و چه ابتلائاتی بر من وارد ساختی که در برابر آنها صبر و بردباری درستی نمودم. پس ای خدایی که در برابر کفران نعمت محروم نکردی، و ای خدایی که در مقابل کم صبوری در بلایت خوارم نساختی، و ای خدایی که مرا بر انجام

گناهان بی‌باک یافتی و رسوایم نمودی، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی.

خدایا، دنیا را وسیله اعانت بر دینم قرار ده، و پرهیزکاری را موجب سعادت آخرتم نما، آنچه به من کرامت کردی و فعلا از من غایب است همه را نگهداری کن، و در حفظ آنچه به من مرحمت کردی و در نزد من حاضر است به خود وامگذار. ای کسی که گناهان به او ضرری نمی‌رساند، و آمرزش خطاهای بندگان از او چیزی نمی‌کاهد، آنچه را که چیزی از تو نمی‌کاهد به من ارزانی دار، و آنچه را برایت ضرری ندارد بر من ببخش، که تو پروردگار بخشنده‌ای. از تو گشایشی نزدیک، صبری نیکو، رزقی وسیع، عافیت از همه بلاها و شکر در برابر عافیت را مسألت دارم.»

(۱)

دعای آن حضرت موقع دیدن هلال

(۲) ۳۷۶) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون چشمش به هلال می‌افتاد

می‌فرمود:

اَيُّهَا الْخَلْقُ الْمَطِيْعُ الدَّائِبُ السَّرِيْعُ الْمَتَصَرِّفُ فِي مَلَكُوتِ الْجَبْرُوتِ بِالتَّقْدِيْرِ، رَبِّي وَرَبِّكَ
 اللهُ. اللهُمَّ اهْلِهِ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَ الْاِيْمَانِ وَ السَّلَامَةِ وَ الْاِحْسَانِ،
 آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۵

و كما بَلَّغْتَنَا اوَّلَهُ فَبَلَّغْنَا آخِرَهُ، وَ اجْعَلْهُ شَهْرًا مَبَارَكًا تَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، وَ تَرْفَعُ لَنَا فِيهِ
 الدَّرَجَاتِ، يَا عَظِيْمُ الْخَيْرَاتِ.

«ای آفریده مطیع و کوشا و سریع که در ملکوت آسمان با تقدیر الهی در گردش. پروردگار من و تو خداست. خدایا، این ماه را بر ما، ماه امن و ایمان و سلامت و احسان قرار ده، و چنان که ما را به آغازش رساندی به آخرش نیز برسان، و آن را ماهی مبارک قرار ده که در آن گناهانمان را ببخشی و درجاتمان را بالا ببری، ای خدایی که خیرات

بسی
بزرگ
است».

(۱) (۳۷۷ - ۳۹۹) (این دعاها به جهتی که در مقدمه ذکر شد، حذف گردید.)
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۶
(۱)

ملحقات حج

(۲) (۴۰۰) ابان از حضرت صادق علیه السلام پرسید: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله شبانه روز تعداد معینی طواف انجام می داد؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله شبانه روز ده مرتبه، و هر مرتبه هفت بار دور خانه کعبه طواف می نمود، سه مرتبه اول شب، سه مرتبه آخر شب، دو مرتبه صبح و دو مرتبه بعد از ظهر، و در فاصله آنها استراحت می کرد.

(۳) (۴۰۱) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر طواف واجب و مستحبی «حجر الاسود» را با کف دست مسح می کرد.
(۴) (۴۰۲) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله جز دو رکن «حجر الاسود» و «رکن یمانی» را مسح نمی کرد، و پس از مسح آنها را می بوسید و صورت مبارکش را بر آنها می نهاد. پدرم را نیز دیدم که چنین می کرد.
(۵) (۴۰۳) (مانند ۴۰۲ است).

(۶) (۴۰۴) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی در مدینه بود، اظهار تمایل می کرد که برایش آب زمزم هدیه بیاورند.
(۷) (۴۰۵) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ذی المعارج (سوره معارج) را زیاد می خواند. و هر وقت سواره ای را می دید و یا از تلی بالا می رفت و
یا
سرازیر

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۷

می شد و در آخر شب و در تعقیب نمازها تلبیه می گفت ...
 (۱) (۴۰۶) جابر بن عبد الله گوید: تلبیه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله این بود:
 لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لا شريك لك لَبَّيْكَ، انَّ الحمد و النِّعمَةُ لك و الملك، لا شريك لك.

(۲) (۴۰۷) از یکی از دو امام (امام صادق و امام باقر علیهما السلام) روایت شده:
 رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله دو قوچ شاخ دار بزرگ و نر که دهان و چشمانش سیاه و
 مشکی بود قربانی می کرد ...
 (۳) (۴۰۸) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله روز قربانی سرش
 را می تراشید و ناخنهایش را می گرفت و شارب و اطراف محاسن خود را مقداری کوتاه
 می کرد.

(۴) (۴۰۹) گرفتن ناخنها و کوتاه کردن شارب و تراشیدن موی زیر شکم در احرام سنت
 است.

(۵) (۴۱۰) از سنت است مردمی که در شهرها (ی غیر مکه) هستند و امام و پیشوا ندارند،
 عصر روز عرفه دور هم جمع شوند و خدا را بخوانند و دعا کنند.
 آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۸
 (۱)

نوادر ملحقات

(۲) (۴۱۱) امام صادق علیه السلام فرمود: روش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله آن بود
 که اگر بچه شتر دو ساله ای مقروض بود، به جای آن شتر هفت ساله می داد (یا اگر دو
 درهم مقروض بود چهار درهم می پرداخت).
 (۳) (۴۱۲) امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله چون
 فضیلتی از فضایل خود را به زبان می آورد می فرمود: با داشتن این فضیلت فخری

نمی‌فروشم.

(۴) (۴۱۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یکی از سنن این است که شخص مؤمن در روز عید غدیر صد مرتبه این ذکر را بگوید:
الحمد لله الذي جعل كمال دينه و تمام نعمته بولاية أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام

«سپاس و ستایش خدایی را که دین و نعمتش را به ولایت علی علیه السلام کامل و تمام ساخت».

(۵) (۴۱۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عیادت بنی هاشم (سادات) واجب، و زیارت آنان سنّت است.

(۶) (۴۱۵) از امام صادق علیه السلام در باره ذبح گوسفندی که ایستاده است سؤال شد، فرمود: سزاوار نیست چنین ذبح شود، سنّت بر این است که به طرف قبله بخوابانند.

(۷) (۴۱۶) امام رضا علیه السلام فرمود: ما اهل بیت وعده‌های خود را بر خویشان دین آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۹

حساب می‌کنیم چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌کرد.
(۱) (۴۱۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله چون صدای رعد را می‌شنید می‌گفت:
سبحان من يسبح الرعد بحمده.

«پاک و منزّه است خدایی که رعد، حمد و تسبیح او می‌گوید».

(۲) (۴۱۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله چون صدای رعد و برق را می‌شنید می‌گفت:
اللهم لا تقتلنا بغضبك، و لا تهلكنا بعذابك، و عافنا قبل ذلك
«خدایا ما را به خشم خود نمیران، و به عذابت هلاک مگردان، و پیش از آن ما را عافیت بخش».

(۳) (۴۱۹) چون نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از «اصحاب اخدود» (که سخت شکنجه شدند) صحبت می‌شد از سختی بلا و آزمایش به خدای متعال پناه می‌برد.

(۴) (۴۲۰) هنگامی که باد زرد و سرخ و سیاه می‌وزید رنگ چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌پرید و مانند کسی که بترسد زرد می‌گشت، و چون قطره بارانی از آسمان نازل می‌شد رنگش برمی‌گشت و می‌فرمود: این بادها رحمت خدا را برایتان آورد.

(۵) (۴۲۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله چون ابر را می‌دید هر کاری که داشت رها می‌کرد و

اللهم انی اعوذ بک من شر ما فیه

«خدایا از شر آنچه در آن است به تو پناه می‌برم». پس اگر ابر رد می‌شد خدا را شکر

می‌کرد، و اگر می‌بارید می‌گفت:

اللهم ناشئا نافعا

«بار الها، آن را ابری سودمند قرار ده».

(۶) (۴۲۲) امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که آفتاب و یا ماه می‌گرفت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردم می‌فرمود: به سوی مسجد بشتابید.

(۷) (۴۲۳) سنت، خواندن نماز در مسجد و با جماعت است.

(۸) (۴۲۴) علی علیه السلام فرمود: دوستم رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی [از بیت

المال] را برای فردا باقی نمی‌گذاشت، اما ابو بکر این کار را می‌کرد، و عمر بن خطاب

رأیش بر این شد که دفاتر حساب ترتیب داده و اموال را تا یک سال نگاه می‌داشت. و

اما من مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل خواهم کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۰

علی علیه السلام بیت المال را جمعه به جمعه میان مردم تقسیم می‌کرد و [چون از تقسیم

فارغ می‌شد]

هذا جنای و خیاره فیه اذ کلّ جان یده الی فیه

«این است دستچین من که خوب و بدش همه در آن است، حال آنکه هر چینه‌ای دست

به دهان خود دارد».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۱
(۱)

ملحقات شمایل پیامبر صلی الله علیه و آله

(۲) (۴۲۵) جابر بن عبد الله انصاری گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشتم: اول چیزی که خداوند آفرید چه بود؟ فرمود: نور پیغمبر تو ای جابر. خداوند آن را آفرید و سپس هر خوبی و خیری را از آن آفرید.

(۳) (۴۲۶) پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نخستین چیزی که خداوند آفرید نور من بود، که آن را از نور مقدس خودش ایجاد کرد، و از جلال عظمت خودش مشتق نمود.

(۴) (۴۲۷) امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: خداوند، محمد صلی الله علیه و آله را از گوهری که در زیر عرش بود آفرید.

(۵) (۴۲۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند من و اهل بیت مرا از سرشتی آفرید که احدی را از آن نیافریده بود، و ما نخستین پدیده از آفریده‌های او هستیم.

(۶) (۴۲۹) امام صادق علیه السلام در خطبه‌ای که در باره احوال و صفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بیان کرده، فرمود: بزرگی گناه و اعمال زشت مردم مانع پروردگار ما - به خاطر بردباری و آرامش و مهربانی وی - نشد از اینکه محبوب‌ترین و گرامی‌ترین پیامبرانش «محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله» را برای آنان انتخاب کند، پیامبری که مولدش در حومه عزت بود و ریشه در دودمان کرم داشت، حسبش نقصی نداشت،

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۲

نسبش آلوده نبود و وصف و صفاتش نزد دانشمندان مجهول نبود. پیامبران گذشته در کتابهای آسمانی خود آمدن او را بشارت داده، دانشمندان به اوصاف و صفات نیکویش

زبان گشوده و حکیمان به اوصاف برجسته او نظر دوخته بودند. او وجود پاک‌ی بود که نظیر نداشت، تنها فرد هاشمی بود که برابر نداشت و تنها مرد مکی بود که کس به شوکت و مفاخر او نمی‌رسید. منش او حیا و نجابت، و سرشت او سخا و مروت بود. به هیبت و بزرگی و اخلاق نبوت آراسته بود و به اوصاف و خردمندی‌های رسالت سرشته؛ تا اسباب و مقدرات الهی زمینه مساعدی برای او فراهم آورد و حکم استوار حق به امر الهی در باره او به نهایت رسید، در این وقت قضای حتمی خداوند حضرتش را به منتهی درجه رسانید. هر امتی بشارت وجودش را به امت بعد از خود می‌داد، و آن نور مقدس از صلب پدری به پدری دیگر منتقل می‌شد. در این انتقال، عنصر شریفش را روابط نامشروع آلوده نکرد، و در ولادت شریفش از زمان آدم علیه السلام تا پدرش عبد الله علیه السلام نکاح ناروا راه نیافت. او در بهترین دودمانها و در گرامی‌ترین تیره‌ها و شرافتمندترین خاندانها و عزیزترین فامیل و محفوظترین رحما به دنیا آمد و در امین‌ترین دامن‌ها پرورش یافت. خداوند متعال او را برگزید و پسندید و برای خود انتخاب کرد و کلیدهای دانش را به او داد و منابع سرشار حکمت را به او بخشید ...

(۱) ۴۳۰) علی علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: محمد صلی الله علیه و آله از شکم مادرش به زمین آمد، دست چپ را بر زمین نهاد و دست راست را به سوی آسمان بلند کرد و لبها را به وحدانیت خدا حرکت می‌داد ...

(۲) ۴۳۱) آمنه مادر رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چون فرزندم بر زمین قرار گرفت به سمت کعبه به سجده افتاد و در حالی که دستها را به سوی آسمان بلند کرده، به پروردگارش زاری نمود ...

(۳) ۴۳۲) آمنه مادر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به فرزندم «محمد» باردار

بودم ولی

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۳

احساس بارداری نکردم و مانند زنان دیگر از سنگینی حمل رنج نمی‌بردم.

(۱) (۴۳۳) رشد و نمو یک روزه رسول خدا صلی الله علیه و آله به اندازه رشد و نمو یک هفته اطفال دیگر، و رشد یک هفته او به قدر رشد و نمو یک ماهه آنان بود.

(۲) (۴۳۴) در کتاب مناقب گوید: در حال کودکی آن حضرت، ماه گهواره او را می جنابید.

(۳) (۴۳۵) در بحار روایت کرده: مردم از گهواره آن حضرت صدای تسبیح و حمد و ثنا بر خدای متعال می شنیدند.

(۴) (۴۳۶) در مجمع البیان روایت کرده: رسول خدا صلی الله علیه و آله ختنه شده از مادر متولد گردید.

(۵) (۴۳۷) حلیمه سعدیه (دایه آن حضرت) گوید: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله را در گرمی آفتاب بیرون نبردم مگر آنکه ابری بر آن حضرت سایه می افکند، و همچنین آن حضرت را ابر از هوای بارانی نگهداری می کرد.

(۶) (۴۳۸) علی علیه السلام در حدیثی فرمود: از روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد شد تا روزی که از دنیا رفت، در حضر و سفر، پیوسته ابری بر آن حضرت سایه می افکند ...

در طفولیت، حکمت و دانش به وی داده شد، و با آنکه میان بت پرستان و هوا داران شیطان زندگی می کرد هرگز به بتی متمایل نشد، و در اعیاد بت پرستان شاد نبود، و هرگز دروغی از آن حضرت شنیده نشد ...

(۷) (۴۳۹) ابو طالب (عموی پیغمبر) گوید: هرگز از رسول خدا صلی الله علیه و آله دروغی نشنیدم، و خلقی از اخلاق جاهلیت در او ندیدم، خنده بی جایی از او مشاهده نکردم. با کودکان بازی نمی کرد و به آنان علاقه نشان نمی داد، و تنهایی و تواضع بهترین چیزها نزد او بود.

(۸) (۴۴۰) حلیمه سعدیه گوید: هر وقت رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوابید چشمهایش چنان می نمود که باز و لبهایش در حال خنده است، و گرما و سرما آسیبی

به او

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۴
نمی‌رسانید.

(۱) (۴۴۱) علی علیه السلام فرمود: از هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از شیر گرفته شد، خداوند بزرگترین فرشته از فرشتگان خویش را همراه آن حضرت قرار داد که شب و روز راه مکارم و بهترین اخلاق جهانیان را به آن حضرت نشان می‌داد. من همیشه مانند کودکی که دنبال مادر به راه افتد از آن حضرت پیروی کرده و سایه به سایه او می‌رفتم. هر روز از اخلاق خود چیزی برایم آشکار می‌ساخت و مرا امر می‌کرد تا از او پیروی کنم. در هر سال اوقاتی را در کوه «حراء» مجاور می‌شد و غیر از من کسی او را نمی‌دید ... هنگامی که وحی بر آن حضرت نازل شد ناله شیطان را شنیدم، عرض کردم: یا رسول الله، این ناله چیست؟ فرمود: این شیطان است که از پرستش شدن ناامید گردید. [ای علی] آنچه من می‌شنوم تو می‌شنوی، و آنچه من می‌بینم تو می‌بینی جز آنکه پیامبر نیستی ...

(۲) (۴۴۲) امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه «خداوند دانای غیب است و کسی را از غیب خود آگاه نمی‌سازد مگر آن کس را که پسندد و او پیامبر است، که از پیش رو و پشت سرش نگاهبانانی روانه می‌سازد.» «۱» فرمود: خدای متعال بر انبیاء خود فرشتگانی می‌گمارد تا کارهای آنان را (از خطا) محافظت کنند و آنان را در تبلیغ رسالت یاری دهند. و از روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از شیر گرفته شد خداوند فرشته بزرگی را بر آن حضرت موکل ساخت که او را به خیرات راهنمایی می‌کرد و به اخلاق نیک و امی داشت و از شر و اخلاق بد نگاهداری می‌نمود.

(۳) (۴۴۳) امام صادق علیه السلام فرمود: زلیخا از حضرت یوسف علیه السلام اجازه ملاقات خواست ... یوسف به زلیخا فرمود: چه باعث شد که به آن کار ناروا اقدام کنی؟ گفت:

زیبایی روی تو. یوسف علیه السلام فرمود: اگر پیغمبر آخر الزمان «محمد صلی الله علیه و آله» را ببینی چه می کنی؟ او از من زیباتر، اخلاقش بهتر و سخاوتش بیشتر خواهد بود.

(۱) سوره جن / ۲۶ و ۲۷.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۵

(۱) (۴۴۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یوسف علیه السلام زیباتر از من بود، ولی من با نمک تر از اویم.

(۲) (۴۴۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله از جهت چاقی معتدل بود، ولی در اواخر عمرش اندکی چاق شده بود. گوشت بدنش چنان محکم و جمع بود که گویی پیری در وی اثر نکرده است.

(۳) (۴۴۶) علی علیه السلام در جواب پرسشهای رئیس و بزرگ یهود فرمود: مهر نبوت میان دو کتف رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت و بر آن دو سطر نوشته بود:

سطر اول

«لا اله الا الله»

و سطر دوم

«محمد رسول الله»

(۴) (۴۴۷) میان دو کتف آن حضرت مهر نبوت قرار داشت که نور آن بر نور آفتاب غلبه داشت و بر آن نوشته بود: «خدایی جز خدای یگانه نیست که شریکی ندارد. هر جا خواستی برو که تو منصور و یاری شده‌ای» (۱).

(۵) (۴۴۸) در محجۀ البیضاء گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چهارشانه بود و مهر نبوت میان دو کتف آن حضرت نزدیک شانه راست او قرار داشت، در آن مهر خالی سیاه متمایل به زردی که اطراف آن را موهای متراکمی مانند یال اسب گرفته بود به

چشم می خورد.

- * امام باقر علیه السلام فرمود: آن حضرت خالی به رنگ دیبای سیاه بر گونه داشت. (۶) (۴۴۹) جابر بن سمره گوید: مهر نبوتی که میان دو کتف رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت برآمدگی سرخ رنگی به اندازه تخم کبوتر بود.
- (۷) (۴۵۰) علی علیه السلام فرمود: کسی را مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله ندیدم که دو کتفش از هم فاصله زیاد داشته باشد (و این علامت شجاعت است).
- (۸) (۴۵۱) گردن رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه زیباتر بود، نه خیلی بلند بود و نه کوتاه.

(۱) مراد از کتابت در این حدیث و حدیث قبل، کتابت ظاهری نیست چنان که از احادیث بعد معلوم می شود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۶

- (۱) (۴۵۲) علی علیه السلام فرمود: صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله گرد بود.
- (۲) (۴۵۳) علی علیه السلام فرمود: بر لب زیرین رسول خدا صلی الله علیه و آله خالی نقش بسته بود.
- (۳) (۴۵۴) علی علیه السلام فرمود: حدقه چشم رسول خدا صلی الله علیه و آله سیاه بود.
- (۴) (۴۵۵) از جابر بن سمره پرسیدند: آیا در سر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله موی سفیدی دیده می شد؟ گفت: در سر آن حضرت جز چند تار موی سفیدی که در فرق مبارک او بود و با روغن زدن پنهان می گشت موی سفید دیگری وجود نداشت.
- (۵) (۴۵۶) بر شکم رسول خدا صلی الله علیه و آله شکنهایی - چین خوردگی هایی - وجود داشت، یکی زیر لباس پنهان می گشت و دوتای دیگر نمایان بود.
- (۶) (۴۵۷) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله جلالت و هیبتی خاص داشت.

(۷) (۴۵۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله در چشم هر بیننده با وقار و بزرگی می نمود.
 (۸) (۴۵۹) علی علیه السلام در پاسخ سؤالهای یهودی فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در مجلسی می نشست از اطراف آن حضرت نوری می درخشید که همه آن را می دیدند.

(۹) (۴۶۰) امام صادق علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبهای تاریک نوری دیده می شد گویی پاره ماه است.

(۱۰) (۴۶۱) یکی از خواص رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که چون می خواست به دیدار قومی برود جلوتر نوری به خانه آنان سبقت می گرفت.

(۱۱) (۴۶۲) پسر عمر خطاب گوید: کسی را ندیدم که سخی تر و شجاع تر و سلحشورتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد.

(۱۲) (۴۶۳) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله سه خصلت داشت که دیگران نداشتند: آن حضرت سایه نداشت. از راهی عبور نمی کرد مگر اینکه پس از سه روز کسانی که از آنجا می گذشتند از عطر عرق آن جناب متوجه می شدند که ایشان از آن محل گذشته است. آن حضرت بر هیچ سنگ و درختی نمی گذشت جز آنکه به آن حضرت سجده می کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۷

(۱) (۴۶۴) در شب تاریک پیش از آنکه مردم آن حضرت را ببینند از بوی عطر آن جناب را می شناختند و می گفتند: این رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

(۲) (۴۶۵) از اسحاق بن راهویه نقل شده که این بوی خوش، بوی عرق رسول خدا صلی الله علیه و آله بود بدون آنکه عطری استعمال کند.

(۳) (۴۶۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله در ظرف آب، آب دهان می افکند و مردم از آن بویی خوشتر از مشک می شنیدند.

(۴) (۴۶۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بخواهد عطر مرا استشمام

کند گل سرخ (گل محمدی) را ببوید.

(۵) (۴۶۸) سلیم (سلمه فرزند ام سلمه) گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما وارد شد و نزد ما به خواب نیم روزی فرو رفت. مادرم شیشه‌ای آورد و شروع کرد عرق رسول خدا صلی الله علیه و آله را در آن جمع کردن. آن حضرت از خواب بیدار شد و فرمود: ای ام سلمه، چه می کنی؟ عرضه داشت: این عرق شماست که در عطریات خود داخل می کنیم و این از بهترین اقسام عطرهاست. آن حضرت فرمود: درست گفتی.

(۶) (۴۶۹) چون رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی راه می رفت هر چند که آن کس بلند قد بود، آن حضرت یک سر و گردن از وی بلندتر به نظر می رسید.

(۷) (۴۷۰) لباس کوتاه و یا بلند به اندام رسول خدا صلی الله علیه و آله اندازه بود، چون می پوشید اگر کوتاه بود بلند، و اگر بلند بود کوتاه تر می شد، گویا برای آن حضرت بریده شده است.

(۸) (۴۷۱) هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر زمین نرم قدم می گذاشت اثر پایش در آن ظاهر نمی شد، و چون بر زمین سفت راه می رفت جای پایش معلوم می گشت.

(۹) (۴۷۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدگانش به خواب می رفت ولی قلبش نمی خوابید.

(۱۰) (۴۷۳) پرنده بالای سر رسول خدا صلی الله علیه و آله پرواز نمی کرد.

(۱۱) (۴۷۴) مگس بر آن جناب نمی نشست و حشرات زهردار و بی زهر به

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۸

آن حضرت نزدیک نمی شدند.

(۱) (۴۷۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله از پشت سر نگاه می کرد چنان که از پیش رو نگاه می کرد، و از پشت سر می دید چنان که از پیش رو می دید.

(۲) (۴۷۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب می شنید چنان که در بیداری می شنید.

(۳) (۴۷۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله از روزی که خدا او را آفرید بوی بد از وی به مشام نرسید.

(۴) (۴۷۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز محتمل نشد.

(۵) (۴۷۹) هر حیوانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آن سوار شد هرگز پیر نگشت و بر آن حال باقی ماند.

(۶) (۴۸۰) مردم به وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله استشفاء می کردند.

(۷) (۴۸۱) هیچ کس تاب مقاومت با رسول خدا صلی الله علیه و آله را نداشت.

(۸) (۴۸۲) سلیمان بن خالد گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: مردم می گویند:

اگر علی علیه السلام حقی در خلافت داشت چرا قیام نکرد تا حق خویش را بگیرد؟
آن حضرت فرمود: خدای متعال این موضوع (به تنهایی قیام کردن بدون اینکه یآوری داشته باشد) را فقط بر یک نفر واجب کرده بود آن هم رسول خدا صلی الله علیه و آله بود چنان که خدای متعال فرمود: «پس در راه خدا کارزار کن و این تکلیف خود توست، و مؤمنین را به جنگ ترغیب کن» (۱). این تکلیف تنها برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، ولی در باره دیگران فرمود: «در جنگ عقب نشینی جایز نیست مگر برای کسی که بخواهد برای ادامه جنگ جای خود را در میدان عوض کند و یا به جمعیتی ملحق شود و از آنان یاری بجوید» (۲).

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: در آن روز (روز غصب خلافت) جمعیتی نبود که علی علیه السلام را در امر خلافت یاری کند [و الا قیام می کرد].

(۲) انفال / ۱۶.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۹

(۱) (۴۸۳) در روی زمین کسی داناتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نبود.

(۲) (۴۸۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام نزول وحی گرفته می شد و رنگ

چهره اش تغییر می کرد و سر به زیر می انداخت.

(۳) (۴۸۵) از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آن حالت غشوه و بی خودی که به رسول

خدا صلی الله علیه و آله دست می داد آیا هنگامی بود که جبرئیل بر آن حضرت نازل

می گردید؟ فرمود: نه، جبرئیل هنگامی که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمد

بدون اجازه داخل نمی شد و چون خدمت آن حضرت می رسید مانند بنده ای در حضور

رسول خدا می نشست. بلکه آن حالت موقعی بود که خدای - عز و جل - بدون واسطه با

آن جناب سخن می گفت.

(۴) (۴۸۶) به امام صادق علیه السلام عرض شد: آیا برای رسول خدا صلی الله علیه و آله

دو حال بود که گاه می فرمود: جبرئیل گفت، و این جبرئیل است که چنین امر می کند؛

و گاه بیهوش می گردید؟ امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که وحی الهی بدون

واسطه جبرئیل صورت می گرفت، به جهت سنگینی وحی مستقیم از خداوند حالت

غشوه بر آن حضرت عارض می شد. اما هنگامی که به واسطه جبرئیل بود این سنگینی

به او دست نمی داد، لذا می فرمود: جبرئیل گفت، و این جبرئیل است [که چنین دستور

آورده است].

(۵) (۴۸۷) هنگامی که وحی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل می شد صدایی

همانند صدای زنبور عسل از مقابل صورتش شنیده می شد. و در روزهای خیلی سرد

وقتی وحی بر آن حضرت نازل می شد و تمام می گشت، بر پیشانی مبارکش دانه های

عرق نمایان می شد.

(۶) (۴۸۸) جبرئیل شصت هزار مرتبه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید.

(۷) (۴۸۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی فرمود: جبرئیل هر سال همه قرآن را یک بار بر من می خواند، لیکن امسال (که سال آخر عمر من است) آن را دو بار بر من

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۱۰ خوانده است.

(۱) (۴۹۰) مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام در باره علم امام سؤال کرده، گفتم: با اینکه امام در خانه خود نشسته و پرده ها انداخته شده چطور از آنچه در اطراف عالم اتفاق می افتد خبر دارد؟ حضرت فرمود: ای مفضل، خداوند - تبارک و تعالی - در وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله پنج روح قرار داده بود: (۱)

«روح الحیاة»

که با آن جنب و جوش داشت. (۲)

«روح القوه»

که با آن کار و کوشش می کرد.

(۳)

«روح الشهوة»

که با آن می خورد و می آشامید و با همسران حلال خود آمیزش می کرد. (۴)

«روح الايمان»

که با آن ایمان آورد و در میان مردم به عدالت رفتار می نمود. (۵)

«روح القدس»

که به وسیله آن حامل نبوت گشته بود. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات کرد

«روح القدس»

به امام علیه السلام انتقال پیدا کرد، و روح القدس خواب و غفلت و کار بیهوده و باطل

ندارد اما این حالات به چهار روح دیگر دست می‌دهد، و امام به وسیله روح القدس آنچه را در عالم است می‌بیند.

- (۲) (۴۹۱) ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام از معنای «روحا من امرنا» که در این آیه شریفه: و كذلك اوحينا اليك روحا من امرنا ما كنت تدري ما الكتاب و لا الايمان «۱» آمده پرسیدم، حضرت فرمود: آن «روح» آفریده‌ای است از آفریده‌های خدای - عزّ و جلّ - که از جبرئیل و میکائیل بزرگتر است و همیشه با رسول خدا صلّی الله علیه و آله همراه بود و آن حضرت را از وقایع آگاه و در کار خویش تقویت می‌کرد و این روح پس از رسول خدا صلّی الله علیه و آله همواره با ائمه علیهم السلام می‌باشد.
- (۳) (۴۹۲) امام صادق علیه السلام فرمود: آن «روح» غیر از رسول خدا صلّی الله علیه و آله با هیچ یک از پیامبران گذشته نبوده است.
- (۴) (۴۹۳) امام صادق علیه السلام فرمود: در شب معراج هنگامی که رسول خدا صلّی الله علیه و آله به

(۱) شوری / ۵۲: «و این گونه روحی از امر خود را به تو وحی کردیم، تو پیش از آن نمی‌دانستی که کتاب و ایمان چیست».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۱۱

آسمان برده شد، جبرئیل رسول خدا صلّی الله علیه و آله را به مکانی رسانید و خود از آن حضرت جدا گردید، پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: ای جبرئیل، در چنین حالی مرا تنها می‌گذاری؟! جبرئیل گفت: به راه خود ادامه ده، به خدا سوگند به جایی قدم نهاده‌ای که بشری به آنجا قدم نهاده و پیش از تو هیچ بشری سیرش به آنجا نرسیده است.

(۱) (۴۹۴) سلمان فارسی رحمه الله گوید: جبرئیل به پیامبر گفت: سوگند به خدایی که تو را به نبوت مبعوث کرد، این جا مقامی است که هیچ پیامبر مرسل و فرشته مقربی به

آن قدم نهاده است.

(۲) (۴۹۵) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: [در شب معراج] سوار «براق» شدم و رسیدم به آن حجابی که بعد از آن خدای رحمان بود (بین من و خدا تنها یک حجاب فاصله بود «۱»).

(۳) (۴۹۶) محمد بن فضیل گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام پرسیدم: آیا هرگز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پروردگارش را دید؟ فرمود: آری، با قلب خود پروردگارش را دید؛ مگر سخن خدای متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «دل آنچه را دیده دروغ نگفته است» «۲». او خدا را هرگز با دیدگان ظاهر ندید ولی با چشم دل دید.

(۴) (۴۹۷) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: [در معراج] پروردگارم را [به چشم دل] دیدم و میان من و او فقط جلال وی حائل بود.

(۵) (۴۹۸) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: مرا با خداوند وقتی هست که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل و بنده‌ای که خداوند دلش را به ایمان آزموده است قدرت تحمل آن حال را ندارد [چه رسد به دیگران].

(۶) (۴۹۹) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در ضمن حدیث معراج فرمود: چون به آسمان هفتم رسیدم و تمام فرشتگان آسمانها که همراه من بودند و جبرئیل و فرشتگان مقرب از

(۱) باید توجه داشت که منظور، قرب معنوی است نه قرب مکانی.

(۲) نجم / ۱۱.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۱۲

ادامه راه بازماندند و رسیدم به حجاب پروردگارم، در میان هفتاد حجاب داخل شدم که بین هر حجابی با حجاب دیگر حائلهایی از عزت و قدرت و بها و کرامت و کبریا و

عظمت و نور و ظلمت و وقار قرار داشت تا آنکه به حجاب جلال رسیدم و با پروردگار خود مناجات کرده، در حضور وی ایستادم ...

(۱) (۵۰۰) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: هیچ روز و شبی نیست مگر آنکه

تحفه‌ای از جانب خدای متعال در آن به من می‌رسد.

(۲) (۵۰۱) امام صادق علیه السلام می‌فرمود: به حضرت عیسی علیه السلام دو حرف [از

علم الهی] داده شده بود و با آن دو حرف کار می‌کرد، و به حضرت موسی علیه السلام

چهار حرف، و به حضرت ابراهیم علیه السلام هشت حرف، و به حضرت نوح علیه

السلام پانزده حرف، و به حضرت آدم علیه السلام بیست و پنج حرف داده شده بود و

خداوند متعال همه آنها را در وجود حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جمع کرده بود.

و اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است که هفتاد و دو حرف آن را به رسول خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عطا کرد و یک حرف دیگر از او پنهان داشته شد.

پایان

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه

آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید

حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ...

علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را

(بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن

عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای (راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخی گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴-۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com

فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱)

بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)
 نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده
 ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت
 مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به
 فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله
 الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در
 صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره
 حساب شبا: 53-0609-0621-0000-0000-0180-IR90 به نام مرکز تحقیقات
 رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود
 که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او
 سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک
 کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به
 عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه
 را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی
 فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و
 تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را
 بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او
 را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».